





پاسخ به چند پرسش در مورد اربعین
و زیارت قبر امام حسین علیه السلام

نویسنده

احمد پودینه‌ئی

خطبه كتاب

الحمد لله الذي سمك سماء العلم و زينها بيروجها للناظرين و علق عليها قناديل الأنوار بشموس النبوة و أقمار الإمامة لمن أراد سلوك مسالك اليقين و جعل نجومها رجوما لوساوس الشياطين و حفظها بثواقب شهبها عن شبهات المضلين ثم بمضلات الفتن أَعْطَشَ لَيْلَهَا و بنيرات البراهين أَخْرَجَ ضُحَاهَا و مهد أراضي قلوب المؤمنين لبساتين الحكمة اليمانية فدحاها و هيأها لأزهار أسرار العلوم الربانية ف أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا و مَرَعَاها و حرسها عن زلازل الشكوك و الأوهام فأودع فيها سكينه من لطفه كجبال أرساها فنشكره على نعمه التي لا تحصى معترفين بالعجز و القصور و نستهديه لمرشد أمورنا في كل ميسور و معسور.

و نشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة علم و إيقان و تصديق و إيمان يسبق فيها القلب اللسان و يطابق فيها السر الإعلان و أن سيد أنبيائه و نخبه أصفيائه و نوره في أرضه و سمائه محمد ﷺ عبده المنتجي و رسوله المجتبي و حبيبة المرتجي و حجته على كافة الورى و أن ولي الله المرتضى و سيفه المنتضى و نبأه العظيم و صراطه المستقيم و حبله المتين و جنبه المكين علي بن أبي طالب ﷺ سيد الوصيين و إمام الخلق أجمعين و شفيع يوم الدين و رحمة الله على العالمين و أنوار أطايب عترته و أفاخم ذريته و أبرار أهل بيته سادات الكرام و أئمة الأنام و أنوار الظلام و مفاتيح الكلام و ليوث الزحام و غيوث الإنعام خلقهم الله من أنوار عظمتهم و أودعهم أسرار حكمتهم و جعلهم معادن رحمته و أيدهم بروحه و اختارهم على جميع

بريته لهم سمكت المسموكات و دحيت المدحوات و بهم رست الراسيات و استقر العرش على السماوات و بأسرار علمهم أينعت ثمار العرفان في قلوب المؤمنين و بأمطار فضلهم جرت أنهار الحكمة في صدور الموقنين فصلوات الله عليهم ما دامت الصلوات عليهم وسيلة إلى تحصيل المثوبات و الثناء عليهم ذريعة لرفع الدرجات و لعنة الله على أعدائهم ما كانت دركات المجيم معدة لشدائد العقوبات و اللعن على أعداء الدين معدودة من أفضل العبادات!

پیشگفتار

نوشتار پیش روی در برگیرنده پاسخ برخی از شبهات و سوالات منتشر شده در فضای مجازی پیرامون اربعین و زیارت قبر امام حسین علیه السلام است که در طول سالهای گذشته مورد پاسخگویی بنده در فضای مازی قرار گرفته است و هم اینک جهت سهولت دسترسی به این مطالب، به صورت یک کتاب به شما بزرگواران عرضه شده است. امید است که مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست مطالب

۱. آیا پیاده روی برای زیارت مصداق اتلاف عمر است؟ ۱۰
۲. آیا کربلا بالاتر از کعبه است؟ ۱۲
۳. اگر امام حسین علیه السلام صدای ما را می شنود دیگر چه نیازی به زیارت قبر ایشان است؟ ۱۵
۴. آیا پیاده روی برای زیارت کعبه هم ثواب دارد یا همه ثواب برای کربلا است؟ ۱۶
۵. زیارت قبر امام حسین علیه السلام در زمان رجعت! ۱۹
۶. چرا مراسم اربعین تنها برای امام حسین علیه السلام است؟ ۲۰
۷. زیارت امام حسین علیه السلام در هنگام خوف جانی مستحب است؟ ۲۳
۸. آیا جسد مطهر امامان علیهم السلام به آسمان برده می شود!!! ۲۶
۹. چرا امام حسین علیه السلام جان زائران خود را حفظ نمی کند؟ ۲۹
۱۰. آیا اهل بیت امام حسین علیه السلام روز اربعین به کربلا رفتند؟ ۳۳
۱۱. زیارت اربعین برای غائبین چگونه است؟ ۳۷
۱۲. آیا اصطلاح جاماندگان اربعین صحیح است؟ ۳۸
۱۳. آیا سر امام حسین علیه السلام در کربلا دفن شده است؟ ۴۳
۱۴. آیا استحباب زیارت قبر امام علیه السلام از روایات اهل سنت هم قابل اثبات است؟ ۴۶
۱۵. بر پایه چه دلائلی کل ماه محرم و صفر را عزاداری می کنیم؟ ۴۹
۱۶. آیا زیارت امام حسین علیه السلام مساوی با زیارت خداوند است؟ ۵۳
۱۷. آیا خداوند به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود؟ ۵۸
۱۸. زیارت قبر امام حسین علیه السلام بهتر است یا کمک به فقراء؟ ۶۲
۱۹. آیا زیارت قبر امام حسین علیه السلام واجب عینی بر ذمه همگان است؟ ۶۷
۲۰. چرا بر روی قبر امام حسین علیه السلام گنبد سازی می شود؟ ۷۱

۲۱. فلسفه زیارت قبور امامان در چه نکته‌ای است؟ ۷۴
۲۲. چرا قبور امامان را طلاسازی می‌کنیم؟ ۷۶
۲۳. چرا از حرم امامان علیهم السلام دفاع می‌کنیم؟ ۸۰
۲۴. آیا قبر امام حسین علیه السلام بارها تخریب شده است؟ ۸۲
۲۵. آیا امام حسین علیه السلام زمین کربلا را خریداری کرد؟ ۸۵
۲۶. آیا در زمان حیات امام حسین مردم به خانه ایشان تبرک می‌کردند که ما پس از شهادتشان به در و دیوار حرمشان تبرک کنیم؟ ۸۶
۲۷. آیا در زمان حیات امام حسین علیه السلام جنب و حائض حق نداشتند به زیارت ایشان بروند؟ ۸۹
۲۸. آیا براستی تربت امام حسین علیه السلام شفا می‌دهد؟ ۹۱
۲۹. آیا کربلا در هنگام قیامت متلاشی می‌شود؟ ۹۲
۳۰. آیا طواف دور قبر امام حسین علیه السلام صحیح است؟ ۹۴
۳۱. آیا فرات متبرک است؟ ۹۶
۳۲. آیا باید کنار قبر امام حسین علیه السلام نماز را کامل خواند؟ ۹۷
۳۳. آیا بوسیدن تربت کربلا شرک است؟ ۹۸
۳۴. آیا نباید کربلا را محل سکونت قرار داد؟ ۱۰۰
۳۵. آیا نباید در کربلا گوشت خورد؟ ۱۰۲
۳۶. آیا مخالفین امام حسین علیه السلام با خوردن تربت کربلا ذوب می‌شوند؟ ۱۰۲
۳۷. چرا شب جمعه شب زیارتی امام حسین علیه السلام است؟ ۱۰۴
۳۸. آیا هرکس در کربلا دفن شود بدون حساب وارد بهشت می‌شود؟ ۱۰۶
۳۹. نقل جنازه به سوی کربلا چه حکمی دارد؟ ۱۱۱
۴۰. اگر تربت کربلا شفا می‌دهد چرا بیمارستان می‌سازیم؟ ۱۱۳
۴۱. چگونه تربت کربلا را بخوریم با این که خاک پر از باکتری است؟ ۱۱۶
۴۲. آیا سجده بر تربت کربلا بت پرستی است؟ ۱۲۰
۴۳. آیا بیماری مسری در حرم امام حسین علیه السلام شیوع پیدا می‌کند؟ ۱۲۴

۱. آیا پیاده روی برای زیارت مصداق اتلاف عمر است؟

پرسش اول:

آیا در عصر حاضر، با پیشرفت تکنولوژی، پای پیاده به زیارت حرم مطهر معصومین علیهم السلام رفتن از جمله سفر به مشهد مقدس و کربلا جایز است؟ بدون شک هدر دادن عمر و وقت نزد خردمندان کاری جاهلانه و نکوهیده است؟

پاسخ:

آنچه از روایات متعدد اسلامی به دست می‌آید آن است که پیاده روی برای زیارت قبر امامان معصوم خصوصاً امام حسین علیه السلام از رجحان و فضیلت خاصی برخوردار می‌باشد.

این روایات را محدث بزرگ شیخ حر عاملی در کتاب شریفش گردآوری کرده است^۱:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس به قصد زیارت قبر حسین از منزلش خارج شود اگر پیاده باشد خداوند در ازای هر قدمی که بر می‌دارد حسنه‌ای برای او می‌نویسد و گناهی از گناهانش را می‌آمرزد»^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹ باب ۴۱

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۴۳؛ ثواب الاعمال، ص ۱۱۶؛ کامل الزیارات، ص ۱۳۲

در روایت دیگر آمده است که خداوند در ازای هر قدمی که انسان برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام بر می دارد هزار حسنه به او داده و هزار گناه او را می آمرزد و هزار درجه بر مقامش می افزاید؛^۱

و در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

«به ازای هر قدمی که بر می دارد خداوند پاداش یک حج و یک عمره را به او میدهد»^۲

استحباب پیاده روی برای زیارت قبور سایر امامان علیهم السلام نیز وارد شده است؛^۳ فلسفه این حکم در دو چیز می باشد:

اظهار محبت به امامان خصوصاً امام حسین علیه السلام. زیرا زائر وقتی با پای پیاده به زیارت می رود می خواهد نشان دهد که این زیارت و صاحب آن جزء محبوبترین افراد نزد من هستند که من بخاطر آنان رنج پیاده روی را بر خود تحمیل می کنم. این حب همان حبی است که اساس دین می باشد و سبب تبعیت افراد از محبوبشان میشود.^۴

سبب تعظیم و تجلیل اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام می باشد همان تعظیمی که خداوند می فرماید:

«هر کس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند این کار نشانه تقوای دل است»^۵
چنان که روایات متعددی در وجوب تعظیم و تکریم اهل بیت علیهم السلام در منابع

۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۰

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۲

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۱ باب ۲۴

۴. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶ باب ۳۶

۵. حج، آیه ۳۲

روایی ما وارده شده است؛^۱

روشن است که با این بیان پیاده روی برای زیارت آنان وقت تلف کنی نمی باشد که هیچ بلکه صرف وقت در بهترین امور می باشد.

۲. آیا کربلا بالاتر از کعبه است؟

پرسش دوم:

وهابیت می گوید شیعیان کربلا را از خانه خدا بالاتر می داند لذا میلیونی با پای پیاده برای زیارت اربعین به کربلا می روند؟ به راستی آیا جهالتی از این بالاتر است که کربلا را از کعبه بالاتر بدانیم؟

پاسخ:

در روایات ما آمده است که کربلا بر کعبه شرافت و برتری دارد.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از این که زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گردانید، و هرگاه خداوند بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلا را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ های بهشت قرار داده و بهترین جای سکونت قرار می دهد و در آن جا کسی غیر از انبیای مرسل یا پیامبران اولو العزم سکونت نکنند. این زمین در میان باغ های بهشت می درخشد همان گونه که ستاره درخشانده بین ستارگان نور افشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدایی بلند می گوید: من زمین مقدس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سید

الشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زمین کعبه در مقام فخر بر مکان‌های دیگر گفت: کدام زمین مانند من است، در حالی که خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند، و حرم خدا و سرزمین امن قرار داده شده‌ام؟ خداوند متعال به سویس وحی کرد و فرمود: بس کن و آرام بگیر به عزت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلا بخشیده‌ام، همچون قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بردارد، و اساسا اگر خاک کربلا نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بردارد تو را نمی‌آفریدم و خانه‌ای را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم. بنابراین، آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا، غرور و خودبزرگ‌بینی و سرکشی از خود نشان مده و اگر چنین کنی تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می‌دهم»^۲

لذا در روایات ما ثواب زیارت کربلا چندین برابر انجام حج مستحبی اعلام شده است^۳

البته شکی در عظمت و شرافت کعبه نیست در این باره روایات فراوانی در مجامع روایی ما آمده است:^۴

اما باید توجه کرد که تمام موارد فوق در برتری کربلا بر کعبه کاملا توجیه پذیر است، زیرا اگر نبود شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا، امروز نه از طواف خبری بود،

۱. کامل الزیارات، ص ۲۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۵

۲. کامل الزیارات، ص ۲۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۴

۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۸، باب ۵

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۶ باب ۱۸

نه از کعبه و نه از اسلام.

از سوی دیگر باید توجه کرد که روح و حقیقت حج ولایت است و حجی که با ولایت پیوند نخورد حج حقیقی نیست بلکه حج جاهلی می باشد چنانچه که امام باقر علیه السلام فرمود:

«مردم مامور شده اند تا به سراغ این سنگ ها بیایند و طوافشان کنند. سپس نزد ما بیایند و دوستی خود را به ما اعلام و یاریشان را بر ما عرضه کنند»^۱
چرا که قوام و بقا و عظمت کعبه به ولی خدا می باشد و با ولایت امام است که احکام شرعی از جمله احکام حج دانسته میشود چرا که امام مبین شریعت نبوی است:^۲

ما از وهابیت می پرسیم شما که این قدر بر ما در مورد روایات بالا اشکال می گیرید چگونه است که می گوئید:

«کسی که قبر احمد بن حنبل و بشر حافی را زیارت کند در قیامت پاداش یک حج و عمره برای او است»^۳

و یا نقل می کنید که حجره پیامبر بر کعبه برتری دارد^۴ و می گوئید مدینه بر مکه برتری دارد^۵

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹

۲. سلفی گری، رضوانی، ص ۵۵۷

۳. نزهة المجالس، ج ۲، ص ۴۷۱

۴. بدائع الفوائد، ج ۳، ص ۶۵۵

۵. فضائل المدینه، ج ۱، ص ۲۳

۳. اگر امام حسین علیه السلام صدای ما را می شنود دیگر چه نیازی به زیارت قبر ایشان است؟

پرسش سوم:

مگر امام حسین و دیگر امامان از اعمال و احوال ما مطلع نیستند و صدای ما را نمی شنوند؟ دیگر چه نیازی است که به زیارت قبورشان برویم و با آنها صحبت کنیم؟

پاسخ:

در این مساله تردیدی نیست که اهل بیت علیهم السلام از احوالات ما مطلع هستند و صدای ما را می شنوند، با این وجود باید توجه کرد که در روایات فراوانی نیز امر به زیارت قبور امامان علیهم السلام شده است:^۱

امام رضا علیه السلام فرمود:

«شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفای به آن عهد در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور امامان است. هر کس آنان را از روی اشتیاق و تصدیق زیارت کند امامان شفیعانشان در روز قیامت خواهند بود»^۲

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«به مدینه بروید و بر پیامبر سلام بدهید هر چند سلام و درود از راه دور به آن حضرت می رسد»^۳

این حدیث نشان می دهد که حضور زائر در کنار قبور اهل بیت موضوعیت و خصوصیت دارد که برخی از این خصوصیت ها چنین است:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۰ باب ۲؛ بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶ باب ۲

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۸

۱. سبب تعظیم و تکریم و گرامی داشت آن بزرگواران و نشان دهنده محبت به آنها می باشد. همان عظیم و تکریمی که در آیات و روایات توصیه شده است. تلاش جوامع گوناگون بر حفظ آثار نیکان و احیای میراث بزرگواران و رواج موزه‌ها نمونه‌ای از نکوداشت مفاخر نیکان است.

۲. طبق روایات سبب بهره مندی از فضای معنوی حرم‌های شریف که محل تردد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا و محل تردد ارواح امامان است میشود و دعا در آن مکان‌ها در معرض استجابت می باشد.^۱

۳. زیارت آنان سبب گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت در بین راهها و شهرهای مسیر مشاهد مشرفه آنان می شود.

۴. نشانه صداقت زائر در دوستی و علاقه‌اش به آنان است که چگونه رنج سفر را تحمل کرده و به زیارتشان رفته است تا اجابت امر آنان را کرده باشد.

۵. سبب ارتباط ملت‌ها و ملیت‌های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقات و امکانات یکدیگر میشود.

۶. زیارت آنان وفاداری به پیمانی است که با امامان علیهم السلام بسته شده است (در روایت امام رضا علیه السلام به آن اشاره شد)

۷. حرم‌های شریف امامان در طول تاریخ مرکز علم و تبلیغ و ترویج دین و... بوده است. همه این‌ها از برکات زیارت آنان و آبادی قبور آنان می باشد.^۲

۴. آیا پیاده روی برای زیارت کعبه هم ثواب دارد یا همه ثواب برای کربلا است؟

پرسش چهارم:

۱. ثواب الاعمال، ص ۹۶

۲. ادب فنای مقربان: آیت الله جوادی املی، ج ۱، ص ۱۸ به بعد

سوالی اساسی از شیعیان آن است که پیاده روی برای زیارت خانه الله متعال چقدر اجر دارد؟ آیا شما برای پیاده روی خانه خدا ارزشی قائل هستید یا تمام توجه شما به کربلا است؟

پاسخ:

کعبه جایگاهی بس بلند و والا نزد شیعیان مکتب اهل بیت علیهم السلام دارد و کسی که اندک آشنایی با مجامع روایی شیعه داشته باشد به روشنی به این مساله واقف می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«دین پا بر جا است تا زمانی که کعبه پا بر جا باشد»^۱

و فرمود:

«هر کس به زیارت کعبه برود و آگاه به حق و حرمت آن باشد از مکه خارج نمی شود مگر آنکه خداوند تمام گناهانش را می آمرزد»^۲

اساسا در بینش شیعی تعطیلی کعبه از حج و خالی شدن سکنه، به هیچ عنوان جایز نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر مردم حج خانه خداوند را ترک کنند مشمول عذاب خداوند می شوند»^۳

همین مضمون در روایات متعدد دیگری نیز آمده است؛^۴

محدثان بزرگ شیعه مانند شیخ حر عاملی و میرزای نوری در کتب حدیثی خود بابی را گشوده اند به ذکر روایات اهل بیت علیهم السلام در فضیلت پیاده روی برای

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۴۳

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۱

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰، باب ۴

حج گذاردن:^۱

در روایتی آمده است که از امام صادق علیه السلام سوال شد که پیاده رفتن به حج برتر است یا سواره؟
حضرت فرمود:

«خداوند برتر به هیچ چیزی همانند پیاده رفتن برای زیارت خانه اش عبادت نشده است»^۲
و فرمود:

«حسن بن علی علیه السلام بیست حج را با پای پیاده بجا آورد»^۳
و در روایتی دیگر آمده است که یک حج پیاده برابری می کند با هفتاد حج:^۴
پیامبر گرامی فرمود:

«کسی که پیاده حج بجا آورد به ازای هر قدمی که بر می دارد خداوند هفتصد حسنه به او می دهد»^۵

تمام آنچه در برتری زیارت کربلا بر حج آمده است مربوط به حج مستحبی است نه واجب زیرا زیارت امام حسین علیه السلام مستحب موکد است اما حج خانه خداوند برای فرد مستطیع واجب است و هیچگاه مستحب از واجب بالاتر قرار نمی گیرد.

در روایات ما آمده است که اگر کسی حج واجبش را عمدًا بجا نیاورد

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۷۸، باب ۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۹، باب ۲۱

۲. التهذیب، ج ۵، ص ۱۳

۳. همان مدرک، ص ۱۱

۴. عوالی اللالی، ج ۴، ص ۲۹

۵. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۰

مسلمان از دنیا نمی‌رود!^۱

۵. زیارت قبر امام حسین علیه السلام در زمان رجعت!

پرسش پنجم:

بعد از رجعت امام حسین علیه السلام در زمان ظهور امام عج آیا باز هم ما باید به زیارت کربلا بریم با این که امام حسین علیه السلام به دنیا برگشته یا قبر ایشان و کربلا فاقد ارزش می‌شود؟

پاسخ:

ارزش و شرافت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام با رجعت ایشان از بین نمی‌رود، بلکه آن جایگاه با قرار گرفتن بدن مطهر آن حضرت دارای قداست و ارزش شد و نبود بدن مطهر نیز از ارزش آن نمی‌کاهد.

قرآن بعضی از سرزمین‌هایی را که بدن دعوتگر توحید را لمس کرده عبادتگاه به شمار می‌آورد مانند آن که «مقام ابراهیم» را نماز خانه قرار داده و می‌فرماید:

«از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»^۲

مقام ابراهیم به سبب وجود ابراهیم پیامبر امتیاز دیگری یافته و جای متبرکی شده است.

آیا خاک کربلا به سبب این که بدن مطهر امام حسین علیه السلام را در خود جای داده است شرافت نمی‌گیرد؟

همین طور قرآن نقل می‌کند که پیراهن یوسف نبی چون با بدن آن پیامبر برخورد داشته است شرافت گرفته و می‌تواند شفا بدهد.^۳

۱. التهذیب، ج ۵، ص ۱۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۶۸

۲. بقره، آیه ۲۵

۳. یوسف، آیه ۹۳-۹۶

آیا خاک کربلا به سبب تماس با بدن مطهر امام حسین علیه السلام بزرگی و عظمت نمی‌گیرد؟

وهمین طور قرآن نقل می‌کند که حضرت موسی در اواخر عمر شریفش الواح مقدسی را که در بردارنده شریعت او بود و همچنین زره و سلاح و آثار دیگرش را در صندوقی گذاشت و صندوق را به وصی خود یوشع بن نون سپرد و آن صندوق نزد بنی اسرائیل اهمیت ویژه‌ای یافت و تا زمانی که به آن تبرک می‌جستند پیروز بودند و با عزت زندگی می‌کردند و خداوند همان صندوق را به عنوان نشانه‌ای برای پادشاهی طالوت قرار داد و فرمود: «آن صندوق را فرشتگان حمل می‌کنند»^۱ وقتی که یک صندوق به سبب انتساب و ارتباط با موسی نبی دارای چنین ارزشی می‌شود بدون شک کربلا نیز به سبب انتساب و ارتباط با بدن مطهر امام حسین دارای شرافت و ارزش می‌شود و فرقی نمی‌کند که بدن امام در آن خاک تا روز قیامت باشد یا نباشد آن مکان در هر حال به حالت شرافت خود باقی است و شایسته تبرک و زیارت است.

۶. چرا مراسم اربعین تنها برای امام حسین علیه السلام است؟

پرسش ششم:

چرا ما تنها برای امام حسین علیه السلام مراسم اربعین را برگزار می‌کنیم و برای سایر اهل بیت چنین نمی‌کنیم؟ فلسفه زیارت امام حسین در روز اربعین چیست؟

پاسخ:

در این شکی نیست که مصیبت امام حسین علیه السلام در عالم نظیر و مانندی ندارد و بزرگترین مصیبت‌ها بوده است به گونه‌ای که همانند آن حتی برای سایر اهل بیت نیز اتفاق نیفتاده است.

امام حسن علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«هیچ روز و مصیبتی مانند مصیبت تو نمی باشد»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مصیبت حسین بزرگترین مصیبت هاست»^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

«مصیبت حسین پلک چشم ما اهل بیت را زخم کرده و اشک‌های ما را روان

ساخته است»^۳

لذا اهل بیت علیهم السلام برای مصیبت امام حسین علیه السلام اهمیت خاصی قائل بودند و

همگان را دستور به عزاداری کردن برای آن امام مظلوم می دادند؛^۴

همین بزرگی مصیبت سبب شده است که اهل بیت علیهم السلام دستور به برگزاری

مراسم اربعین برای حسین علیه السلام بدهند.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

«نشانه‌های مومن پنج چیز است؛ به جا آوردن پنجاه و یک رکعت نماز در هر

شب و روز و زیارت اربعین (امام حسین) و انگشتر بردست راست کردن و

پیشانی را به هنگام سجده بر خاک گذاردن؛ و بسم الله الرحمن الرحیم را در نماز

بلند گفتن»^۵

برای این روز زیارت مخصوصی از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است؛^۶

۱. امالی صدوق، ص ۱۱۶

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۵

۳. امالی صدوق، ص ۱۲۸

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۵ باب ۶۳

۵. مصباح المجتهد، ص ۷۸۷؛ اقبال، ص ۵۸۹

۶. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳

حال پرسش اینجاست که چرا زیارت امام حسین در این روز مستحب می‌باشد؟

علامه مجلسی می‌نویسد:

«چون جابر که از بزرگان صحابه بود اساس این کار را گذاشت می‌تواند دلیل فضیلت زیارت آن حضرت در این روز باشد ولی با این حال احتمال است که وجوه دیگری باشد که برای ما مخفی است»^۱

اما به نظر می‌رسد که نمی‌تواند این همه اهتمام نسبت به زیارت اربعین و آن را از علائم مومن شمردن و نقل زیارتنامه‌ای مخصوص از سوی امام صادق به صرف زیارت آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری در اربعین باشد. با توجه به این که درباره هیچ یک از معصومین زیارت اربعین وارد نشده است.

مطلب همان است که دانشمند شهیر ابوریحان بیرونی گفته است:

«در بیستم ماه صفر سر مطهر امام حسین به پیکرش بازگردانده شد و همراه آن به خاک سپرده شد و در همین روز زیارت اربعین وارد شده است»^۲

زیارت اربعین پس از الحاق سر آن حضرت به بدنش در روز بیستم صفر توسط امام سجاد سنت گردید.

لذا به نظر می‌رسد که اهمیت زیارت اربعین نه به سبب زیارت جابر در چنین روزی است بلکه به سبب الحاق سرهای شهدا در این روز توسط امام سجاد و زیارت آن قبور پاک توسط امام و کاروان حسینی در اربعین است و این عمل از شعائر مهم شیعه مطرح شده است.

از این رو علامه مجلسی می‌نویسد:

۱. زاد المعاد، ص ۴۰۲

۲. الآثار الباقیه، ص ۳۳۱

«مشهور آن است که سبب تاکید زیارت آن حضرت در این روز آن است که امام سجاد با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام به کربلا وارد شدند و سرهای شهدا را به بدن ملحق کردند»^۱

در نتیجه با توجه به این نکته که اربعین فی حد نفسه امتیازی ندارد آن گونه که شب‌های جمعه و نیمه شعبان و شب‌های قدر امتیاز دارند باید در اربعین امام حسین حادثه‌ای ویژه اتفاق افتاده باشد که آن را از سایر روزهای قبل و بعدش ممتاز ساخته باشد و این جز با الحاق سرهای شهدا به بدن هایشان و زیارت قبور توسط امام سجاد و کاروان همراه نمی‌تواند باشد.^۲

۷. زیارت امام حسین علیه السلام در هنگام خوف جانی مستحب است؟ پرسش هفتم:

چند سال پیش که یک حادثه تروریستی برای زائران اربعین رخ داد و جمعی از زوار امام حسین علیه السلام شهید شدند برخی از روشنفکران داخلی و کانال‌های معاند مطرح می‌کنند که با توجه به این ناامنی چه لزومی به زیارت قبر امام حسین است؟ آیا بهتر نیست که تا زمان امنیت کامل این زیارت ترک شود؟ آیا نباید جان را از خطر حفظ کرد چنان که امامان خود را از خطرات حفظ می‌کردند؟

پاسخ:

از روایات اهل بیت علیهم السلام بدست می‌آید که چون علت بقاء اسلام و تشیع، امام حسین علیه السلام و قیامشان بوده است و اگر نبود وجود مقدس ایشان اسلام از بین می‌رفت، و زیارت امام حسین علیه السلام نیز سبب زنده بودن اسلام و تشیع می‌باشد چرا که همگان را متوجه و متذکر به مظلومیتشان و اهداف قیامشان می‌کند لذا

۱. زاد المعاد، ص ۴۰۲

۲. عاشوراء... آیت الله مکارم شیرازی، ص ۶۳۵

زیارت ایشان حتی در حالت خوف و ناامنی نیز مستحب موکد است. محدث بزرگ شیخ حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه بابی را گشوده است به ذکر روایات تحت عنوان: «باب در استحباب زیارت امام حسین و سایر امامان در حالت خوف و امنیت»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زیارت حسین را به خاطر خوف و ترس ترک مکن زیرا اگر چنین کنی حسرت پایان ناپذیری تو را فرا می‌گیرد»^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

«کسی که حسین را در زمان خوف و ترس و ناامنی زیارت کند خداوند او را در قیامت از ترس و هراس مصون می‌دارد و فرشتگان به او بشارت می‌دهند که نترس و غمگین نباش که امروز روز رستگاری تو است»^۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که در مسیر زیارت حسین شهید شود اولین قطره خونی که از او می‌ریزد سبب آمرزش تمام خطاهایش می‌شود و خداوند به او حق شفاعت کردن می‌دهد تا برای نزدیکانش و هزار نفر از برادرانش شفاعت کند و جبرئیل و سایر فرشتگان در نماز میت او حاضر می‌شوند و کفن و حنوط او را از بهشت می‌آورند و در قبرش برایش چراغ‌هایی گذاشته میشود که سبب روشنایی قبرش میشود و دری از بهشت به سویش باز می‌شود و هنگام نفخ صور و برانگیخته شدن اولین نفری است که با پیامبر و امیر المومنین و امامان مصافحه می‌کند و آنان به او بشارت داده و می‌گویند پیوسته با ما باش و از حوض کوثر سیرابش می‌کند و او

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۶ باب ۴۷

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۶

۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۱؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۵

نیز هر کس را که بخواهد از حوض کوثر بهره مند می‌سازد^۱ از سوی دیگر در این نکته نیز شکی نیست که وجوب حفظ جان از خطرات مساله‌ای است که قرآن و روایات بر آن تاکید می‌کند. خداوند می‌فرماید:

«خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید»^۲

روایات متعددی نیز بر وجوب حفظ جان از خطرات دلالت می‌کند.^۳ البته باید توجه کرد که القاء نفس در هلاکت مربوط به جایی است که هدفی بالاتر از جان در خطر نباشد و الا باید جان را فدای حفظ آن هدف مقدس کرد «اما با توجه به این که زیارت امام حسین طبق فتوای اکثر فقها مستحب است و حفظ جان واجب لذانمی‌توانیم به صورت کلی بگوییم باید جان خود را برای زیارت امام حسین فدا کنیم»^۴

علامه مجلسی برای بیان حل این تعارض بیان زیبایی دارد و می‌گوید: «اخباری که می‌گوید حسین علیه السلام را زیارت کنید اگر چه خوف و ترس و ناامنی باشد حمل می‌شود بر جایی که خوف و ناامنی ضعیف باشد به گونه‌ای که احتمال سلامت رفتن و برگشتن قوی باشد و الا اگر احتمال مرگ و هلاکت قوی باشد با توجه به ادله حفظ جان از خطرات، حفظ جان اولویت دارد»^۵ در شرایط کنونی هم که ما به زیارت قبر امام حسین می‌رویم با توجه به امنیتی که در مسیر زوار برقرار است احتمال این که جان افراد حفظ شود و به سلامت

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۳

۲. بقره، آیه ۱۹۵

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰۳ باب ۲۴

۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۶

۵. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۰

زیارت کنند و بازگردند بیشتر از احتمال از دست دادن جان است.
احتمال کمی هم که در مورد خطرات جانی در مسیر زیارت است به مقتضای روایات فوق الذکر نباید مورد توجه قرار بگیرد
اما اگر احتمال از دست دادن جان قوی باشد از اساس مسئولین کشوری اجازه خروج زوار را از کشور نمی دهند
بنابراین بین زیارت امام حسین و بین وجوب حفظ نفس از خطرات تعارضی نمی باشد.

۸. آیا جسد مطهر امامان علیهم السلام به آسمان برده می شود!!!

پرسش هشتم:

آیا قبر خالی است؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا مِنْ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيِّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى تُرْفَعَ رُوحُهُ وَعَظْمُهُ وَلَحْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ...

زیاد بن ابوالحلال از امام صادق نقل می کند که فرمود: هیچیک از انبیا و امامها، بیش از سه روز در زمین [قبر خود] باقی نمی مانند؛ بلکه روح و گوشت و استخوان آنها تماماً به آسمان برده می شود.^۱

به راستی اگر داخل قبرها خالی باشد، دیگر چه فرقی دارد که به کربلا و مشهد برویم یا پشت بام منزل خودمان؟

پاسخ:

شیخ حر عاملی در مورد روایاتی که می گوید بدن مطهر امامان علیهم السلام پس از مرگ ظاهری به آسمان برده می شود، پاسخی دارد که ما در ذیل این پاسخ را مورد بیان و شرح قرار می دهیم:

«الذي يظهر من الأحاديث الكثيرة جدا أن أبدانهم ترد إلى الأرض كما في حديث وفاة الرضا عليه السلام و حديث استسقاء اليهود بعظم نبي و هما في عيون الأخبار، و حديث الاشراف على قبر رسول الله صلى الله عليه وآله في أصول الكافي، و حديث نقل عظام يوسف من مصر إلى الشام، و حديث نبش المتوكل قبر الحسين عليه السلام في أمالي الشيخ الطوسي، و أحاديث الرجعة تتضمن أنهم يخرجون من قبورهم ينفضون التراب عن رؤسهم، و كذا أحاديث القيامة، و ما يأتي من زيارة آدم و نوح و غير ذلك من الأحاديث و الزيارات، و لعل عدم الاخبار هنا بالعود لحكمة أخرى كدفع احتمال نبش أعدائهم لقبورهم»^۱

از احاديث زيادی استفاده می شود که بدن مطهر حجت های الهی در محل مدفشان قرار دارد:

۱. در حدیث مربوط به شهادت امام رضا علیه السلام آمده است که بدن مطهر حضرت پس از آنکه توسط امام جواد علیه السلام غسل داده شد، با تابوت به آسمان رفت و مجدداً برای دفن به زمین بازگشت:

«... حَتَّى عَلَا التَّابُوتُ وَ انشَقَّ السَّقْفُ فَخَرَجَ مِنْهُ التَّابُوتُ... مَا أَتَمَّ الْحَدِيثَ حَتَّى انشَقَّ السَّقْفُ وَ نَزَلَ التَّابُوتُ فَقَامَ عليه السلام فَانْخَرَجَ الرِّضَا عليه السلام مِنَ التَّابُوتِ وَ وَصَّعَهُ عَلَى فِرَاشِهِ»^۲

۲. روایتی از امام عسکری علیه السلام مربوط به بودن استخوانهای جسد مطهر یکی از پیامبر در دست اهل کتابی نکاتی آمده است که خداوند به حرمت آن استخوانها بارانش را بر مردم فرو فرستاد: «هَذَا رَجُلٌ مَرَّ بِقَبْرِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ فَوَقَعَ فِي يَدِهِ هَذَا الْعَظْمُ وَ مَا كَشَفَ عَنْ عَظْمِ نَبِيِّ إِلَّا هَطَلَتِ السَّمَاءُ بِالْمَطَرِ»^۳

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۳

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۴؛ امالی صدوق، ص ۶۶۳

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۲۹

۳. در روایتی از رفتن بر فراز قبر پیامبر گرامی اسلام نهی شده است زیرا این عمل بی احترامی به پیامبر اسلامی است که جسد مطهرش در درون قبر قرار دارد: «مَا أَحِبُّ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ أَنْ يَغْلُو فَوْقَهُ وَلَا آمَنُهُ أَنْ يَرَى شَيْئاً يَذْهَبُ مِنْهُ بَصَرُهُ أَوْ يَرَاهُ قَائِماً يُصَلِّي...»^۱

۴. شاهد دیگر روایاتی است که می گوید حضرت موسی جسد و استخوانهای یوسف علیه السلام را از قبرش در مصر به شام منتقل کرد یا حضرت نوح جسد و استخوانهای آدم علیه السلام را به نجف منتقل کرد: «فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى أَنْ أَخْرِجْ عِظَامَ يُوسُفَ علیه السلام مِنْ مِصْرَ - فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِيهِ عِظَامُ آدَمَ فَحَمَلَهُ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ»^۲

۵. شاهد دیگر حدیثی است که می گوید در زمان متوکل، قبر مطهر امام حسین علیه السلام را نبش کردند و جسد مطهر حضرت را سالم در قبر یافتند: «إِنِّي نَبَشْتُ فَوَجَدْتُ بَارِيَّةً جَدِيدَةً وَعَلَيْهَا بَدَنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَوَجَدْتُ مِنْهُ رَاحَةً الْمِسْكِ، فَتَرَكْتُ الْبَارِيَّةَ عَلَى حَالَتِهَا وَبَدَنَ الْحُسَيْنِ عَلَى الْبَارِيَّةِ»^۳

۶. شاهد دیگر احادیث مربوط به قیامت و رجعت است که نشان می دهد جسد مطهر ائمه علیهم السلام در قبورشان است، به عنوان مثال در مورد رجعت روایتی است که می گوید امام حسین علیه السلام از قبرش خارج می شود و خاک ها را از سر مبارکش کنار می زند: «وَأَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ عَلِيٍّ»^۴

۷. شاهد دیگر احادیثی است که می گوید استخوانهای جسد مطهر نوح و آدم در کنار جسم مبارک علی علیه السلام در نجف دفن هستند و شایسته است که

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۲

۲. الخصال، ج ۱، ص ۲۰۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۸

۳. امالی طوسی، ص ۳۲۶

۴. مختصر البصائر، ص ۴۹۲؛ تاویل الآیات، ص ۷۳۷

انسان هر سه را با هم زیارت کند:

«فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرٌ عِظَامِ آدَمَ وَ بَدَنِ نُوحٍ وَ جِسْمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»^۱

بنابراین از این احادیث متعدد به وضوح استفاده می‌شود که جسد مطهر امامان علیهم السلام در قبورشان قرار داد واحدی که می‌گوید جسد مطهر به آسمان برده می‌شود از روی تقیه صادر شده است تا جلوی اقدام خوارج و دشمنان اهلیت علیهم السلام گرفته شود که مبادا برونند و نبش قبور ائمه علیهم السلام را کنند و جنازه امامان علیهم السلام را خارج کرده و مورد بی‌احترامی قرار دهند

نکته پایانی

فرضا بپذیریم که جسد مطهر امامان علیهم السلام به آسمان برده می‌شود، اما طبق روایات باز هم ما مامور به زیارت قبورشان هستیم زیرا امامان علیهم السلام به مکان دفنشان احاطه دارند و صدای ما را در کنار محل دفنشان مستقیماً می‌شنوند و ما را می‌بینند و می‌شناسند، در ذیل در این رابطه و فلسفه زیارت قبور امامان علیهم السلام توضیح داده‌ایم:^۲

۹. چرا امام حسین علیه السلام جان زائران خود را حفظ نمی‌کند؟

پرسش نهم:

بار دیگر انفجار تروریستی و بار دیگر سوختن زائران حسینی! چرا امام حسین از زائران خود محافظت نمی‌کند؟

پاسخ:

در این که نکته تردیدی نیست که امامان گرامی علیهم السلام قدرت انجام کارهای

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۳؛ کامل الزیارات، ص ۳۸

2. https://t.me/Rahnamye_Behesht/9482

2. https://t.me/Rahnamye_Behesht/4921

خارق العاده دارند

و در این باره ادله متعدد عقلی و نقلی حاکم است که آنچه به طور اجمال در این رابطه می‌توان عرضه داشت این است که:
علامه گرانقدر مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار بابی را گشوده است به ذکر روایات تحت عنوان:

«امامان قادر هستند بر زنده کردن مردگان و شفای کوران و برطرف کردن بیماری پسی و انجام دادن تمام معجزات انبیا و کارهای خارق العاده در عالم»^۱
امام باقر علیه السلام فرمود:

«اسم اعظم خدا دارای هفتاد و سه حرف است. نزد آصف بن برخیا وصی سلیمان تنها یک حرف بود که توانست تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن از فاصله دور حاضر کند و نزد ما اهل بیت هفتاد و دو حرف از آن حروف است (وقدرت ما بی شک قابل مقایسه با آصف نیست) و یک حرف را خداوند به ما تعلیم نداده است و اختصاص به خودش دارد»^۲
و نیز باید توجه داشت که ائمه گرامی علیهم السلام حتی پس از مرگ ظاهری نیز منقطع از دنیا نیستند و دارای حیات برزخی می‌باشند.

در روایات ما آمده است که امامان پس از مرگ از احوالات و اعمال مردمان کاملاً آگاه هستند و هر صبح و شام اعمال بندگان بر آنان عرضه می‌شود.^۳
امام صادق علیه السلام فرمود:

«انبیا و اوصیا چنین هستند که سلام شما به آنان از راه دور به آنها می‌رسد و

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۹، باب ۱۳

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵

۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۳، باب ۲۰

اگر از نزدیک قبورشان به آنها سلام کنید خودشان می شنوند»^۱

و فرمود:

«وقتی به زیارت قبر حسین می روید خطاب به او بگویید که شهادت می دهم تو از حضور من در این مکان آگاهی داری و کلام و سخن مرا می شنوی و تو زنده هستی در نزد پروردگارت روزی می خوری»^۲

در روایت دیگر فرمود:

«حسین به زائران خود نگاه می کند و او کاملاً به احوال و اسماء آنان و اسماء پدرانشان آگاهی دارد حتی بیشتر از آگاهی پدر نسبت به احوال فرزند»^۳

این که گفته شد بدن شریف امامان پوسیده شده است مطلبی خلاف واقع است. شان امامان و امام حسین علیه السلام بالاتر از آن است که بدن شریفشان خوراک زمین شود.

در نقلی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

«خداوند بر زمین حرام گردانیده تا استخوان های ما را خاک کند و بر کرم حرام گردانیده که از گوشت بدنمان چیزی بخورد»^۴

پیامبر گرامی فرمود:

«خداوند بر زمین (و حیوانات زمین) حرام گردانیده که چیزی از بدنهای ما را بخورند»^۵

علامه مجلسی در بحار الانوار بابی گشوده است که بدن حجت های

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۹۹

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۴۵

۳. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰

۴. الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۱

۵. همان منبع - بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۴۳

الهی علیه السلام، خوراک زمین و حیوانات زمین نمی‌گردد؛^۱
اما چرا امام حسین با توجه به این که دارای حیات است و قدرت خارق
العاده دارد از جان زائران خود در برابر حملات انتحاری مواظبت نمی‌کند و
عوامل این جنایات را نابود نمی‌کند؟

پاسخ آن است که امامان مطیع محض خداوند هستند.
امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خداوند قلوب امامان را محل اراده خودش قرار داده است لذا بدون اذن
خداوند کاری نمی‌کنند»^۲
حال با توجه به این نکته می‌گوییم:

خداوند اساس زندگی بشر بر آزادی اراده قرار داده است تا همگان آزمایش
شوند نه با اجبار و اکراه از انجام ظلم و جنایت منصرف شوند و گرنه تکاملی
صورت نخواهد گرفت.

اگر ظالمین ببینند که هر ظلمی می‌کنند سریع عذاب میشوند یا تا اقدام بر
ظلم و جنایت می‌کنند بلایی بر آنان نازل می‌شود دیگر کسی جرات ظلم کردن را
به خود نمی‌دهد و همگان بالاجبار مسیر صلاح را در پیش می‌گیرند که روشن
است که این هدایت اجباری فایده‌ای ندارد زیرا تکامل اختیاری است که
ارزشمند است.

لذا خداوند محل مواخذه ظالمین را قیامت قرار داده است و آنان را در دنیا
آزاد گذاشته است. امامان نیز در برابر اراده الهی از خود اختیاری ندارند.

۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۹۹، باب ۶ ان لحومهم حرام علی الارض

۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۱۴

۱۰. آیا اهل بیت امام حسین علیه السلام روز اربعین به کربلا رفتند؟

پرسش دهم:

لطفا بفرمایید آیا اهل بیت امام حسین علیه السلام در روز اربعین به زیارت امام حسین رفتند و به کربلا بازگشتند و آنان اولین زائران حسینی بودند؟

پاسخ:

مشهور علمای شیعه بر این عقیده هستند که اهل بیت امام حسین علیه السلام در روز اربعین به زیارت امام حسین علیه السلام رفتند و آنان اولین زائران حسینی هستند. علامه مجلسی می گوید:

«مشهور بین علمای شیعه آن است که اهل بیت حسین در روز اربعین از شام به کربلا بازگشته و حضرت را زیارت کردند»^۱

این مساله از دو جهت مورد انکار قرار گرفته است؛

۱. در مورد این مساله نقل معتبر تاریخی وارد نشده است؛

۲. با توجه به دوری مسافت شام تا کربلا چگونه ممکن است اهل بیت تا روز

اربعین خودشان را از شام به کربلا برسانند؟

ما نشان می دهیم که نظریه مشهور علمای شیعه مستند است و اشکالات

وارد صحیح نمیباشد؛ مدارک مساله از کتب معتبر؛

۱. سید بن طاووس نقل می کند؛

«وقتی که خاندان امام حسین را از شام به سوی مدینه حرکت دادند و به

عراق رسیدند به راهنمای کاروان گفتند که ما را به کربلا ببر. هنگامی که این

جمعیت به کربلا رسیدند در آنجا با جابر و گروهی از بنی هاشم که برای زیارت

امام آمده بودند ملاقات کردند و چند روز در آنجا مجلس عزاداری بر پا کردند»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴

۲. لهوف، ص ۲۲۵

جابر نیز در روز اربعین به زیارت امام حسین آمده بود:^۱
بنابراین ملاقات آنها با یکدیگر در روز اربعین اتفاق افتاده است در نتیجه
اهل بیت نیز در روز اربعین به کربلا آمدند.

۲. مرحوم ابن نما نیز در مثیر الاحزان ماجرای ورود اهل بیت به کربلا و
ملاقات با جابر را با صراحت نقل می‌کند:^۲

۳. ابوریحان بیرونی در الآثار الباقیه می‌نویسد:

«در روز بیستم صفر سر امام حسین را به بدن ملحق کردند تا با پیکرش به
خاک سپرده شود و زیارت اربعین نیز در این روز است. اهل حرم حسین هم
دربازگشت از شام با آن سر بودند»^۳

۴. عماد الدین طبری آملی نیز در کتاب بشاره المصطفی به این مساله
تصریح می‌کند.

جابر و عطیه جمعیتی را دیدند که از مسیر شام به کربلا نزدیک می‌شود.
عطیه به جابر گفت ای جابر برخیز و از حرم رسول خدا استقبال کن چرا که
حضرت زین العابدین به همراه عمه‌ها و خواهرانش می‌آیند. امام سجاد نزدیک
شد و به جابر گفت:

«اینجا مردان ما را کشتند و اطفال ما را سر بردند و زنان ما را اسیر کردند و
خیمه‌های ما سوزانده شد»^۴

مطابق این نقل‌ها ورود اهل بیت در اربعین به کربلا بعید به نظر نمی‌رسد.

۱. مصباح المتعجد، ص ۵۴۸؛ مسار الشیعه، ص ۴۶ و ...

۲. مثیر الاحزان، ص ۱۰۷

۳. الآثار الباقیه، ص ۴۲۲

۴. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۷ و ج ۴ ص ۴۸ (به نقل از کتاب عاشوراء ... آیت الله مکارم شیرازی،

۵. در نقل‌های متعددی آمده است که امام سجاد سرهای شهدای کربلا را در روز اربعین به بدن‌های شریف ملحق کرد.

شیخ صدوق نقل می‌کند:

«علی بن الحسین به همراه زنان حرم از شام خارج شد و سر حسین را در کربلا به همراه آنان به بدن ملحق کرد»^۱

شبلنجی عالم بزرگ اهل سنت می‌نویسد:

«شیعیان معتقدند که بعد از چهل روز از شهادت حسین سر مطهر آن حضرت به بدنش در کربلا ملحق شد»^۲

بنابراین با توجه به این نکته که سرهای شهدا توسط امام سجاد علیه السلام به بدن‌ها بازگردانده شده است و از سوی دیگر نقل نشده است که آن حضرت پس از ورود به مدینه سرها را به کربلا آورده باشد و یا کاروان را به مدینه فرستاده باشد و خود تنهایی به کربلا آمده باشد، میتوان استفاده کرد حضرت به همراه اهل بیت به کربلا آمده باشد، چنان که شیخ صدوق به این نکته تصریح کرده بود و ابوریحان بیرونی و دیگران تصریح کرده‌اند که این الحاق سرها در روز اربعین بوده است.

در روایات متعددی آمده است که آسمان و زمین چهل روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام بر حضرت گریستند:^۳

ممکن است این غم و اندوه از روز شهادت امام حسین تا روزی که سرها به بدن ملحق شده ادامه داشته و پس از آن کائنات آرام و قرار گرفتند و به همین سبب زیارت اربعین امام حسین مورد سفارش قرار گرفته است زیرا در این روز سرها به بدن‌ها ملحق شده است و قبور شهدای کربلا توسط اهل بیت زیارت

۱. امالی صدوق، ص ۲۳۱؛ روضه الواعظین، ص ۲۱۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۰

۲. نور الابصار، ج ۲، ص ۴۴

۳. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶ به بعد

شده است.

اما مساله بعد مسافت و توقف طولانی مدت در شام که اشکال عمده‌ای برای تحقق چنین حادثه‌ای شمرده شده است را می‌توان این‌گونه پاسخ داد: در کتاب‌های متعددی آمده است که روز ورود کاروان اسیران به شام روز اول صفر بوده است و بنی امیه نیز این روز را برای خود عید قرار دادند:^۱

و پس از ورود اهل بیت به شام آنان شروع به عزاداری کردند. اطرافیان یزید به او گفتند که مصلحت نیست که آنان را در شام نگه دارید زیرا اوضاع شام در حال تغییر است و با افشاگری آنان بودن آنان در شام به مصلحت نیست.

طبری می‌نویسد:

«آنان به مدت سه روز در شام مراسم ماتم بر پا کردند»^۲

شیخ مفید می‌نویسد:

«آنان چند روزی در شام اقامت گزیدند»^۳

در نتیجه اگر از روز ورود آنها به شام که اول صفر بوده و حضور در مجلس یزید و آنگاه ماندن حد اکثر هفت روز در شام را بپذیریم باید اهل بیت را دوازده روز مانده به بیستم صفر از شام حرکت داده باشند و این مدت زمانی برای رسیدن کاروان از شام به کربلا کافی است زیرا:

در تاریخ آمده است آنگاه که مروان بن حکم سردار سپاهش عامر بن ربیع را با یکصد هزار لشکر از شام برای جنگ با مختار اعزام کرد آنها در مدت ده روز به کوفه رسیدند:^۴

۱. مقتل الحسین مقرر، ص ۳۴۸

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۳

۳. ارشاد مفید، ص ۴۸۰

۴. تحقیق درباره اربعین، ص ۲۱

بدیهی است که اگر بتوان لشکری صد هزار نفری را طی مدت ده روز به کوفه رساند رسیدن کاروانی کوچکتر در مدت ۱۲ روز به کربلا مشکلی ندارد. از سوی دیگر در تاریخ آمده است که امام حسین مسیر میان مدینه و مکه را که حدود ۴۷۰ کیلومتر است را به مدت پنج روز پیمود:^۱ بنابراین مسیر شام تا کربلا را که قریب ۶۰۰ کیلومتر است را می‌توان به راحتی در مدت ده روز پیمود. با توجه به این نکات بازگشت کاروان حسینی به کربلا در روز اربعین هیچ گونه استبعادی ندارد.

۱۱. زیارت اربعین برای غائبین چگونه است؟

پرسش یازدهم

آیا برای کسانی که نتوانستند در روز اربعین به زیارت امام حسین بروند راهی است که به پاداش زوار ایشان برسند و تسکینی برای قلبشان باشد؟

پاسخ:

سدیر می‌گوید؛

امام صادق به من فرمود ای سدیر آیا قبر حسین بن علی را بسیار زیارت می‌کنی؟ گفتم (نه) چون گرفتارم.

امام علیه السلام فرمود؛

«آیا به تو چیزی نیاموزم که چون آن را انجام دهی خداوند به خاطر آن برایت زیارت می‌نویسد»؟

فرمود؛ «در خانه ات غسل کن و به بام خانه ات برو و با اشاره به او سلام کن

۱. ارشاد مفید، ص ۳۷۵؛ مقتل الحسین مقرر، ص ۱۴۰

که برایت زیارت نوشته می شود»^۱

و فرمود؛

«به بالای بام خانه ات برو، سپس به راست و چپ توجه کن و آن گاه سرت را به سوی آسمان بالا ببر و به سوی قبر حسین رو کن و بگو سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، برایت یک زیارت نوشته می شود و زیارت معادل یک حج و عمره است»^۲

و یا فرمود؛

«هنگامی که هر یک از شما دور می افتد و خانه اش (تا مرقد ما) فاصله بسیار دارد، به بالای خانه اش برود و دو رکعت نماز بگذارد و با اشاره به قبرهایمان سلام بدهد که آن به ما می رسد»^۳

۱۲. آیا اصطلاح جاماندگان اربعین صحیح است؟

پرسش دوازدهم:

آیا اصطلاح جاماندگان از زیارت اربعین و امام حسین، اصطلاح صحیحی است؟ آیا این افراد باید از حزن و اندوه بمیزند چون نتوانستند به زیارت قبر امام حسین بروند؟

پاسخ:

زیارت قبر امام حسین فضیلتی بس بزرگ است که امید است توفیق تمام محبین آن امام همام شود. رفاعه می گوید؛

«بر امام صادق علیه السلام در آمدم. به من فرمود: «ای رفاعه! آیا امسال، حج

۱. کامل الزیارات، ص ۴۸۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶۷

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۹؛ الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۹

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۷

نگزاده‌ای؟». گفتم: فدایت شوم! چیزی نداشتم که با آن، حج بگذارم؛ اما روز عرفه را در کنار قبر حسین بن علی علیه السلام بودم.

امام علیه السلام به من فرمود: «ای رفاعة! کمتر از آنچه حاجیان در منا یافتند، نداشته‌ای. اگر نبود که ناپسند می‌دارم مردم، حج را واگذارند، حدیثی را برایت بازگو می‌کردم که هیچ‌گاه، زیارت قبر حسین علیه السلام را وا نگذاری»

سپس به زمین، خیره شد و مدتی طولانی سکوت کرد و آن‌گاه فرمود: «پدرم به من خبر داد و فرمود: «هر کس با شناخت حق حسین علیه السلام و بدون تکبر، به سوی قبر حسین علیه السلام بیرون شود، یک هزار فرشته از سمت راست، و یک هزار فرشته از سمت چپ، او را همراهی می‌کنند و یک هزار حج و یک هزار عمره همراه با پیامبر یا وصی پیامبر، برایش نوشته می‌شود.»^۱

با این وجود گفتنی است، کسانی جاماندگان از زیارت قبر امام حسین علیه السلام و رسیدن به ثواب و فضیلت آن محسوب می‌شوند که اصلاً توجه به زیارت امام حسین نداشته و حتی مخالف زیارت هم بوده‌اند و برایشان فرقی نداشته که به زیارت بروند یا نروند.

اینان خسران دیدگان و حسرت زدگان روز قیامتند. اما کسانی که قلب و دلشان با زائران امام حسین است و خودشان قصد و اراده رفتن به سوی قبر امام حسین علیه السلام را داشتند، اما شرایط به آنان اجازه نداد، اینان جامانده نیستند، بلکه به واسطه نیتشان و قصدشان، ثواب و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام را می‌برند و درک می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود؛

«بنده مؤمن فقیر می‌گوید، ای پروردگار من! به من [مال و ثروت] روزی کن تا فلان احسان و بهمان کار خیر را انجام دهم. پس، اگر خداوند عزوجل بدانند که

۱. مصباح‌المتهجّد، ص ۷۱۶، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۱، ح ۳۲

این سخن را از صدق نیت می‌گوید، همان اجری را برای او می‌نویسد که اگر آن کارهای خیر را انجام می‌داد برایش می‌نوشت. خداوند گشاینده بخشنده است.»^۱ پیامبر گرامی در مورد برخی افراد که توفیق نیافتند در جنگ‌ها در رکاب ایشان باشند می‌فرمود؛

«افرادی را در مدینه باقی گذاشتیم که هیچ وادی ای را نپیمودیم و بر هیچ تپه‌ای بالا نرفتیم و در هیچ سرایشی قدم نگذاشتیم، مگر اینکه آنان نیز با ما بودند. عرض کردند: چگونه با ما هستند، در حالی که حضور پیدا نکردند؟ فرمود: نیت هایشان [با ماست]»^۲.

و فرمود؛

«هر کس به بستر خود رود و نیتش این باشد که نماز شب بخواند، اما خوابش ببرد تا صبح شود، آنچه در نیتش بوده برای او نوشته شود و خوابش صدقه‌ای از جانب پروردگارش برای او باشد.»^۳

امام علی علیه السلام به مردی که دوست داشت برادرش نیز می‌بود تا پیروزی خدا بر دشمنانش را در جنگ جمل ببیند فرمود؛

«آیا دل برادرت با ماست؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود، پس، او با ما بوده است. هر آینه در این سپاه ما افرادی حضور داشته‌اند که هنوز در پشت پدران و زهدان مادرانند. به زودی روزگار آنان را به جهان هستی آورد و با وجود آنها [جبهه] ایمان نیرو گیرد»^۴

در داستان «جابر بن عبد الله انصاری» که روز اربعین شهادت امام

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۵

۲. میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۵۱۹

۳. الترغیب و الترهیب، ج ۱، ص ۶۰

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲

حسین علیه السلام به زیارت قبر مبارکش آمد و غوغایی در آن جا بر پا کرد می خوانیم که او ضمن زیارتنامه پر سوز و پر محتوایش در برابر قبر امام حسین و یارانش، خطاب به قبر یاران کرده و می گوید؛ «من گواهی می دهم شما نماز را بر پا داشتید و زکات را ادا کردید و امر به معروف و نهی از منکر نمودید با اهل الحاد پیکار کردید و خدا را تا آخرین نفس پرستش کردید، سپس افزود: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيهَا دَخَلْتُمْ فِيهَا، سَوَّغْنَاكُمْ بِهَا خِدَائِيَّيْكُمْ لَكُمْ مُحَمَّدًا بِحَقِّ مَبْعُوثٍ سَخَّطْتُمْ مَا بَا شَمَّا فِي أَنْجَحَةٍ مِنْ نِعْمَتِهَا وَبَادَاشَ الْهَيْيَ وَارِدَ شَدِيدِ شَرِيكِ وَ سَهِيمِ هَسْتِيمِ»

این سخن چنان بود که حتی دوست با معرفت «جابر»، «عَطِيَّة» را در شگفتی فرو برد تا آن جا که زبان به اعتراض گشود و گفت: ای جابر ما چه کرده ایم که با آنها شریک باشیم، نه از درّه‌ای پایین رفتیم و نه از کوهی بر آمدیم و نه شمشیر زدیم در حالی که یاران حسین میان سرها و بدنهایشان جدایی افتاد و فرزندانشان یتیم و همسرانشان بیوه شدند

جابر، اصلی را که در بالا به آن اشاره شد به استناد حدیثی از پیامبر اکرم به «عَطِيَّة» یادآور شد و گفت؛ من از حبیب خدا رسول خدا شنیدم که می فرمود: «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حَشَرَ مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلِ قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ، كَسَى كَسَى قَوْمِي رَا دَوْسْت دَارْدَ بَا أَنَّهُا مَحْشُورٌ مِي شُود وَ كَسَى كَسَى عَمَلِ قَوْمِي رَا دَوْسْت دَارْدَ دَرِ عَمَلِ شَرِيكِ اسْت». سپس افزود: «سَوَّغْنَاكُمْ بِهَا خِدَائِيَّيْكُمْ لَكُمْ مُحَمَّدًا بِحَقِّ مَبْعُوثٍ سَخَّطْتُمْ مَا بَا شَمَّا فِي أَنْجَحَةٍ مِنْ نِعْمَتِهَا وَبَادَاشَ الْهَيْيَ وَارِدَ شَدِيدِ شَرِيكِ وَ سَهِيمِ هَسْتِيمِ»^۱ در آیات قرآن کرارا «یهود» معاصر پیامبر اسلام را که در مدینه می زیستند مخاطب قرار داده و آنها را به خاطر اعمالی که معاصران موسی نسبت به او انجام دادند سرزنش و مؤاخذه می کند، در حالی که قرنهای بلکه هزاران سال میان آنها

فاصله بود ولی چون آنها نسبت به اعمال نیاکانشان علاقه مند و پایبند بودند تمام فاصله در نوردیده شده و همه در یک صف در برابر موسی قرار گرفتند. از جمله در یکی از آیاتی که در آن خطاب به بهانه جوین یهود دارد می‌گوید؛ «بگو پیامبرانی پیش از من با دلایل روشن و آنچه را گفتید (معجزاتی را که امروز از من می‌خواهید) به سراغ شما آمدند، پس چرا آنها را کشتید اگر راست می‌گویید»^۱

جالب این که در ذیل این آیه حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که می‌فرماید: «خداوند می‌دانست آنها (یهود معاصر پیامبر) قاتل پیامبران پیشین بودند و لکن چون همدل و هم عقیده با قاتلان بودند، آنها را قاتل نامید، چون راضی به فعل آنها بودند»^۲

در زیارت جامعه آمده است؛ «خدا را گواه می‌گیریم که در ریختن خون ناکثین و قاسطین و مارقین و قاتلان ابا عبدالله، آن سرور جوانان اهل بهشت، در کربلا، ما نیز با نیت‌ها و دل‌هایمان و تأسّف خوردن برای از دست دادن آن صحنه‌هایی که یارانمان برای یاری شما حضور داشتند، در کنار دوستان و یاران وقت شما شرکت داشتیم»^۳

محدّث بزرگ «شیخ حرّ عاملی» در جلد اول و جلد شانزده «وسائل الشّیعه» روایات متعدّدی در این زمینه نقل کرده است.^۴

۱. آل عمران، آیه ۱۸۳

۲. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۹۴

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۷

۴. وسائل الشّیعه، ج ۱، ص ۴۹ باب ۶، ج ۱۶، ص ۱۳۷ باب ۵

۱۳. آیا سر امام حسین علیه السلام در کربلا دفن شده است؟

پرسش سیزدهم

مورخین می‌گویند در باره محل خاسپاری سر حسین بن علی علیه السلام و بدنش بین نویسندگان و تاریخ‌نویسان مشهور و معتبر عرب عقاید گوناگون وجود دارد، ۶ عقیده رایج در این مورد است؟

پاسخ:

بدن شریف امام حسین علیه السلام، توسط امام سجاد و کمک قبیله بنی‌اسد، در جایگاه کنونی مدفن امام علیه السلام در کربلا، دفن شد که تفصیل قضیه را در ذیل بخوانید؛^۱

در باره محل دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام هم اقوال متعددی مطرح شده است که قول صحیح آن است که سر مبارک در کربلا، به بدن شریف ملحق شد و توسط امام سجاد علیه السلام دفن شد.

شیخ صدوق به نقل از فاطمه دختر امام علی علیه السلام می‌آورد؛

«علی بن الحسین علیه السلام همراه زنان، [از شام] بیرون آمد و سر حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند»^۲

سید بن طاووس می‌نویسد؛

«در باره سر حسین علیه السلام، روایت شده که بازگردانده شد و در کربلا به همراه پیکر شریفش که درودهای خدا بر او باد دفن گردید

و عمل فرقه شیعه [در زیارت کربلا] هم مطابق همین دیدگاه مورد اشاره است.»^۳

1. https://t.me/Rahnamye_Behesht/7353

۲. امالی صدوق، ص ۲۳۱؛ روضه الواعظین، ص ۲۱۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۰

۳. الملهوف، ص ۲۲۵؛ مشیر الاحزان، ص ۱۰۷

علامه مجلسی هم می‌نویسد؛

«مشهور در میان علمای شیعه، این است که سر امام حسین علیه السلام با بدنش دفن شده و امام زین العابدین علیه السلام آن را به کنار جسد، برگردانده است.»^۱

سید مرتضی هم می‌گوید؛

«روایت شده که سر مبارک امام علیه السلام، پس از برده شدن به شام، برگردانده شد و با جسد شریفش در کربلا، دفن گردید.»^۲

فتال نیشابوری نیز می‌نویسد؛

«امام علی بن الحسین علیه السلام همراه با زنان، سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند»^۳

ابن شهر آشوب نیز در مناقب، اعاده سر مطهر امام حسین علیه السلام را به بدنش ذکر کرده است.^۴

عالم بزرگ اهل سنت سبط بن جوزی نیز می‌نویسد؛

«قول مشهورتر آن است که سر مبارک آن حضرت به کربلا آورده شد و در کنار پیکر مطهرش دفن گردید»^۵

شبلنجی عالم بزرگ اهل سنت نیز می‌نویسد؛

«امامیه معتقد است بعد از چهل روز از شهادت امام حسین علیه السلام سر مطهر آن حضرت به بدنش در کربلا ملحق شد»^۶

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵

۲. رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۳۰؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۷۷

۳. روضه الواعظین، ص ۱۹۲

۴. مناقب، ج ۴، ص ۸۵

۵. تذکره الخواص، ص ۱۵۰

۶. نور الابصار، ج ۲، ص ۴۴

قرطبی و مناوی و ابن حجر عسقلانی، از بزرگان اهل سنت هم همین مطلب را بیان می‌کنند؛^۱

ابوریحان بیرونی در الآثار الباقیه می‌نویسد؛

«در روز بیستم صفر سر امام حسین را به بدن ملحق کردند تا با پیکرش به خاک سپرده شود و زیارت اربعین نیز در این روز است. اهل حرم حسین هم در بازگشت از شام با آن سر بودند»^۲

نکته قابل توجه دیگر آن که در روایات متعددی آمده است که آسمان و زمین چهل روز پس از شهادت امام حسین علیه السلام بر آن حضرت گریستند؛^۳

ممکن است این غم و اندوه آسمان و زمین که از روز شهادت سالار شهیدان اتفاق افتاد، تا روزی که سرها به بدن‌ها ملحق شد، ادامه داشت و پس از چهل روز که این کار انجام شد، کائنات قرار و آرام یافتند.

البته در برخی از نقل‌ها آمده است که سر مبارک امام حسین علیه السلام، توسط یکی از وابستگان پیامبر گرامی (امام سجاد علیه السلام) در نجف اشرف دفن شد، لذا در نقل‌های متعددی، زیارت راس الحسین و خواندن دو رکعت نماز زیارت، در کنار مدفن امام علی علیه السلام توصیه شده است؛^۴

میان این دو نقل تضادی نیست، زیرا چنین جمع می‌شوند که امام سجاد علیه السلام، پس از آوردن سر مبارک از شام، مدتی در کوفه توقف داشته و سر مبارک را کنار مدفن امام علی علیه السلام دفن کردند و پس از آن سر را به کربلا برده و به جسد

۱. التذکره، قرطبی، ج ۲، ص ۲۴۵؛ فیض القدر، مناوی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ الهمزیه فی مدح خیر البریه، ص ۲۷۱

۲. الآثار الباقیه، ص ۴۲۲

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۹ باب ۳۲

مطهر امام علیه السلام ملحق کردند، چنان که صاحب جواهر می نویسد؛
«امکان دارد که سر مبارک مدتی در نجف دفن شدند، سپس به کربلا منتقل
شدند»^۱

۱۴. آیا استحباب زیارت قبر امام علیه السلام از روایات اهل سنت هم قابل اثبات
است؟

پرسش چهاردهم:

مولوی گرگیچ می گوید: برادران شیعه، باورهای خود را به ما تحمیل نکنند اگر
افرادی از اهل سنت در مراسم عزاداری محترم شرکت می کنند یا نسبت به مذهب
وعقیده خود ناآگاه هستند و یا رودربایستی و نقطه ضعفی دارند پس نباید چنین
گزارش هایی از صدا و سیما پخش شود و پیاده روی اربعین را در قالب کاروانی با
نام اهل سنت به نمایش بگذارند؛ ما اربعینی نداریم و برای هیچ یک از بزرگان دین
چنین مراسم هایی برگزار نمی کنیم.

پاسخ:

در روایات صریح اهل سنت می خوانیم که پیامبر اسلام دستور به زیارت قبور
می داد و می فرمود:

«وَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ». «به زیارت قبور بروید که مایه یاد سرای

آخرت است»^۲

و در دیگر سخن خود می فرماید: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً» «به زیارت

۱. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۹۳

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ همین مضمون در المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۲؛

صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۹۷۶

قبر بروید زیرا در آن برای شما درس عبرت است»^۱

مسلم در صحیح خود از پیامبر گرامی نقل می‌کند:

«جبرئیل فرود آمد و به من گفت: پروردگارت فرمان می‌دهد به زیارت اهل بقیع بشتابید و در حق آنان طلب آمرزش بکنید. پیامبر از رختخواب خود برخاست و به سوی بقیع رفت، عایشه نیز به تعقیب پیامبر پرداخت. در این موقع به پیامبر گفت من چگونه اهل بقیع را زیارت کنم؟ پیامبر فرمود: بگو درود بر اهالی این سرزمین از مؤمنان و مسلمانان، خدا گذشتگان و آیندگان را رحمت کند.»^۲

در ذیل نیز مشروعیت زیارت قبر را از قرآن ثابت کرده‌ایم:^۳

از سوی دیگر پیامبر گرامی اسلام همه اهل سنت را مأمور کرده است که امام حسین علیه السلام را دوست بدانند و فرمودند:

«حسین از من است و من از حسین هستم، خداوند دوستدار کسی است که حسین را دوست بدارد» «حسین منی و أنا من حسین، أحب الله من أحب حسینا»^۴

بنابراین از یک سو در مشروعیت و استحباب زیارت قبر طبق روایات صحیح اهل سنت تردیدی نیست و از سوی دیگر در وجوب محبت امام حسین علیه السلام تردیدی نیست، حال اگر اهل سنت کاروانی تشکیل دهند و به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروند و از این طریق به آن امام بزرگوار که سید جوانان اهل بهشت است عشق و محبت بورزند چه خلافتی مرتکب شده‌اند

۱. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۷، حدیث ۴۲۵۵۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹ باب ما یقال عند دخول القبور والدعاء لأهلها از کتاب الجنائز.

3. https://t.me/Rahnamey_Behesht/15083

۴. مسند احمد، ج ۲۹، ص ۱۰۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۴۷۵.

به راستی چرا مولویان اهل سنت این قدر نسبت به مبانی و روایات اهل سنت جاهل هستند و منبر رسول الله را مایه گمراه کردن مردم قرار داده‌اند از سوی دیگر روایاتی نیز در کتابهای اهل سنت بالخصوص برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام صادر شده است، چنان که محب الدین طبری نقل می‌کند:

«هرکس قبر حسین علیه السلام را با شناخت به جایگاه او زیارت کند، خداوند نامش را در علیین می‌نویسد، حول قبر امام حسین هفتاد هزار ملک هستند که تا روز قیامت بر او گریه می‌کنند» «**إن من زار قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كتب الله له في عليين، و قال: إن حول قبر الحسين علیه السلام سبعين ألف ملك شعثاً غبراً يبكون عليه إلى يوم القيامة**»^۱

محب الدین طبری نیز از علماء برجسته اهل سنت است که می‌توانید شرح بزرگی او را در کتابهای ذیل از اهل سنت بخوانید:^۲

مولوی گرگیج مدعی است که بیشتر از سه روز نمی‌توان در فراق عزیزان گریه و عزاداری کرد، در حالی که در روایات خودشان آمده است که پیامبر اسلام در فراق مادرشان پس از سالها گریه و عزاداری می‌کردند، یا اصحاب و تابعین سالها به تعلیم پیامبر برای حضرت حمزه علیه السلام گریه و عزاداری می‌کردند، در ذیل بخوانید:^۳

در ذیل نیز طبق آیات قرآن توضیح داده‌ایم که گریه و عزاداری کردن برای اولیاء الهی و افرادی چون امام حسین علیه السلام در تمام سالها مورد تاکید خداوند

۱. ذخائر العقبی، ص ۱۵۱

۲. تذکره الحفاظ (۱۴۷۴/۴) العبر (۳۸۲/۵). النجوم الزاهرة (۷۴/۸). البداية و النهایة (۳۴۰/۱۳). طبقات السبکی (۸/۵). طبقات الاسنوي (۱۷۹/۲). الوافي بالوفیات (۱۳۵/۷). طبقات الحفاظ (۵۱۰). مرآة الجنان (۲۲۴/۴). تتمه المختصر (۳۴۳/۲). دول الإسلام (۱۵۳/۲). (به نقل از نفحات الازهار، ج ۱، ص ۳۸۸)

3. https://t.me/Rahnamye_Behesht/7310

است:^۱

در ذیل نیز طبق روایات اهل سنت ثابت کرده ایم که پیامبر اسلام سالها قبل از واقعه کربلا برای امام حسین علیه السلام گریه و عزاداری می کرد:^۲
در ذیل هم توضیح داده ایم که شد رحال و بار سفر بستن برای زیارت قبور طبق مبانی اهل سنت هیچ اشکالی ندارد:^۳

۱۵. بر پایه چه دلالتی کل ماه محرم و صفر را عزاداری می کنیم؟

پرسش پانزدهم:

اربعین و عزاداری های طولانی؟

قدیم ها این طور نبود و عزاداری ها تا غروب عاشورا تمام می شد و مردم دنبال کار و زندگی خود بودند، اما چند سالی است که دیانت و سیاست به دست مداحان و مداح پرستان افتاده و از صدا و سیمای پرسخاوت، هم بهره مند شده اند. حدود سه ماه یک سره حالت عزا داریم و کسی از متدینین هم جرئت ندارد مجلس خیر و شادی هم داشته باشد، چون متهم به بی دینی می شود. چند سالی هم هست که داستان پیاده روی اربعین را تبلیغ می کنند و امکانات فراوانی را از بیت المال و غیره در این راه بسیج نموده اند؟

پاسخ:

در این شکی نیست که مصیبت و شهادت امام حسین علیه السلام، مصیبت و حادثه ای است که هیچ واقعه دیگری با آن نمی تواند برابری کند.
نقل های متعددی گواه بر این حقیقت است که مصیبت امام حسین علیه السلام بالاترین مصیبت ها می باشد و به ماندنش در عالم واقع نشده است.

1. https://t.me/Rahnamye_Behesht/12380

2. https://t.me/Rahnamye_Behesht/4770

3. https://t.me/Rahnamye_Behesht/9343

امام حسن علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«هیچ روز و مصیبتی مانند مصیبت تو نمی باشد»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مصیبت حسین بزرگترین مصیبت هاست»^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

«مصیبت حسین پلک چشم ما اهل بیت را زخم کرده و اشک‌های ما را روان

ساخته است»^۳

در زیارت عاشوراء هم می‌خوانیم؛

«ای ابا عبد الله، به راستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت

مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت مصیبت تو در

آسمان‌ها بر همه اهل آسمان‌ها»^۴

از آنجایی که مصیبت امام حسین علیه السلام بزرگترین مصیبت‌ها است، این بزرگی

مصیبت سبب شده است که مردم متدین ماه محرم و صفر تا اربعین را برای امام

حسین علیه السلام عزاداری کنند و از این طریق بزرگی این مصیبت را اعلام کنند، و از

آنجایی که این ایام منتسب به ایام سوگواری امام حسین علیه السلام در نزد متدینین

است، لذا انسان نمی‌تواند حرمت این ایام را بشکند چرا که در این صورت عرف

متشرع انسان را متهم به حرمت شکنی نسبت به ساحت قدسی امام حسین علیه السلام

می‌کند.

از سوی دیگر در روایاتی آمده است که پدیده‌های طبیعت تا روز اربعین برای

۱. امالی صدوق، ص ۱۱۶

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۵

۳. امالی صدوق، ص ۱۲۸

۴. کامل‌الزیارات، ص ۱۷۷

امام حسین علیه السلام عزاداری کرده اند که این روایات هم دلیل دیگری بر رجحان عزاداری بر امام حسین علیه السلام تا روز اربعین است.

زاره، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

آسمان تا چهل روز، بر حسین علیه السلام خون گریست و زمین تا چهل روز، با [وزش باد] سیاه گریست و خورشید تا چهل روز، با گرفتگی و سرخ شدن گریست. «إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتَ عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْدَّمِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالسَّوَادِ، وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْكُفُوفِ وَالْحُمْرَةِ»^۱

و فرمود:

«آسمان بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام گریست و بر کس دیگری جز آن دو، گریه نکرد»

گفتم: گریه آسمان، چیست؟ فرمود: «خورشید تا چهل روز، صبح ها سرخ سرخ طلوع می کرد و غروب ها نیز سرخ سرخ، غروب می کرد». گفتم: این، گریه آسمان است؟ فرمود: «آری». «مَكثُوا أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَطَّلَعُ الشَّمْسُ بِحُمْرَةٍ، وَتَغْرُبُ بِحُمْرَةٍ»^۲

دو دلیل فوق الذکر در مورد دلیل عزاداری تا روز اربعین مورد اشاره استاد عالی مقام ما، آیت الله مکارم شیرازی واقع شده و می گوید:

«با توجّه به اینکه معمول شیعه آن است که عزاداری امام حسین علیه السلام را تا اربعین ادامه می دهد، و در پایان ماه صفر نیز وفات های متعدّدی است. به خاطر این جهات مختلف، کلّ دو ماه محرم و صفر در عرف پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به عنوان دو ماه سوگواری معروف شده است. به همین دلیل از برگزاری جشن عروسی در تمام این دو ماه اجتناب می کنند ... علاوه بر این، در بعضی

۱. کامل الزیارات، ص ۱۶۷، ح ۲۱۹، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۸۵، ح ۲۶۰ و ص ۱۸۱، ح ۲۴۶ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۰، ح ۱۸.

روایات نیز آمده که بعد از وقایع کربلا تا چهل روز آثار عزای آن حضرت در طبیعت نیز بوده است»^۱

اما در مورد زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین و پیاده روی برای زیارت آن امام والا مقام هم گفتنی است که این سنت نیز توسط امامان و اصحاب راستین آن بزرگواران تاسیس شده است و چنین نیست که در سالهای اخیر ایجاد شده باشد، در روز اربعین امام سجاد علیه السلام به زیارت قبور کربلا رفت و سرهای مطهر را به بدنها ملحق نمود و صحابی بزرگ جابر بن عبد الله انصاری نیز در روز اربعین سنت زیارت امام حسین علیه السلام را پایه گذاری کرد، و امام عسکری علیه السلام هم زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را علامت شیعه بودن معرفی فرمودند و زیارتنامه مخصوصی نیز برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین توسط امام صادق علیه السلام تعلیم داده شد، چنان که در ذیل توضیح داده ایم:^۲

همینطور امام صادق علیه السلام تاکید داشتند که زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده صورت گیرد، چنان که مطابق نقل فرمودند:

«هر کس پیاده به نزد قبر حسین علیه السلام بیاید، خداوند، برای هر قدمش هزار حسنه می نویسد و هزار زشتکاری را از او می زداید و او را هزار درجه، بالا می برد»
«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ»^۳

بنابراین، سنت زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین و پیاده روی برای این زیارت با فضیلت نیز از همان قرون نخستین اسلامی پایه گذاری شده است، نه آنکه اخیراً و توسط جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده باشد، چنان که برخی از

۱. احکام عزاداری، ص ۱۲۲

2. https://t.me/Rahnamey_Behesht/5084

2. https://t.me/Rahnamey_Behesht/11306

۳. کامل الزیارات، ص ۲۵۵، ح ۳۸۱ و ص ۳۹۲، ح ۶۳۶، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۲، ح ۱۳.

محققین می نویسند:

«از سال ۶۱ هجرت و از آن زمان تا حال شیعه بر این امر همیشه قیام و اقدام کرده و آن را زنده نگه داشته اند (چرا) که برای سید الشهداء علیه السلام زمین و آسمان تا چهل روز گریه کرده است»^۱

هزینه های زیارت اربعین هم نوعاً از طریق موقوفات مردمی تامین می شود نه بیت المال و مسئولین امر هم به این نکته تصریح کرده اند که دولت تنها وظیفه تسهیل گری را بر عهده دارد و تامین مخارج مردمی است:^۲

۱۶. آیا زیارت امام حسین علیه السلام مساوی با زیارت خداوند است؟

پرسش شانزدهم:

تجسیم الله نزد شیعه

مکان صحیح الله کجاست؟ شیعه می گوید نزد قبر حسین بن علی رضی الله عنه است؟^۳

پاسخ:

مطابق روایات متعددی که در مجامع روایی ما نقل شده است، کسی که امام حسین علیه السلام را در کربلا زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در عرشش زیارت کرده است، یعنی زائر قبر امام حسین علیه السلام ثواب زیارت خداوند را می برد. امام حسن علیه السلام فرمود:

«من و حارث عور، با امیر مؤمنان علیه السلام بودیم که فرمود: «شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مردمی در آخر زمان می آیند که قبر پسرم حسین را زیارت می کنند. هر کس او را زیارت کند، گویی مرا زیارت کرده است، و هر کس مرا زیارت کند، گویی

۱. تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، القاضی الطباطبائی، ص ۲۰۸

۲. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1137363>

۳. منبع: [الصحيح في فضل الزيارة الحسينية]، صفحه ۱۲۱

خداوند سبحان و متعال را زیارت کرده است. بدانید که هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند، گویی خدا را در عرشش زیارت کرده است.»

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَا تِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَزُورُونَ قَبْرَ ابْنِي الْحُسَيْنِ، فَمَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي، وَمَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، أَلَا مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ عَلَى عَرْشِهِ.»^۱

در روایت دیگر امام رضا علیه السلام فرمود:

«هر کس قبر ابا عبد الله علیه السلام را کنار رود فرات، زیارت کند، گویی خدا را در بالای عرشش زیارت کرده است.» «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»^۲

وهایی به تعبیر «زیارت خداوند» اشکال کرده است و این تعبیر را گواه بر تجسیم خداوند در نزد شیعه دانسته است در حالی که شبیه همین معنای «زیارت خداوند» در قرآن تحت عنوان «ملاقات خداوند» آمده است. خداوند می فرماید:

«آنها که لقای خدا را تکذیب کردند مسلماً گرفتار زیانند، و هرگز هدایت نیافته اند» «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»^۳

همین تعبیر در آیات دیگری مانند انعام، ۳۱ و ۱۴۵ - یونس، ۷ و ۱۱ و ۱۵ - رعد، ۲ - کهف، ۱۰۵ و ۱۱۰ - فرقان، ۲۱ - عنکبوت، ۵ و ۲۳ - روم، ۸ - سجده، ۲۳ - فصلت، ۵۴ - سجده، ۱۰ و ۲۰ - نیز آمده است.

بدون شک منظور ملاقات و زیارت حسی پروردگار نیست، چرا که ملاقات و زیارت حسی تنها در مورد اجسام است که دارای مکان و زمان و رنگ و کیفیات

۱. فضل زیاره الحسین علیه السلام، ص ۳۹، ح ۱۰

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۶

۳. یونس، آیه ۴۵

دیگرند، به طوری که می‌توان آنها را با چشم ظاهر دید.

بلکه منظور یک شهود باطنی و دیدار و زیارت و ملاقات روحانی و معنوی با خدا است، زیرا در قیامت حجاب‌ها کنار می‌رود، و آثار خداوند چنان در عرصه محشر و تمام صحنه‌های و موافق قیامت ظاهر و آشکار می‌گردد که همه کس حتی کافران خدا را با چشم دل می‌بینند، و او را دیدار می‌کنند (هرچند این دیدارها متفاوت است)

این حالت ممکن است بر اثر پاکی و تقوا و عبادت و تهذیب نفس در این دنیا برای گروهی پیدا شود، چنان که در نهج البلاغه می‌خوانیم: یکی از دوستان دانشمند علی علیه السلام به نام «ذعلب یمانی» از امام علیه السلام پرسید «هل رایت ربک»: «آیا خدای خود را دیده‌ای؟»

امام علیه السلام فرمود «ا فاعبد ما لا اری» «آیا خدایی را که نبینم پرستش کنم؟» و هنگامی که او توضیح بیشتر خواست امام اضافه کرد:

«لا تدرکه العیون بمشاهدة العیان و لکن تدرکه القلوب بحقائق الایمان»
«چشمهای ظاهر هرگز او را مشاهده نکنند، بلکه قلبها بوسیله نور ایمان او را درک می‌نمایند»^۱

بنابراین مقصود از ملاقات و زیارت خداوند، همان ملاقات و زیارت شهودی و معنوی است و کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، ثواب کسی را دارد که در عرش الهی که محل طواف فرشتگان است، خداوند را با چشم دل و قلب زیارت و ملاقات کرده است.

وهابی که مدعی بود شیعه معتقد به تجسیم خداوند است، توجه ندارد که خودشان عقیده به ملاقات حسی و رویت ظاهری خداوند دارند و خداوند را چون جسمی می‌دانند که روز قیامت دیده می‌شود

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹.

در حدیثی جعلی نقل می‌کنند که پیامبر خدا فرمود:

«در حالی که بهشتیان، غرق در نعمت خویش‌اند، به ناگاه، نوری برایشان درخشیدن می‌گیرد. سرهایشان را بلند می‌کنند و پروردگار را می‌بینند که از فراز سرشان بر آنان مشرف شده است و می‌فرماید: «درود بر شما، ای بهشتیان!». این، همان سخن خداست که: «درودی که از جانب پروردگاری مهربان به آنان گفته می‌شود».» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس خدا به آنان می‌نگرد و آنان به خدا می‌نگرند و تا زمانی که غرق در نگرستن به او هستند، به چیزی از نعمت‌ها توجه ندارند، تا آن که از آنان پنهان می‌شود؛ ولی نور و برکت او برای آنان در خانه‌هایشان باقی می‌ماند»

بَيْنَا أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي نَعِيمِهِمْ إِذْ سَطَعَ لَهُمْ نُورٌ فَزَفَعُوا رُؤُوسَهُمْ، فَإِذَا الرَّبُّ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيْهِمْ مِنْ فَوْقِهِمْ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ. وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». قَالَ: فَيَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، فَلَا يَلْتَفِتُونَ إِلَى شَيْءٍ مِنَ النَّعِيمِ مَا دَامُوا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ حَتَّى يَحْتَجِبَ عَنْهُمْ وَيَبْقَى نُورُهُ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْهِمْ فِي دِيَارِهِمْ^۱

و نقل می‌کنند که فرمود:

«بامنزلت‌ترین آنان (اهل بهشت)، روزی دو بار به روی خدای بلندمرتبه، نظر می‌کنند» «إِنَّ أَفْضَلَهُمْ - يَعْنِي أَهْلَ الْجَنَّةِ - مَنْزِلَةٌ لَيَنْظُرُ فِي وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ.»^۲

اما اهل بیت علیهم السلام شدیداً با عقیده به ملاقات حسی و دیدن با چشم سر خداوند برخورد می‌کردند و این عقیده را مورد رد قرار می‌دادند و تصریح می‌کردند که ملاقات و زیارت و دیدن خداوند با چشم دل است نه با چشم سر.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۱۸۴، الدر المنثور، ج ۷، ص ۶۵

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۴۶۲۳، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۵۳، ح ۳۸۸۰

هشام بن حکم می‌گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که معاویه بن وهب و عبد الملک بن اعین وارد شدند. معاویه بن وهب به ایشان گفت: ای فرزند پیامبر خدا در باره این خبری که روایت شده است و می‌گوید که پیامبر خدا پروردگارش را دید، چه می‌فرمایید؟ در چه صورتی، او را دید؟ و نیز در باره حدیثی که روایت کرده‌اند که مؤمنان، پروردگار خود را در بهشت می‌بینند، او را در چه صورتی می‌بینند؟ ایشان لبخندی زد و سپس فرمود: «ای معاویه چه قدر زشت است برای مردی که هفتاد یا هشتاد سال از عمرش می‌گذرد و در ملک خدا زندگی می‌کند و از نعمت‌هایش می‌خورد؛ اما او را چنان که باید، نمی‌شناسد.

آن‌گاه افزود: «ای معاویه محمد، پروردگار بزرگ و الایش را با چشم سر ندید. دیدن، دو گونه است: دیدن با دل و دیدن با چشم. بنا بر این، کسی که [آن را] دیدن با دل بداند، او به راه صواب رفته، و کسی که بگوید مقصود، دیدن با چشم سر است، به خدا و آیات او، کافر گشته است؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس خدا را به مخلوقش تشبیه کند، کافر است.»

«كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ وَعَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَعْيَنَ، فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا تَقُولُ فِي الْخَبَرِ الَّذِي رَوَيْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَأَى رَبَّهُ، عَلَى أَيِّ صُورَةٍ رَأَاهُ؟ وَعَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي رَوَاهُ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَرَوْنَ رَبَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ عَلَى أَيِّ صُورَةٍ يَرَوْنَهُ؟

فَتَبَسَّمَ علیه السلام ثُمَّ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ، مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ سَنَةً أَوْ ثَمَانُونَ سَنَةً يَعْيشُ فِي مَلِكِ اللَّهِ وَيَأْكُلُ مِنْ نِعْمِهِ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ؟!

ثُمَّ قَالَ علیه السلام: يَا مُعَاوِيَةُ، إِنَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله لَمْ يَرَ رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ، وَإِنَّ الرُّؤْيَا عَلَى وَجْهَيْنِ: رُؤْيَا الْقَلْبِ وَرُؤْيَا الْبَصَرِ، فَعَنِ الرُّؤْيَا الْقَلْبِ فَهِيَ مُصِيبٌ، وَمَنْ عَنِ الرُّؤْيَا الْبَصَرِ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ؛ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ سَبَّه

اللَّهُ بِخَلْقِهِ فَقَدْ كَفَّرُ^۱

۱۷. آیا خداوند به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رود؟

پرسش هفدهم:

حدیث زیر درست است؟ گفته شده که خدا هبوط میکند به زمین نعوذ بالله اعتقاد به جسم بودن خدا رو نمی‌رساند؟

وقتی امام صادق به حیره (منطقه‌ای بود در کوفه) تشریف آوردند گفتیم: فدایت شوم آیا قبر جد بزرگوارتان حسین را زیارت می‌کنید؟

آن حضرت فرمود: چگونه آن را زیارت نکنم و حال آن‌که خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و پیامبران و اوصیا به زمین هبوط کرده و او را زیارت می‌کنند
پاسخ:

روایتی است که صفوان جمال می‌گوید:

«وقتی امام صادق علیه السلام به حیره تشریف آوردند به من فرمودند: آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟ عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنید؟ حضرت فرمودند:

«چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می‌کنند.» البته حضرت محمد افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم. سپس صفوان عرض کرد: فدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضرت را زیارت کرده تا بدین وسیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟ حضرت فرمودند: بلی، ای صفوان ملازم این باش برایت زیارت قبر حسین علیه السلام را می‌نویسند و این تفضیلی است و این تفضیلی است»

۱. کفایة الأثر، ص ۲۵۶، بحار الانوار، ج ۴، ص ۵۴، ح ۳۴.

«قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَمَّا أَتَى الْحَيْرَةَ هَلْ لَكَ فِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قُلْتُ وَ تَزُورُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا أَرْوُهُ وَ اللَّهُ يَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ - فَقَالَ صَفْوَانٌ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّى تُدْرِكَ زِيَارَةَ الرَّبِّ قَالَ نَعَمْ يَا صَفْوَانُ الزَّمْ ذَلِكَ يُكْتَبَ لَكَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ»^۱

مقصود از این که خداوند به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رود، این نیست که معاذ الله خداوند جسم باشد و از مکانی به مکان دیگر منتقل شود، چرا که قرآن صراحتاً تصریح می‌کند که خداوند جسم نیست و مکانی را اشغال نمی‌کند و بر چیزی فرود نمی‌آید.

از منظر قرآن، خدا محیط بر همه چیز است^۲ و همه جاهست^۳، و از این گذشته اگر خداوند جسم باشد شبیه و مانند دارد، و می‌دانیم در آیات متعددی از قرآن هرگونه شبیه و مانند از خدا نفی شده است **﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾**^۴ از نظر عقلی نیز موجودی که از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود، نمی‌تواند واجب الوجود باشد.

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز تصریح دارد که خداوند دارای حرکت و انتقال نیست و مکانی را اشغال نمی‌کند و اساساً خداوند جسم نیست.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«کسی که عقیده به جسمیت خدا داشت، پشت سرش نماز نخوانید و به او

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۳

۲. فصلت، آیه ۵۴

۳. حدید، آیه ۴

۴. شوری، آیه ۱۱

زکات ندهید»^۱

امام کاظم علیه السلام فرمود؛

«خداوند از ازل وجود داشته بدون زمان و مکانی و الان نیز همان گونه است هیچ مکانی از او خالی نیست در عین حال هیچ مکانی را اشغال نمی‌کند و در هیچ مکانی حلول نمی‌کند»^۲

بلکه مقصود روایت مذکور که می‌گوید خداوند به زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه می‌رود، این است که رحمت خاصه خود را در آن شب مشمول امام حسین علیه السلام و زوارش می‌کند، و در جمله «الله یزوره»، محذوفی نهفته است، «رحمه الله یزوره»، یعنی این رحمت و لطف خداوند است که به زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه می‌رود، چنان که علامه مجلسی می‌گوید:

«مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت‌های خاصه‌اش بر آن حضرت و زوار آن جناب می‌باشد» «زیارته تعالی کنایه عن انزال رحماته الخاصة علیه و علی زائریه صلوات الله علیه»^۳

شبهه این تعبیر در قرآن نیز در رابطه با حوادث مربوط به قیامت آمده است که می‌فرماید:

«وَجَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» «پرودگارت می‌آید و فرشتگان نیز صف در صف می‌آیند»^۴

روشن است که در جمله «جاء ربك» محذوفی نهفته است، یعنی امر و فرمان خداوند می‌آید «جاء امر ربك» و الا روشن است که خداوند آمدنی نیست و

۱. بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۰۳

۲. توحید صدوق، ص ۳۱۰

۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۶۰

۴. فجر، آیه ۲۲

فرشتگان نیز در این هنگام، صف در صف اوامر الهی را اجرا می‌کنند، چنان که در نقلی آمده است که راوی می‌گوید:

از امام رضا علیه السلام درباره آیه «و پروردگارت و فرشتگان، صف اندر صف بیایند» پرسیدم. فرمود: «خداوند عز و جل به آمدن و رفتن وصف نمی‌گردد، از جابه‌جا شدن برتر و بالاتر است. مراد آن است که فرمان پروردگارت و فرشتگان، صف اندر صف می‌آیند». **سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يوصفُ بِالْمَجِيءِ وَالذَّهَابِ، تَعَالَى عَنِ الْاِتِّتِقَالِ، إِنَّمَا يَعْنِي بِذَلِكَ: وَجَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا!**^۱

متأسفانه وهابیت بدون توجه به آنچه گفتیم، روایت مورد بحث را به عنوان یک اشکال اساسی بر شیعه وارد می‌کند، در حالی که مفهوم و معنای کنایی تعبیر مذکور روشن است، و فراتر از آن، خودشان نقل می‌کنند که خداوند هر سال به زیارت قبر احمد بن حنبل می‌رفت و قبر احمد بن حنبل به خاطر سنگینی خداوند به زمین می‌چسبید

ابن جوزی می‌گوید:

«ابو بکر بن مکارم بن ابی یعلی حربی که مردی صالح بوده برایم نقل کرده است که: در یکی از سال‌ها چند روز به ماه رمضان مانده باران سختی آمد و در شبی از رمضان خواب دیدم که بر طبق عادتم به زیارت قبر احمد بن حنبل رفته مشغول زیارت دیدم که قبرش به مقدار یک آجر یا دو آجر به زمین چسبیده است، با خود گفتم: لا بد این حالت به خاطر زیادی باران است ناگهان از قبر صدائی شنیدم که می‌گفت: خیر، بلکه به خاطر هیبت خدای عز و جل است که به زیارت آمده و از او راز زیارتش را از من در هر سال پرسیدم فرمود: ای احمد تو کلامم را یاری کردی در نتیجه انتشار یافت و در محراب‌ها خوانده شد! آنگاه به

۱. معانی الأخبار، ص ۱۳، ح ۳؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۹

سوی قبرش رفته آن را بوسیدم، سپس گفتم: ای آقایم رمز اینکه هیچ قبری جز قبرت بوسیده نمی شود چیست؟ در جوابم گفت: پسر من این کرامت مربوط به من نیست، بلکه مربوط به رسول خدا است زیرا با من چند نخ از موهای رسول خدا است آگاه باش هر کس مرا دوست داشته باشد، در ماه رمضان زیارت می کند، و این را دوبار تکرار کرد.»

«حدثني أبو بكر بن مكارم بن أبي يعلى الحرابي وكان شيخاً صالحاً قال: كان قد جاء في بعض السنين مطراً كثيراً جداً قبل دخول رمضان بأيام، فنمت ليلة في رمضان فأريت في منامي كأنني قد جئت على عادي إلى قبر الإمام أحمد بن حنبل أزوره، فأريت قبره قد التصق بالأرض حتى بقي بينه وبين الأرض مقدار ساف أو سافين، فقلت: إنما هذا على قبر الإمام أحمد من كثرة الغيث! فسمعت من القبر وهو يقول: لا، بل هذا من هيئة الحق عز وجل لأنه عز وجل قد زارني!! فسألته عن سر زيارته إياي في كل عام فقال عز وجل: يا أحمد، لأنك نصرت كلامي فهو ينشر ويتلى في المحارب.

فأقبلت على لحدّه أقبله ثم قلت: يا سيدي ما السر في أنه لا يقبل قبر إلا قبرك؟ فقال لي: يا بني، ليس هذا كرامة لي ولكن هذا كرامة لرسول الله صلى الله عليه وآله! لأن معي شعرات من شعره! ألا ومن يحبني يزورني في شهر رمضان! قال ذلك مرتين»^۱

۱۸. زیارت قبر امام حسین علیه السلام بهتر است یا کمک به فقراء؟

پرسش هجدهم

آیا بهتر نبود که پولی که برای زیارت امام حسین خرج می شود صرف فقرا می شد و مشکلی از فقرا برطرف می شد؟

پاسخ:

۱. مناقب الإمام أحمد لابن الجوزي الحنبلي، ص ۴۵۴

زیارت امام حسین علیه السلام یک وظیفه واجب اخلاقی است که انجام آن بر عهده تمام شیعیان است، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر یکی از شما، در تمام روزگارش حج بگذارد، اما حسین بن علی علیه السلام را زیارت نکند، حقی از حقوق پیامبر خدا را وا گذاشته است؛ زیرا حق حسین علیه السلام، فریضه‌ای است از سوی خدای متعال و بر هر مسلمانی، واجب است «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ، ثُمَّ لَمْ يَزِرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام، لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛ لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^۱.

اتفاقاً مطابق روایات، زیارت امام حسین علیه السلام موجب افزایش رزق و روزی می‌گردد و پولی که خرج زیارت شده به انسان بازگشت می‌کند و در مقابل ترک زیارت ایشان برای انسان فقر را به دنبال می‌آورد!!!

راوی می‌گوید:

«امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای عبد الملک! زیارت امام حسین علیه السلام را وا مگذار و یارانت را به آن، فرمان بده که خداوند، عمرت را طولانی می‌کند و بر روزی ات می‌افزاید و تو را خوش بخت می‌دارد و جز خوش بخت، از دنیا نمی‌روی و تو را جزو نیک بختان می‌نویسد». «قَالَ لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ! لَا تَدَعِ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَمُرَّ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ، يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ، وَيَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ، وَيُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيدًا، وَلَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيدًا، وَيَكْتُبُكَ سَعِيدًا»^۲.

یا در روایت دیگر فرمودند:

«پس زیارت حسین را وا مگذارید که خداوند، بر عمر و روزی تان می‌افزاید؛ و چون زیارت او را وا نهادید، خداوند، از عمر و روزی تان کم می‌کند.» «فَلَا تَدَعُوهَا يَمُدُّ اللَّهُ فِي أَعْمَارِكُمْ، وَيَزِيدُ فِي أَرْزَاقِكُمْ، وَإِذَا تَرَكْتُمْ زِيَارَتَهُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ وَ

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۲، ح ۸۷؛ المزار للمفید، ص ۲۷، ح ۲.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۸۶، ح ۴۶۱، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۷، ح ۱۲.

«أَرْزَاقِكُمْ»^۱

و در نقل دیگر آمد:

«این زیارت، روزی را به سوی بنده می‌کشد و آنچه را هزینه کرده، جبران می‌کند و به سوی او باز می‌گرداند، برایش در برابر هر دره‌می که هزینه کرده، ده هزار درهم می‌دهند و آن را برایش می‌اندوزند، و چون محشور شود، به او گفته می‌شود: «برای تو در برابر هر دره‌می، ده هزار درهم است. خداوند، سود تو را در نظر داشته و آن را نزد خود، برایت اندوخته است.»^۲ «إِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ، وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ مَا يُنْفِقُ ... وَإِنْ سَلِمَ فُتِّحَ لَهُ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ، وَيُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آفَافٍ دِرْهَمٍ، وَذُخِرَ ذَلِكَ لَهُ، فَإِذَا حُسِرَ قِيلَ لَهُ: لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آفَافٍ دِرْهَمٍ، إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ فَذَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ.»^۲

بنابراین با زیارت امام حسین علیه السلام بهتر می‌توانیم به فقراء کمک کنیم زیرا در صورت زیارت ایشان رزق و روزی ما برای کمک کردن افزایش پیدا می‌کند و در مقابل ترک زیارت ایشان سبب فقر و تنگدستی ما شده که به تبع قدرت ما برای کمک به فقراء کاهش پیدا می‌کند.

از سوی دیگر امام حسین علیه السلام اسوه ایثار و بخشش و کمک به فقراء بوده‌اند و ما با زیارت ایشان از این امام بزرگوار درس ایثار و انفاق و کمک به نیازمندان را می‌آموزیم.

نقل می‌کنند:

«اعرابی وارد مدینه طیبه شد و از کریم‌ترین مردم جويا شد. امام حسین علیه السلام را به وی معرفی کردند. او داخل مسجد شد و دید که امام حسین مشغول نماز

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۳، ح ۹۱، المزار للمفید، ص ۳۲، ح ۲، کامل الزیارات، ص ۲۸۴،

ح ۴۵۷، المزار الکبیر، ص ۳۴۳، ح ۲، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۷، ح ۱۱.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۵، ح ۹۶، کامل الزیارات، ص ۲۴۶، ح ۳۶۶ و ص ۵۵۴، ح ۸۴۳،

است. مقابل آن حضرت ایستاد و این اشعار را سرود: کسی که الان چشم امید به تو دارد و حلقه درب خانه تو را حرکت دهد ناامید نخواهد شد. تویی که بخشنده و مورد اعتماد هستی ... راوی می‌گوید: امام حسین علیه السلام سلام کرد و به قنبر فرمود: آیا چیزی از مال حجاز باقی مانده؟ گفت: آری، مبلغ چهار هزار اشرفی باقی مانده است. فرمود: آن‌ها را بیاور. زیرا کسی که از ما بیشتر به آنها احتیاج دارد آمده است. سپس برد یمانی را از تن خویش در آورد و آن اشرفی‌ها را در میان آن پیچید و آن را به این خاطر که به نظر مبارکش اندک بود و بدین جهت که از اعرابی خجل بود، از شکاف در به آن اعرابی عطا کرد و این اشعار را خواند:

این اشرفی‌ها را بگیر و من به خاطر اینکه به تو پول مختصری عطا کردم پوزش می‌طلبم. بدان که من نسبت به تو مهربان هستم. اگر حق ما را به ما می‌دادند باران بذل و بخشش از آسمان‌ها بر تو فرو می‌ریخت. ولی چه باید کرد که حوادث روزگار وضع انسان را تغییر می‌دهند و دست من فعلاً خالی از پول است. راوی می‌گوید: اعرابی آن اشرفی‌ها را گرفت و شروع به گریه کرد. امام حسین به وی فرمود: آیا برای اینکه بخشش ما قلیل و اندک بود گریه می‌کنی؟ گفت: نه. برای این گریه می‌کنم که چگونه خاک تو را می‌رباید و این‌گونه بذل و بخشش هایت را از بین می‌برد.» «فَسَلَّمَ الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ قَالَ يَا قَنْبِرُ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ مِنْ مَالِ الْحِجَازِ قَالَ نَعَمْ أَزْبَعَةُ آلَافٍ دِينَارٍ فَقَالَ هَاتِيهَا...»^۱

یا در نقل دیگر آمده است:

«شعیب بن عبد الرحمن خُزاعی می‌گوید:

در روز واقعه عاشورا، اثر چیزی را بر دوش حسین بن علی علیه السلام یافتند و [علت] آن را از امام زین العابدین علیه السلام جویا شدند. فرمود: «این، اثر بارهایی است که بر دوش خویش می‌کشید و برای بیوه‌زنان، یتیمان و بینوایان، [آذوقه] می‌برد.» «وُجِدَ

عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الظَّفَرِ أَثَرٌ...»^۱

یا علمای اهل سنت نقل می‌کنند:

«گزارش‌های متعددی رسیده که حسین علیه السلام، میهمان را اکرام می‌کرد و به خواهان می‌بخشید و با خویشاوند می‌پیوست و به فقیر می‌رساند و به نیازخواه، کمک می‌کرد و برهنه را می‌پوشاند و گرسنه را سیر می‌کرد و به بدهکار، عطا می‌نمود و ناتوان را دستگیری می‌کرد و بر یتیم، دلسوزی می‌کرد و به نیازمند، یاری می‌رساند و کمتر می‌شد که مالی به او برسد و آن را تقسیم نکند.» «قَدْ اشْتَهَرَ النَّقْلُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يُكْرِمُ الضَّيْفَ، وَيَمْنَحُ الطَّالِبَ، وَيَصِلُ الرَّحِمَ، وَيُنِيلُ الْفَقِيرَ، ...، وَيُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ، وَقَالَ أَنْ وَصَلَهُ مَالٌ إِلَّا فَرَّقَهُ.»^۲

بر همین اساس مرحوم امام خمینی در مورد چرایی افعالی چون زیارت امام حسین علیه السلام می‌گوید:

«البته یک مطلبی هم که باید بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه‌اش قضیه این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم (و از امام حسین علیه السلام درس بگیریم)»^۳

یا شهید مطهری می‌گوید:

«صحبت ثواب نیست. صحبت بالاتر از ثواب است. می‌گوید برو مکه و زنده شو. برو زیارت قبر پیامبر، نیرو بگیر! محبت پیدا کن! برو با حسین بن علی علیه السلام معاشقه کن و روح را زنده کن! برو با علی بن ابیطالب علیه السلام معاشقه کن و روح را زنده کن! آن وقت با روح زنده بیا ایران و وقتی با روح زنده آمدی، آن وقت بیمارستان هم می‌سازی؛ ۱۰۰ تا بیمارستان هم می‌سازی، حسینیه هم

۱. المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۶، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰، ح ۳.

۲. مطالب السؤل، ص ۷۳

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۹

می سازی، پل هم می سازی، مدرسه هم می سازی، هزار کار خیر هم می کنی.»^۱
کسانی که در بحث زیارت امام حسین علیه السلام سخن از کمک به نیازمندان را پیش می کشند بهتر است خودشان اندکی از خرج و مخارجشان برای کمک به نیازمندان بزنند، به عنوان نمونه همین گونه از افرادی که به جای کمک کردن به فقراء سرمایه های خود را خرج مصارف آنچنانی خود می کنند و تنها در کشور ترکیه برخی از ایرانیان حدود چهارمیلیارد و ۸۰ میلیون دلار به اقتصاد ترکیه کمک کرده اند و در ترکیه خرج سفر و... کرده اند!!!^۲

۱۹. آیا زیارت قبر امام حسین علیه السلام واجب عینی بر ذمه همگان است؟

پرسش نوزدهم:

آیا زیارت امام حسین علیه السلام بر همگان واجب است و متن ذیل واقعیت دارد؟
از آنچه گذشت، نتیجه گرفته میشود که زیارت امام حسین علیه السلام واجب است. دلیل وجوب، روایاتی هستند که با صراحت از وجوب آن برای هر زن و مردم مسلمانی سخن گفته اند. در مقابل این روایات، روایتی که ظهور در جواز ترک باشد، وارد نشده است. به عبارتی؛ اگر در مقابل روایت یا روایاتی که دلالت بر وجوب میکنند، روایات دیگری وارد شود که دلالت بر جواز ترک بکنند، میان آنها تعارض حاصل میشود که یا قابل حلّ و جمع هستند که جمع میشوند و یا قابل جمع نیستند که باید طبق قواعد مربوطه عمل شود. اما در این بحث چنین چیزی وجود ندارد. ورود روایات فراوانی که تنها از ثواب زیارت گفته اند، دلالت بر استحباب نمیکند. زیرا هر عمل واجبی که در شرع وارد شده، در روایات بسیاری از ثواب آن گفته شده است. مثلاً ثواب جهاد، نمازهای یومیه، نماز جمعه و صدها واجب دیگر که ثوابهای بسیاری برای آنها ذکر شده است. بنابراین نمی توان گفت که میان روایات

1. <https://b2n.ir/t04666>
2. <https://b2n.ir/m15614>

دالّ بر وجوب و روایاتی که تنها ثواب ذکر کرده‌اند، کوچکترین تعارضی وجود دارد.^۱

پاسخ:

واجب را به دو نوع عینی و کفائی تقسیم نموده‌اند.

واجبات عینی آن دسته از واجباتی هستند که بر تک تک مکلفین واجب است و با انجام دادن بعضی از افراد از بقیه ساقط نمی‌شوند مانند نماز و روزه و... که بر تک تک افراد واجب است و هرکس لازم است امر خداوند را نسبت به خودش امتثال نماید و با انجام دادن دیگران تکلیف از بقیه ساقط نمی‌شود اما واجب کفائی واجباتی هستند که در ابتدای امر بر همه مکلفین واجب است اما با انجام دادن بعضی از افراد از بقیه ساقط می‌گردند و به عبارت ساده‌تر اینکه در واجب کفائی آنچه مهم است این است که باید این کار انجام شود ولی انجام‌دهنده آن متعین در فرد یا شخص خاصی نیست مانند غسل دادن و کفن و دفن میت که ابتداءً بر تمام مکلفین واجب است که بر این کار اقدام نمایند اما با انجام دادن بعضی از افراد از گردن بقیه ساقط می‌گردد و البته در صورتی که هیچ‌کس به انجام آن کار اقدام نکند نیز همه مکلفینی که نسبت به آن علم پیدا کرده‌اند گناهکار محسوب می‌شوند.^۲

در روایاتی تصریح شده است که زیارت قبر حسین علیه السلام و نیز سایر امامان علیهم السلام

واجب است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«پیروان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام، فرمان دهید که آمدن به آن جا ... بر هر

بایمانی که امامت او را از سوی خداوند باور دارد، واجب است.»^۳

۱. برگرفته از کتاب «فقه عزا و زیارت اهل بیت» استاد اکبرنژاد

۲. شرح فارسی الموجز، علی عدالت، ص ۲۳۳

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر یکی از شما، در تمام روزگارش حج بگذارد، اما حسین بن علی علیه السلام را زیارت نکند، حقی از حقوق پیامبر خدا را وا گذاشته است؛ زیرا حق حسین علیه السلام، فریضه‌ای است از سوی خدای متعال و بر هر مسلمانی، واجب است.»^۱

امّ سعید احمسی می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای امّ سعید! آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟». گفتم: آری. امام علیه السلام به من فرمود: «او را زیارت کن، که زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان، واجب است»^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

«هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خود عهده‌ای دارد که وفای کامل به این عهد، و بجای آوردن نیگوی آن، با زیارت قبور آنان است. پس، کسانی که با رغبت و علاقه به زیارت ایشان و باور داشتن آنچه آنان ترغیب کرده‌اند، زیارتشان کنند، امامان آنها در روز قیامت شفیعشان باشند»^۳

از این روایات استفاده می‌شود که زیارت قبر امام حسین و سایر امامان علیهم السلام واجب است. حال پرسش اینجاست که آیا این وجوب، وجوب عینی است یا وجوب کفایی؟

۱. طبق بیان علامه مجلسی، هیچ یک از علمای شیعه در طول تاریخ از این روایات وجوب عینی زیارت را برداشت نکرده‌اند؛ «لم یقل به احد»^۴

۲. و از سوی دیگر می‌توان بیان داشت که اگر مقصود وجوب عینی بود، باید به نحو تفصیلی مورد بحث قرار می‌گرفت و احکام مختلف آن بیان می‌شد،

۱. همان، ص ۴۲؛ المزار مفید، ص ۲۷

۲. کامل الزیارات، ص ۲۳۷

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶

۴. ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۱۱۱

چنان که در مورد نماز، روزه، زکات، حج، خمس و... که از واجبات عینی است، تفصیلاً تمام احکام آن مورد بحث امامان علیهم السلام قرار گرفته است.

بنابراین می‌توان گفت مقصود روایات فوق وجوب کفایی زیارت قبر امام حسین و سایر امامان علیهم السلام است، یعنی واجب است که در هر زمانی، افرادی قبر آن بزرگواران را هر چند به صورت محدود زیارت کنند و حرم آن بزرگواران به صورت کلی از زائر خالی نشود، چنان که این سخن در مورد خانه خدا و قبر پیامبر گرامی نیز صادق است، به خاطر سخن امام صادق علیه السلام که فرمود:

«اگر مردم، حج خانه خدا را ترک کنند، وظیفه زمامدار است که آنان را به حج و اقامت نزد خانه خدا وادار کند و اگر مردم زیارت قبر پیامبر را ترک کنند، وظیفه زمامدار است که آنان را به زیارت قبر پیامبر و اقامت نزد آن وادار کند و اگر پول نداشتند، از بیت المال مسلمانان، خرج آنان را پردازد.»^۱

شیخ حر عاملی، حدیث شناس برجسته شیعه نیز از روایات فوق، وجوب کفایی زیارت قبر امام حسین و سایر امامان علیهم السلام را فهمیده و مطابق آن فتوا داده است؛^۲

البته وظیفه اخلاقی تمام شیعیان است که نسبت به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بی‌توجه نباشند و از روی سستی و بی‌مبالاتی زیارت ایشان را ترک نکنند که اگر ترک کنند، از فضیلتی بزرگ محروم شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام نرود تا بمیرد، دین و ایمانش ناقص است، و

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۴۲۰

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۳ باب ۴۴ «وجوب زیاره الحسین و الائمه علیهم السلام علی شیعتهم کفایه». هدایه الامه، ج ۵، ص ۴۸۰ باب ۷ «تجب زیاره الحسین و الائمه علیهم السلام کفایه»

اگر وارد بهشت شود، پایین تر از دیگر مؤمنان است.^۱

و فرمود؛

«زیارت قبر حسین علیه السلام را وا مگذار که هر کس آن را وا گذارد، چنان حسرتی می خورد که آرزو می کند کاش قبر او (حسین علیه السلام) نزدش بود»^۲

و فرمود؛

«شگفتا از گروهی که ادّعا می کنند شیعه ما هستند؛ ولی آن گونه که گفته می شود، کسی در میانشان هست که در تمام عمرش، از سر جفا و سستی و ناتوانی و تنبلی، یک بار هم به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی آید! هشیار باشید که به خدا سوگند، اگر فضیلت (ثواب) آن را می دانست، سستی و تنبلی نمی کرد»
گفتم: فدایت شوم! فضیلت آن چیست؟ فرمود: «فضیلت و خیر فراوانی دارد. بدانید که نخستین چیزی که به او می رسد، آمرزش گناهان گذشته اش است و به او گفته می شود؛ «عمل، از سر گیر»^۳

کسانی هم که شرایط و محذوریت ها، اجازه زیارت قبر امام حسین علیه السلام و سایر امامان را نمی دهد، اما دل و نیتشان زیارت قبور آن بزرگواران است، پاداش زیارت آن بزرگواران را میبرند و از این جهت نباید دچار سرخوردگی و افسردگی شوند، در ذیل توضیح داده ایم؛^۴

۲۰. چرا بر روی قبر امام حسین علیه السلام گنبد سازی می شود؟

پرسش بیستم:

چرا شیعیان بر روی قبور امامان گنبد و بارگاه می سازند در حالی که وهابیان این

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۴

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹

۳. کامل الزیارات، ص ۴۸۸، ح ۷۴۷

کار را نمی‌پسندند؟

پاسخ:

قران در آیه ۳۲ حج می‌فرماید:

«هرکس شعائر الهی و نشانه‌های دین خداوند را تعظیم و تکریم کند آن نشانه تقوای دلها است»

آیه شریفه می‌گوید هر چیزی که شعار و نشانه دین باشد بزرگداشت آن مایه تقرب به درگاه خداوند است. به طور مسلم انبیا و امامان از بزرگترین و بارزترین نشانه‌های دین الهی هستند که وسیله ابلاغ دین و مایه گسترش آن در میان مردم بوده‌اند.

یکی از طرق بزرگداشت آنان حفظ آثار و قبور آنان و آباد کردن قبور وصیانت از فرسوده شدن و از بین رفتنشان می‌باشد.
پیامبر گرامی فرمود:

«برای خداوند حرمت سه گانه‌ای است که هر کس آنها را احترام و تکریم کند خداوند امر دین و دنیای او را محفوظ می‌دارد و آن سه چیز عبارت است از احترام و تکریم قرآن و احترام و تکریم پیامبر و احترام و تکریم اهل بیت»^۱
بی‌شک یکی از راههای تعظیم و تکریم پیامبر گرامی و اهل بیت آن است که قبور آنان را آباد کرده و از خرابی‌ها حفظ کنیم.

قران همچنین به روشنی دستور به وجوب و لزوم محبت اهل بیت پیامبر می‌دهد:^۲

و در وجوب محبت آن بزرگواران روایات فراوانی نیز در کتب اهل سنت و

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۴۶

۲. شوری، آیه ۲۳

شیعه نقل شده است:^۱

روشن است که یکی از طرق ابراز علاقه به خاندان رسالت زیارت قبورشان و تعمیر و آباد ساختن آن و حفظ وصیانت از قبور می باشد.

همچنین از آیات قرآن استفاده می شود که احترام به قبور افراد با ایمان یک نوع امر رایج در میان ملل قبل اسلام بوده است آنجا که درباره اصحاب کهف فرمود:

«هنگامی که وضع آنان بر مردم روشن شد و مردم به دهانه غار رفتند درباره مدفن آنها دو نظر ابراز داشتند»

۱. بر روی قبور آنان بنایی بسازید.

۲. مدفن آنان را مسجد انتخاب می کنیم.^۲

قرآن این دو نظریه را نقل می کند بدون آنکه از آنها انتقاد کند لذا می توان گفت اگر هر دو نظریه بر خلاف قوانین الهی بودند قطعاً قرآن از آن انتقاد می کرد. از این داستان بدست می آید که یکی از طرق بزرگداشت صالحان حفظ و آباد سازی مدفن آنان بوده است.

درباره آباد سازی قبور اهل بیت علیهم السلام روایات خاصه ای نیز وارد شده است. علامه مجلسی در جلد ۹۷ بحار الانوار شریف صفحه ۱۲۰ از امام صادق علیه السلام و ایشان از حضرت علی علیه السلام نقل می کنند که به پیامبر عرضه داشتند:

«ای رسول خدا از برای کسی که قبور ما را زیارت کند و آن را آباد و بازسازی کند چه پاداشی است؟»

پیامبر گرامی پاسخ داد:

۱. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۳،

ص ۲۲۸ باب ۱۳

۲. کهف، آیه ۲۱

«خداوند قبر تو و قبر فرزندان را بقعه‌هایی از بهشت قرار داده است و قلوب برگزیدگان از خلقش را به سوی شما متمایل کرده است که خواری و اذیت را تحمل کرده و قبور شما را آباد می‌کنند و فراوان زیارتشان می‌کنند. آنان مخصوص به شفاعت من هستند و وارد حوض من در قیامت می‌شوند و آنان زوار من در بهشت هستند کسی که قبور شما را آباد کند گویا سلیمان را بر ساخت بیت المقدس یاری داده است»

۲۱. فلسفه زیارت قبور امامان در چه نکته‌ای است؟

پرسش بیست و یکم:

فلسفه زیارت قبور چیست؟ چرا این قدر تاکید بر زیارت قبور می‌کنید؟ چه دلیلی بر زیارت قبور وجود دارد؟ چرا زندگان را رها کرده و به مردگان چسبیده اید؟

پاسخ:

احترام به قبور گذشتگان به خصوص قبور بزرگان و زیارت آنها، سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، از هزاران سال پیش، مردم جهان امواتشان را گرمی می‌داشتند، و به قبور آنها به خصوص بزرگانشان احترام می‌گذاشتند، که فلسفه و آثار مثبت این کار بسیار است.

۱. نخستین فایده بزرگداشت گذشتگان، نگهداری حرمت این عزیزان است و قدرشناسی از آنان، یکی از نشانه‌های عزّت و شرف انسانی است، و سبب تشویق جوانان به پیمودن راه آنهاست.

۲. دوّمین اثر، گرفتن درس‌های عبرت از قبور خاموش اما گویای آنها، و زدودن زنگار غفلت از آئینه قلب انسان و بیداری و هشیاری در برابر زرق و برق تخدیرکننده دنیا، و کاستن از سیطره هوا و هوسهاست، و به تعبیر روایات مردگان بهترین واعظانند.

۳. سوّمین اثر، تسلّی خاطر بازماندگان است، چرا که مردم در کنار قبور عزیزان خود آرامش بیشتری احساس می‌کنند. گویی در کنار خود آنها هستند و این زیارت‌ها از شدّت آلام آنها می‌کاهد، به همین دلیل حتّی برای آنها که مفقود الاثر هستند، شبیه قبری درست می‌کنند و در کنار آن به یاد آنان هستند.

۴. چهارم این که بزرگ شمردن قبور بزرگان پیشین یکی از طرق حفظ میراث فرهنگی هر قوم و ملت است، و اقوام روزگار به فرهنگ کهن خود زنده‌اند. مسلمانان جهان فرهنگ غنی و عظیمی دارند که بخش مهمّی از آن در قبور و آرامگاه‌های شهدا و علمای بزرگ و پیشروان علم و فرهنگ و به خصوص در مشاهد پیشوایان بزرگ دین نهفته است. حفظ و یادآوری و بزرگداشت آنها سبب حفظ اسلام و سنّت پیغمبر اکرم است.

در گذشته در رابطه فلسفه زیارت قبور پیامبر گرامی از روایات اهل سنت استفاده می‌شود که پیامبر گرامی به علت موقتی از زیارت قبور نهی کرده بود سپس اجازه داد که مردم به زیارت آنها بشتابند شاید علت نهی این بود که اموات گذشته آنان غالباً مشرک و بت پرست بوده‌اند، و اسلام علاقه و پیوند آنان را با جهان شرک قطع کرده بود. ممکن است علت نهی، چیز دیگری بوده باشد، و آن اینکه گروه تازه مسلمان بر سر خاک مردگان به باطل نوحه سرائی می‌کردند و سخنان خارج از شاداب اسلامی به زبان می‌راندند. ولی پس از گسترش اسلام و پا برجائی نهال ایمان در دل افراد این نهی برداشته شد و پیامبر گرامی به خاطر منافع تربیتی که در زیارت قبور است اجازه داد که مردم به زیارت قبور بشتابند. آنجا که نویسندگان سنن و صحاح چنین نقل می‌کنند؛ کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانّها ترهّد فی الدّنيا و تذکر الآخرة»

«من شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم از این به بعد زیارت کنید، زیرا

زیارت قبور، شما را نسبت به دنیا بی‌اعتناء می‌سازد و آخرت را به یاد می‌آورد.»^۱
روی همین اساس است که پیامبر گرامی، قبر مادر خود را زیارت می‌کرد و به مردم می‌گفت قبور را زیارت کنید، زیرا زیارت آن، مایه یادآوری آخرت است، اینک چنان که نقل می‌کنند؛

«پیامبر قبر مادر خود را زیارت کرد و در کنار قبر او گریست و کسانی را که دور او بودند گریاند، و فرمود از خدایم اجازه گرفته‌ام که قبر مادرم را زیارت کنم شما نیز قبرها را زیارت کنید زیرا زیارت آنها مایه یادآوری خدا است.»^۲
عائشه می‌گوید پیامبر کیفیت زیارت قبور را برای من چنین تعلیم کرد و فرمود؛

«پروردگارم دستور داد که به بقیع بیایم و بر آنها طلب آمرزش کنم، (عائشه) می‌گوید گفتم من چگونه بگویم گفت بگو سلام بر اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان، خدا گذشتگان از ما و عقب ماندگان از ما را رحمت کند، ما به شما به همین زودی ملحق می‌شویم»^۳

این روایات معتبر اهل سنت و سایر روایاتی که نقل نکردیم، همه گواه بر مشروعیت و استحباب زیارت قبور مردگان در سنت پیامبر گرامی است، استحباب و فضیلت زیارت قبور مردگان در روایات متعدد شیعه نیز آمده است که جهت آگاهی پاسخ گذشته ما را مطالعه فرمایید؛^۴

۲۲. چرا قبور امامان را طلاسازی می‌کنیم؟

پرسش بیست و دوم:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۴

۲. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۵

۳. سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۶

چرا حرم‌های اهل بیت را از طلا می‌سازیم آیا براستی این کار لازم است؟ این اشکالی است که زیاد در فضاهای مجازی مطرح می‌شود؟

پاسخ:

توجه به نکاتی در این رابطه لازم است؛

۱. قرآن به روشنی دستور به وجوب و لزوم محبت اهل بیت پیامبر گرامی را می‌دهد:^۱

و در وجوب محبت آن بزرگواران روایات فراوانی نیز در کتب اهل سنت و شیعه نقل شده است.^۲

مسلمانان یکی از راه‌های ابراز علاقه به خاندان رسالت حفظ و بزرگداشت حرم‌های آنان است.

به دلیل همین ابراز احساسات و نشان دادن عشق و علاقه فراوان به اهل بیت است که شیعیان همواره سعی کرده‌اند که ارزنده‌ترین و با ارزش‌ترین فلزات اعم از طلا و نقره و سایر جواهرات را وقف آن قبور مطهر نمایند و با زیباترین هنرهای معماری و آیینی کاری و منبت کاری حرم‌های آنان را زینت می‌کنند.

در واقع طلاکاری گنبد و ضریح نوعی ابراز علاقه و محبت به اهل بیت پیامبر می‌باشد.

۲. قرآن در آیه ۳۲ حج می‌فرماید:

«هرکس شعائر الهی و نشانه‌های دین خداوند را تعظیم و تکریم کند آن نشانه تقوای دلها است»

آیه شریفه می‌گوید هر چیزی که شعار و نشانه دین باشد بزرگداشت آن مایه

۱. شوری، آیه ۲۳

۲. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۳،

ص ۲۲۸ باب ۱۳

تقرب به درگاه خداوند است.

به طور مسلم انبیا و امامان علیهم السلام از بزرگترین و بارزترین نشانه‌های دین الهی هستند که وسیله ابلاغ دین و مایه گسترش آن در میان مردم بوده‌اند. پیامبر گرامی فرمود:

«برای خداوند حرمت سه گانه‌ای است که هر کس آنها را احترام و تکریم کند خداوند امر دین و دنیای او را محفوظ می‌دارد و آن سه چیز عبارت است از احترام و تکریم قرآن و احترام و تکریم پیامبر و احترام و تکریم اهل بیت»^۱ بزرگداشت اولیای الهی راه‌های متعددی دارد؛

۱. حفظ و نگه داری سخنان و دستورات و آثار آنها و عمل به سخنان آنها
۲. احترام به مقام و موقعیت معنوی آنها و پاسداشت ایام ولادت و شهادت آنها

۳. حفظ و تعمیر قبور آنها و رعایت حرمت آنها در ساختن بارگاهایی که در شان آنها باشد.

در تمام دنیا و در میان تمام ادیان تجلیل از بزرگان و احیای آثار آنها چیزی مرسوم و معمول است و هیچ منع عقلی ندارد.

تعظیم و تکریم اهل بیت با ساختن بارگاه‌ها و ضریح‌ها از جنس طلا و نقره روشن‌ترین مصداق عمل به این فریضه اسلامی می‌باشد.

مساله تعظیم و تکریم و آباد سازی قبور ائمه در روایات متعددی نیز توصیه شده است.

در روایتی آمده است که امام علی علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سوال کرد ای رسول خدا از برای کسی که قبور ما را زیارت کند و آن را آباد و بازسازی کند چه پاداشی است؟

پیامبر گرامی پاسخ داد:

«خداوند قبر تو و قبر فرزندان را بقعه‌هایی از بهشت قرار داده است و قلوب برگزیدگان از خلقش را به سوی شما متمایل کرده است که خواری و اذیت را تحمل کرده و قبور شما را آباد می‌کنند و فراوان زیارتشان می‌کنند. آنان مخصوص به شفاعت من هستند و وارد حوض من در قیامت می‌شوند و آنان زوار من در بهشت هستند. کسی که قبور شما را آباد کند گویا سلیمان را بر ساخت بیت المقدس یاری داده است»^۱

روشن است که آباد سازی قبور ائمه از طریق ساختن گنبد و بارگاه از طلا و نقره مصداق روشن عمل به این نوع روایات می‌باشد.

هزینه و مصالح و ساخت بنای گنبد و بارگاه حرم‌های اهل بیت یا از محل موقوفات مردم است یا از اعانات و کمک‌های مردمی که به عشق اهل بیت علیهم السلام اموالشان را صرف این امور می‌کنند تا به وظیفه اسلامی خود عمل کرده باشند.

به هر حال به مقتضای روایات باید نیت واقفان و کمک کنندگان رعایت شود و اموالشان را در همان راهی صرف کرد که منظورشان بوده است

اساساً در کنار و حاشیه حرم‌های اهل بیت علیهم السلام بیشترین اعانات و کمک‌ها برای فقرا جمع آوری می‌گردد و معمولاً افرادی که اموال خود را وقف ساختن گنبد و بارگاه برای اهل بیت می‌کنند از افراد متمول بوده و در کنار آنکه به فقرا و نیازمندان کمک می‌کنند مقداری از اموال خود را وقف این امور می‌کنند.

بنا براین به مقتضای این ادله ساختن گنبد و بارگاه‌های مجلل برای اهل بیت رجحان شرعی دارد و از سوی دیگر منع شرعی نیز در این رابطه وجود ندارد و ما هم وظیفه داریم که به این تکلیف عمل کنیم و هم وظیفه داریم به فقرا خدمت کنیم و هر دو را در کنار هم انجام می‌دهیم.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۵۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۲؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰

۲۳. چرا از حرم امامان علیهم السلام دفاع می‌کنیم؟

پرسش بیست و سوم:

چرا حرم ائمه برای ما مقدس است که به خاطر حفظش و دفاع از آن از جان نیز می‌گذریم؟ آیا اینکار جسد پرستی نیست؟ آیا این کار ما به قول وهابیت دامن نمی‌زند که ما پیکر مطهر ائمه را می‌پرستیم؟

پاسخ:

در تمام ملل و ادیان مرسوم است که از قبور بزرگان خود مواظبت کرده و قبور آنان را از بی‌احترامی و تخریب حفظ می‌کنند و بی‌احترامی به قبور آنان را امری ناپسند تلقی می‌کنند و این عمل ارتباطی با جسد پرستی ندارد. اهمیت این مساله برای اهل بیت علیهم السلام چند برابر می‌باشد و بی‌احترامی به آنان حتی پس از مرگشان امری نابخشودنی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بی‌احترامی و حرمت شکنی نسبت به سه چیز مستلزم شرک به خداوند می‌باشد. بی‌احترامی به کعبه و به قرآن و به اهل بیت»^۱

امام صادق فرمود:

«برای خداوند حرمت پنج گانه‌ای هستند که هیچ کس حق حرمت شکنی نسبت به آنها را ندارد و آنان حرمت پنج گانه عبارت است از حرمت پیامبر و حرمت آل پیامبر و حرمت کتاب خدا و حرمت کعبه و حرمت مومن»^۲

پیامبر گرامی فرمود:

«هر کس مراعات حرمت سه گانه الهی را نکند خداوند به هیچ عنوان حرمت او را نگه نمی‌دارد. آن حرمت سه گانه عبارت است از حرمت اسلام و

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۸۶

۲. روضه الکافی، ص ۱۰۷

حرمت پیامبر اسلام و حرمت عترت و اهل بیت^۱
آیا به مقتضای روایات بالا ما وظیفه نداریم که حرمت اهل بیت را حفظ کنیم
و مانع از تخریب قبورشان شوی
پیامبر گرامی فرمود:

«بهشت بر کسی که به اهل بیت من ظلم کند حرام است»^۲
آیا اگر ما از قبور اهل بیت دفاع نکنیم در حالی که می‌توانیم دفاع کنیم و
بگذاریم دشمنان قبورشان را تخریب کنند و به قبور آنان اهانت کنند در حق اهل
بیت ظلم نکرده‌ایم!
امام صادق فرمود:

«هرچند می‌توانید در حفظ حرمت ما بکوشید»^۳
و فرمود:

«هر کس به اهل بیت من ظلم کند یا دیگران را بر ظلم کردن به آنان یاری کند
و زمینه ظلم آنان را فراهم کند از من نیست و من از او بیزارم»^۴
ایا اگر از قبور اهل بیت دفاع نکنیم ظالمین را بر اهانت به قبور آنان یاری
نکرده‌ایم

مساله بی‌احترامی نکردن به قبور اهل بیت به قدری مهم است که حتی اجازه
نماز خواندن در حالی که پشت به قبورشان کرده باشیم داده نشده است:^۵
پیامبر گرامی فرمود:

۱. الخصال، ج ۱، ص ۷۱

۲. امالی طوسی، ص ۱۶۴

۳. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۳

۴. همان مدرک، ص ۲۰۴

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶۰ باب ۲

«هرکس قبور اهل بیت را آباد کند و مانع از تخریب آن‌ها شود مشمول شفاعت من می‌شود و وارد حوض کوثر در قیامت شده و از زوار من در بهشت خواهد بود»^۱
و فرمود:

«هرکس در راه اهل بیت شهید بشود بر درجات و مقامات او هفت درجه افزوده می‌شود و در هفتاد نفر از اهل بیتش شفاعت می‌کند»^۲
بنابراین دفاع ما از قبور امامان و جلوگیری از اهانت به آن یک وظیفه عقلی و شرعی است و ربطی به مرده پرستی و امثال این تعبیرات ندارد.
گذشته از آنکه ما امامان را مرده نمی‌پنداریم بلکه معتقدیم که آنان زنده بوده و صدای ما را می‌شنوند و حاضر و ناظر بر اعمال ما هستند که می‌توانید جهت آگاهی بیشتر به پاسخهای گذشته رجوع فرمایید.

۲۴. آیا قبر امام حسین علیه السلام بارها تخریب شده است؟

پرسش بیست و چهارم:

برخی مطرح می‌کنند که مثلاً شیعه برای مظلوم‌نمایی می‌گوید دشمنان قبر امام حسین را چندین بار تخریب کردند این چقدر سندیت دارد! اساساً انگیزه آنان از این عمل چه بوده است؟!

پاسخ:

در این شکی نیست که زیارت قبر امام حسین علیه السلام همواره مورد تأکید و توصیه سایر امامان گرامی علیهم السلام بوده است، چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:
«شیعیان ما را به زیارت قبر امام حسین توصیه کنید زیرا زیارت قبر او برای

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۴۵۰

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۱

هر شیعه‌ای که مقرر به امامت او است لازم است»^۱

الهام بخشی تربت خونین سید الشهداء در راه مبارزه با ستم، سبب شد که شیعه، همواره مرقد آن شهید را تکریم و برگرد آن تجمّع کند. توصیه‌های اکید ائمه نیز نسبت به زیارت قبر امام حسین این شور و الهام را می‌افزود. همین سبب شد که حکام ستمگر همواره احساس خطر کنند و این کانون را از هم بپاشند. از دوران بنی امیه که زیارت آن حضرت، ممنوع و تحت کنترل بود، تا زمان هارون الرشید که حتی درخت سدري را که سایه بان زائران بود قطع کردند؛^۲

مهم‌ترین جسارت نسبت به مزار امام حسین علیه السلام در تاریخ، مربوط به متوکل عباسی است. وی از سال ۲۳۲ تا ۲۴۷ ق، تحت تأثیر اهل حدیث متعصب بغداد، بر امور، سیطره داشت. منابع تاریخی، وی را دشمن اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند و گفته‌اند که دشمنی #سختی با علی بن ابی طالب علیه السلام و خانواده‌اش داشت.^۳

متوکل عباسی، پاسگاهی در نزدیکی کربلا زده و به افراد خویش فرمان اکید داده بود که هر کس را دیدید قصد زیارت حسین را دارد، بکشید.^۴ به امر متوکل، هفده بار قبر حسین علیه السلام را خراب کردند.^۵

در یکی از این نوبتها، «دیزج یهودی» را مأمور تغییر و تبدیل و تخریب قبر مطهر کرد. او نیز با غلامان خویش سراغ قبر رفت و حتی قبر را شکافت و به حصیری که پیکر امام در آن بود برخورد کرد که از آن بوی مشک می‌آمد. دوباره

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳

۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۸

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۱۸

۴. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰۴

۵. همان، ص ۴۱۰

خاک روی آن ریختند و آب بستند و آن زمین را می خواستند با گاو، شخم بزنند که گاوها پیشروی نمی کردند.^۱

هارون الرشید نیز یک بار به والی کوفه فرمان داد تا قبر حسین بن علی را خراب کند. اطراف آن را عمارتها ساخته و زمینهایش را زیر کشت و زراعت بردند.^۲

ابن عساکر، نوشته است که متوکل، در سال ۲۳۶ ق، دستور انهدام قبر امام حسین علیه السلام را صادر کرد. پس، خانه های اطراف قبر را تخریب و همه را مزرعه کردند و مردم را از زیارت آن قبر، منع کرده، آن جا را به صحرا، تبدیل نمودند. مسلمانان، از این کار، ناراحت شدند و مردمان بغداد، بر روی بام منازل و مساجد، متوکل را دشنام دادند و شعرا، او را هجو کردند.^۳

به متوکل خبر دادند که مردم در سرزمین «نینوا» برای زیارت قبر حسین جمع می شوند و از این رهگذر، جمعیت انبوهی پدید می آید و کانون خطری تشکیل می شود. متوکل به یکی از فرماندهان ارتش خود در معیت تعدادی از لشکریان مأموریت داد تا مرقد مطهر را بشکافند و مردم را متفرق ساخته، از تجمع بر سر قبر آن حضرت و زیارت قبر او جلوگیری کنند. او هم طبق دستور، مردم را از پیرامون قبر پراکنده ساخت. این حادثه در سال ۲۳۷ هجری بود. ولی مردم در موسم زیارت، بازهم تجمع کرده، علیه او شورش کردند و بی باکانه به مأموران خلیفه گفتند: اگر تا آخرین نفر هم کشته شویم، دست بر نمی داریم. و بازماندگان ما به زیارت خواهند آمد. وقتی حادثه به متوکل گزارش شد، به آن فرمانده نوشت که دست از مردم بردارد و به کوفه بازگردد و چنین وانمود کند که مسافرتش به کوفه در

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۴

۲. تنمه المنتهی، ص ۲۴۰

۳. تاریخ دمشق، ج ۷۲، ص ۱۶۷

رابطه با مصالح مردم بوده ... تا اینکه در سال ۲۴۷ باز تجمّع مردم زیاد شد. به نحوی که در آن محلّ، بازاری درست شد. مجدّداً بنای سخت‌گیری گذاشتند. روز به روز بر زائران افزوده می‌شد، متوکّل سرداری فرستاد و میان مردم اعلام کردند که ذمه خلیفه از کسی که به زیارت کربلا رود بیزار است. بازهم آن منطقه را ویران کردند و آب بستند و شخم زدند و قبر را شکافتند.^۱

آری ... «زیارت این خاک است که توده مردم را یاری می‌دهد تا به انقلاب حسین علیه السلام و به جهاد و مبارزه او علیه ظلم بیندیشند و به رسوا کردن دستگاه حاکم بنشینند. چنین است که این خاک - خاک کربلا - سمبل و شعار می‌شود و طواف آرامگاه حسین، با صد طواف کعبه مقابل می‌شود و حتّی بر آن ترجیح می‌یابد»^۲

۲۵. آیا امام حسین علیه السلام زمین کربلا را خریداری کرد؟

پرسش بیست و پنجم:

پرسش:

این که برخی می‌گویند امام حسین محل قبر خود را قبل از شهادت خریداری کرده است چقدر سندیت دارد؟

پاسخ:

در برخی از روایات آمده است که امام حسین علیه السلام زمین کربلا را خرید و سپس به فروشندگان واگذار و با آنان شرط کرد که زائران قبر شریفش را راهنمایی کنند و سه روز آنان را مورد پذیرایی قرار دهند.

شیخ بهایی در کشکول خود می‌آورد:

۱. تتمه المنتهی، ص ۲۴۱

۲. مجموعه آثار شریعتی، ج ۷، ص ۲۰

«روایت شده است که حسین نواحی از کربلا که مدفنش آنجا است را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خرید و سپس آن را به آنها بخشید با این شرط که زائران قبرش را به سوی قبرش راهنمایی کنند و سه روز از آنان پذیرایی کنند»^۱

۲۶. آیا در زمان حیات امام حسین مردم به خانه ایشان تبرک می‌کردند که ما پس از شهادتشان به در و دیوار حرمشان تبرک کنیم؟

پرسش بیست و ششم:

در آداب زیارت در مفاتیح الجنان آمده است غسل کنید و وقت تشریف عتبه را ببوسید و دعاهاى وارد شده را بخوانید.

یک سؤال:

آیا وقتی پیامبر و امامان علیهم السلام زنده بودند هر فرد که می‌خواست خدمت ایشان برسد این کارها را می‌کرد و از آداب بود؟!!!

پاسخ:

تبرک جستن به آثار اولیاء الهی در حال حیات و بعد از مماتشان مصادیق متعددی دارد.

۱. تبرک در حال حیات:

بخاری نقل می‌کند:

«پیامبر نماز ظهر و عصر را خواند و مردم اطراف او جمع شده و دستان او را گرفته و بر صورت خود می‌مالیدند»^۲

و نقل می‌کند:

۱. کشکول، ج ۱، ص ۲۸۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲۱؛ سفینه البحار، ج ۷، ص ۲۰۸

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۵

«مردم باقیمانده آب وضوی پیامبر را گرفته و به صورت و بدن خود می کشیدند»^۱

ونقل شده است:

«پیامبر موهای سر مبارک را کوتاه می کرد و اصحاب دورش را فرا گرفته تا اگر مویی از سر حضرت جدا شود بر دستان آنها قرار گیرد»^۲
ابو ایوب انصاری می گوید:

«بعد از آن که رسول خدا وارد خانه ما شد من برایش غذا می آوردم. هنگامی که ظرف غذا را بر می گرداندم من و همسرم از محل دست های پیامبر در غذا به نیت تبرک برداشته و استفاده می کردیم»^۳

قرآن نیز نقل می کند که یعقوب نبی به پیراهن یوسف نبی تبرک می کرد:^۴
بنا براین می بینیم تبرک جستن به آثار اولیاء در حال حیات مصادیق متعددی دارد. تبرک به آب وضو، تبرک به مو، تبرک به اشیایی که با آنان در ارتباط است و...

۲. تبرک بعد از ممات:

تبرک جستن به آثار اولیاء بعد از مرگ آنان نیز مصادیق متعددی دارد.

علامه مجلسی روایت می کند که امام علیه السلام فرمود:

«مستحب است که اطراف قبر و ضریح امام بوسیده شود و به آن تبرک شود»^۵

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۵

۲. صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۵، ص ۸۳؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵۹۱

۳. طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۴۰۶

۴. یوسف، آیه ۹۳

۵. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۶

«وقتی به نزد قبر پیامبر حاضر شدی به منبر پیامبر نزدیک شو و با دو دست آن را مسح کن و بر چشمانت بکش»^۱

همین طور روایات متعددی آمده است در مورد استحباب تبرک جستن به قبر و ضریح امامان چنان که شیخ حر عاملی بابتی را گشوده است:

«باب در استحباب تبرک به قبر امام رضا علیه السلام و قبور سایر امامان»^۲

بنا بر این تبرک جستن به آثار اولیای بعد از ممت نیز مصادیق متعددی دارد که روشن ترین مصداق آن تبرک به قبور و ضریح آنان می باشد.

۳. مساله دیگر آن است که غسل کردن و لباس پاکیزه پوشیدن نیز از آداب زیارت است.

امام صادق در مورد کسی که قصد زیارت قبور اهل بیت را داشت فرمود:

شایسته است که سخن گفتن را کم کنی و جز خیر نگویی و بسیار ذکر خداوند را گویی و لباس پاکیزه پوشی و قبل از زیارت غسل کنی و با خشوع باشی و فراوان بر محمد و الش صلوات بفرستی و...^۳

انجام دادن این امور از مصادیق تعظیم اهل بیت پس از مماتشان می باشد اگر چه ممکن است تعظیم آنان در حال حیات مصادیق دیگری داشته باشد.

۴. همینطور در روایات متعددی کیفیت زیارت قبور هریک از اهل بیت و خواندن زیارت نامه ها توسط خود اهل بیت بیان شده است که علامه بزرگوار مجلسی مفصلاً آنها را در ابواب متعددی نقل می کند:^۴

خلاصه آن که آنچه لازم است به آن توجه شود این است که تبرک جستن و

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۱ باب ۸۳

۳. کامل الزیارات، ص ۱۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲۷

۴. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۰۰ به بعد «کتاب المزار»

تعظیم اهل بیت در حال حیات و مماتشان مصادیق متعددی دارد و این مصادیق را نیز خود اهل بیت بیان کرده‌اند. ممکن است انجام برخی کارها مختص به حال حیاتشان باشد و انجام برخی دیگر مختص به بعد مماتشان باشد اما به هر حال با توجه به نکات مطرح شده اشکالی بر این مساله وارد نمیشود.

۲۷. آیا در زمان حیات امام حسین علیه السلام جنب و حائض حق نداشتند به زیارت ایشان بروند؟

پرسش بیست و هفتم:

احکامی که پس از ساختن حرم امامان نازل شده است این موارد است: زن حائض و جنب نباید به حرم وارد شود چون هتک حرمت است. ببینم آیا در زمان حیات پیامبر و امامان علیهم السلام وقتی اهل منزل حیض یا جنب بودند نباید در محضر معصومین می‌بودند و آنها از خانه اخراج می‌شدند؟!!! این دروغها از کجا است؟

پاسخ:

مراجع تقلید بر اساس روایات متعددی که در مجامع روایی ما نقل شده است فتوا به حرمت ورود جنب و حائض در حرم‌های اهل بیت داده‌اند.^۱ مستند این حکم روایات متعددی است که دستور می‌دهد که افراد بی‌طهارت تا زمانی که غسل نکرده‌اند حق ندارند در محضر امام حاضر شوند. بکر بن محمد می‌گوید:

«ما به قصد زیارت امام صادق از شهر خارج شدیم. وقتی وارد بر امام شدیم ابوبصیر آنجا حاضر بود اما جنب بود و ما از جنابت او اطلاع نداشتیم. امام روی به ابوبصیر کرد و گفت:

۱. توضیح المسائل مراجع، بنی هاشم، ج ۱، ص ۲۱۲

آیا نمی دانی که پسندیده نیست انسان جنب با حالت جنابت وارد خانه انبیا (و اولیاء) شود

ابوبصیر پس از این سخن امام بازگشت و ما وارد بر امام شدیم^۱
در روایت دیگر خطاب به او فرمود:

«ای ابوبصیر آیا نمی دانی که بیوت انبیا و فرزندان آنان دارای شان و مقام است و جنب نباید وارد آن بیوت شود»^۲

در روایت دیگر فرمود:

«برخیز و غسل کن (سپس بر من وارد شو)»^۳

در روایت دیگر آمده است:

«امام بر ابوبصیر نگاه خشمگینانه ای کرد و فرمود در حالت جنب وارد بر

بیوت انبیا می شوی.

ابوبصیر گفت به خدا پناه می برم از غضب خداوند و غضب شما.

او استغفار کرد و دو مرتبه این عمل را تکرار نکرد»^۴

جابر می گوید:

اعرابی در حالت جنابت وارد بر امام سجاد علیه السلام شد.

امام علیه السلام به او فرمود:

آیا حیا نمی کنی و در حالت جنابت بر امامت وارد می شوی^۵

۱. بصائر الدرجات، ص ۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۲؛ قرب

الاسناد، ص ۲۱

۲. الارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۸۵

۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ الخرائج و الجرائح، ص ۲۲۶

۴. رجال کشی، ص ۱۷۰-۲۸۸

۵. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۲

این روایات مطلق است و هم شامل حیات امامان می شود و هم ممات آن بزرگواران و در هیچیک از این حالت افراد بی طهارت حق ورود به حریم و مشاهد ائمه را ندارند.

محدث بحرانی می نویسد:

«شکی نیست که همان احترامی را که امامان در حال حیات دارند در حال ممات هم دارا هستند. همانگونه که در حال حیات جنب نمی تواند بر آنان وارد شود در حال ممات هم نمی تواند»^۱

بر اساس این روایات اهل منزل امام نیز از این حکم مستثنی نمی باشند و آنان نیز بدون عذر نباید غسل را تاخیر بیندازند و الا حق مجالست با امام را ندارند.

۲۸. آیا براستی تربت امام حسین علیه السلام شفا می دهد؟

پرسش بیست و هشتم:

آیا به راستی دلیلی وجود دارد که آب زمزم و خاک کربلا شفا می دهد یا خرافات است؟ وهابیت در این نوع مسائل زیاد به ما اشکال می کنند؟

پاسخ:

خرافه چیزی است که فاقد سند و مدرک باشد و مردم بدون هیچ اصل و ریشه ای به آن معتقد باشند ولی در مورد آب زمزم و تربت کربلا مستندات متعددی وجود دارد. تجربه نیز در این موارد شاهد دیگری بر این مدعا می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«آب زمزم شفای هر بیماری است»^۲

۱. الحدائق الناضره، ج ۳، ص ۵۳

۲. الکافی، ج ۶، ص ۳۸۶

و فرمود:

«از آب زمزم است که شفا ایجاد می شود و بلا یا دفع می شود»^۱

و یا در مورد تربت امام حسین علیه السلام فرمود:

«خداوند تربت حسین را مایه شفا برای هر دردی و امان برای هر خوفی قرار

داده است»^۲

و هابیت چگونه بر این مساله اشکالی می کنند در حالی که روایات ذیل را در

کتب خود نقل کرده اند:

بخاری روایت می کند که پیامبر فرمود:

«چون مگس در ظرف یکی از شما افتاد باید تمام مگس را در غذا و یا آب آن

ظرف فرو برد چرا که یکی از دو بال مگس درد و دیگری شفا است»^۳

و یا نقل می کنند که فرمود:

«گرد و غبار شهر مدینه شفای بیماری جذام است»^۴

و یا فرمود:

«آب زمزم شفای هر دردی است»^۵

۲۹. آیا کربلا در هنگام قیامت متلاشی می شود؟

پرسش بیست و نهم:

در پی وقوع زلزله‌ی متعلق به قیامت هرچی که بر سطح زمین هست متلاشی

میشه درست است؟ پس تکلیف کعبه و هم چنین عتبات عالیات و کربلا چه

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۲۶

۳. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۱۸۰

۴. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۶

۵. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۲۵؛ المصنف، ج ۵، ص ۴۶۶؛ در المنثور، ج ۳، ص ۲۲۱

میشود؟ آنها هم خراب میشوند؟!؟

پاسخ:

در هنگامه قیامت زلزله‌های عظیمی صورت می‌گیرد که صورت کلی زمین را بر هم می‌زند.

خداوند می‌فرماید:

«آن روز که زمین و کوهها سخت به لرزه می‌افتند»^۱

ومی‌فرماید:

«هنگامی که زمین به شدت به لرزه در آید و کوهها در هم کوبیده شود»^۲

ومی‌فرماید:

«به خاطر بیاور روزی را که کوهها را به حرکت در آوریم و زمین را آشکار و مسطح می‌بینی»^۳

مسطح شدن زمین کنایه از ویرانی است که در آن صورت می‌گیرد.

حال آیا کعبه و مشاهد ائمه گرامی نیز در این حوادث زمین خراب می‌شوند؟! از روایاتی استفاده می‌شود که آنها خراب نشده بلکه به آسمان‌ها عروج داده می‌شود.

امام سجاده علیه السلام در مورد عروج کربلا در آستانه قیامت فرمود:

«خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از این که زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گردانید، و هرگاه خداوند بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (کنایه از قیامت) زمین کربلا را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین

۱. مزمل، آیه ۱۴

۲. واقعه، آیه ۴

۳. کهف، آیه ۴۷

باغ‌های بهشت قرار داده و بهترین جای سکونت قرار می‌دهد و در آن جا کسی غیر از انبیای مرسل یا پیامبران اولو العزم سکونت نکنند. این زمین در میان باغ‌های بهشت می‌درخشد همان‌گونه که ستاره درخشانده بین ستارگان نورافشانی می‌نماید، نور این زمین چشم‌های اهل بهشت را تار می‌کند و با صدایی بلند می‌گوید: من زمین مقدس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سید الشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.^۱»

اگر چه در مورد عروج کعبه و سایر مشاهد امامان غیر از کربلا روایتی وارد نشده است اما بر اساس روایت بالا شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که آن‌ها نیز به سبب مقام و احترامی که دارند عروج خواهند کرد خصوصاً آن که در روایات دیگری، مقام و فضیلت تربت مدفن تمام امامان برابر دانسته شده است:^۲

۳۰. آیا طواف دور قبر امام حسین علیه السلام صحیح است؟

پرسش سی‌ام:

نظرتون در مورد طواف دور قبور ائمه چیست؟؟ امروزه شیعیان فوج فوج دور قبر امام حسین و امام رضا می‌چرخند و طواف می‌کنند و وهابیت این عمل رو شرک می‌دانند؟

پاسخ:

اگر طواف و چرخیدن دور قبور به نیت عبادت صاحب قبر انجام شود، شکی در حرمت آن نمی‌باشد اما اگر طواف‌کننده فقط به این قصد که صاحب قبر محبوب او است و روی علاقه و محبت به او به دور قبرش طواف می‌کند و می‌چرخد، بی‌شک چنین عملی حرام نمی‌باشد مانند کسی که در زمان حیات از

۱. کامل الزیارات، ص ۲۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۵

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۱ باب ۸۳

روی محبت و علاقه به دور فرزند خود می‌گردد و به زبان هم می‌گوید الهی دورت بگردم.

روایات متعددی مشروعیت طواف به دور قبور ائمه را اثبات می‌کند.

یحیی بن اکثم می‌گوید

«روزی قصد طواف و چرخیدن دور قبر رسول خدا را داشتم که در این هنگام محمد بن علی بن الرضا (امام جواد را) دیدم که دور قبر رسول خدا طواف می‌کرد»^۱

امام صادق علیه السلام در شرح جریان غصب فدک فرمود؛

«فاطمه وارد مسجد شد و به دور قبر پیامبر طواف کرد در حالی که گریه می‌کرد»^۲

همینطور از امامان علیهم السلام روایت شده است که مستحب است، در هنگام زیارت قبورشان چنین شود؛

«قبر را بیوس و بگو پدر و مادرم به فدایت ای آل مصطفی ما به دور قبور و مشاهدتان طواف می‌کنیم...»^۳

البته در روایاتی طواف به قبور نهی شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود؛

«ایستاده آب منوش و به قبور طواف مکن و در آب برکه بول مکن»^۴

که دو احتمال در مورد آن می‌رود؛

۱. منظور نهی از طواف کردن به قبور افراد به جز پیامبر گرامی و امامان علیهم السلام

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۵۳

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۶؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۲؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۳۹

۳. المزمار، مشهدی، ص ۳۹۹؛ مصباح الزائر، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۲

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۳۴

می باشد، زیرا مشروعیت طواف به قبور آن بزرگواران ثابت شد.
۲. منظور از طواف نکردن به قبور، غائط نکردن بر روی آنها می باشد، زیرا یکی از معانی ماده «طوف» غائط می باشد.^۱

۳۱. آیا فرات متبرک است؟

پرسش سی و یکم:

برخی میرن کربلا و برامون آب فرات میارن به عنوان تبرک آیا در روایات آمده است که این آب هم مانند آب زمزم متبرک است؟؟

پاسخ:

این مساله در روایات مورد اشاره قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام فرمود؛

«خداوند در هر شب ملکی را روانه زمین می کند که با او سه مثقال مشک از مشک های بهشتی است و آن را در فرات می ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب زمین از فرات با برکت تر نیست»^۲

و فرمود؛

«اگر در نزدیکی فرات بودم اول و آخر روز به آنجا میرفتم و (تبرک

می جستم)»^۳

و فرمود؛

«کنار وادی ایمن که خداوند در قرآن فرموده همان فرات بوده است و مقصود

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۷

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۳۸

۳. کامل الزیارات، ص ۴۷

از بقعه مبارکه کربلا است»^۱

و فرمود؛

«آب برترین نوشیدنی دنیا و آخرت است و چهار نهر در دنیا از نهرهای بهشتی هستند که از جمله آنها فرات و نیل می باشد»^۲

و فرمود؛

«هر کس از آب فرات بنوشد و به آن تهنک کند محبتش به ما اهل بیت بیشتر می شود»^۳

و فرمود؛

«اگر مردم به برکتی که در فرات است واقف بودند مسلماً در اطراف آن خیمه می زدند و از آن توشه بر می داشتند و اگر گناهکاران در آن داخل نشده بودند هر مریض و آفت زده ای که داخلش می شد و در آن فرو می رفت مرضش بهبود می یافت و آفتش برطرف می گشت»^۴

۳۲. آیا باید کنار قبر امام حسین علیه السلام نماز را کامل خواند؟

پرسش سی و دوم:

آیا دلیل از روایات وجود دارد که ثابت کند مسافر می تواند نزد قبر امام حسین نمازش را کامل بخونه فلسفه آن چیست؟؟؟

پاسخ:

نماز خواندن در حرم مطهر امام حسین علیه السلام و نزد قبر آن بزرگوار دارای ثواب

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۰۵

۲. کامل الزیارات، ص ۴۷

۳. همان مدرک

۴. التهذیب، ج ۶، ص ۳۸

فراوانی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای هر رکعت نمازی که نزد قبر حسین بجا آورده می شود خداوند پاداش هزار حج و هزار عمره و هزار آزاده سازی برده را می دهد»^۱

به خاطر همین ثواب نماز خواندن در نزد قبر مطهر حسین علیه السلام است که مسافر مخیر است که در آنجا نماز را قصر یا تمام بخواند و بهتر است که تمام بخواند تا با خواندن رکعات بیشتر، پاداش بیشتری به دست آورد
امام صادق علیه السلام فرمود؛

«از خزائن علم الهی است، تمام خواندن نماز در چهار موضع که عبارتند از حرم الله و حرم پیامبر و حرم امیر مومنان و حرم حسین بن علی»^۲
و فرمود؛

«حسین را پاکیزه زیارت کن و نماز را در کنار قبرش تمام بخوان»^۳
به این مضمون روایات متعدد دیگری نیز نقل شده است^۴

۳۳. آیا بوسیدن تربت کربلا شرک است؟

پرسش سی و سوم:

یکی از وهابی ها از من سوال کرد که چرا شیعیان بعد نماز مهر را می بوسند آیا این بت پرستی محسوب نمی شود؟
پاسخ:

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۷۳؛ کامل الزیارت، ص ۲۵۱

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۴

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۷

۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۴ باب ۲۵

مهری که شیعیان بر روی آن سجده می‌کنند، معمولاً تهیه شده از تربت پاک حسین علیه السلام است که تربتی متبرک و با شرافت است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تربت حسین را شفای هر دردی قرار داده است و آن تربت مایه امنیت از هر خوفی است»^۱

و فرمود:

«در خاک قبر حسین شفای هر دردی است و آن تربت دوائی اکبر است»^۲

و فرمود:

«خداوند در برابر شهادت حسین علیه السلام امامت را در فرزندان او قرار داد و تربتش را مایه شفای بیماری‌ها و دعا نزد قبرش را مستجاب قرار داد»^۳

و یا برگرفته از خاک قبور سایر امامان علیهم السلام است که به حکم روایاتی که می‌گوید «ان تربتنا کانت واحده» همان شرافت و تبرک تربت کربلا را دارا می‌باشد.^۴

بر این اساس است که شیعیان به قصد تبرک و استشفای بر تربت پاک امامان علیهم السلام بوسه می‌زنند، با توجه به این که تبرک جستن به آثار اولیای ریشه در آیات قرآن و سنت دارد، نمی‌توان این عمل را بت پرستی تلقی کرد.

قرآن یاد می‌کند که حضرت یعقوب پیراهن متبرک شده به حضرت یوسف را بر چشمان خود گذاشت و بینایی خود را باز یافت^۵

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۲۶

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲۴

۳. امالی طوسی، ص ۳۱۷

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۱

۵. یوسف، آیه ۹۳

و از بنی اسرائیل یاد می‌کند که همواره به تابوتی که اثار آل موسی و آل هارون در آن بوده تبرک جسته و تا مادامی که آن تابوت نزدشان بود در عزت و رفاه بودند و خداوند متعال نشانه پادشاهی طالوت برای آنان را همراهی او با آن تابوت دانست^۱

بخاری صاحب صحیح‌ترین کتاب نزد اهل سنت روایت می‌کند که از عبدالله بن عمر در مورد استلام و تبرک به حجر الاسود سوال شد و او در پاسخ گفت:

«رایت رسول الله یستلمه و یقبله»

«پیامبر را مشاهده کردم که حجر الاسود را استلام می‌نمود و می‌بوسید»^۲
برخی از علما چنین مسأله را مطرح می‌کنند که به آنان بگویید که اگر لمس کردن و یا بوسیدن اشیای متبرک شرک بود هرگز پیامبر خدا به چنین کاری مبادرت نمی‌کرد و سوال کنید

اگر بوسیدن شرک است پس چرا شما جلد قرآن را می‌بوسید؟
به چه علت زن و فرزند خود را می‌بوسید^۳

۳۴. آیا نباید کربلا را محل سکونت قرار داد؟

پرسش سی و چهار:

آیا روایات نهی کرده‌اند از اینکه کربلا رو محل زندگی انتخاب کنید؟؟ اگر نهی کرده است این نهی به چه معناست؟؟
پاسخ:

۱. بقره، آیه ۲۴۸

۲. صحیح بخاری، ج ۲ کتاب الحج، باب تقبیل الحجر، ص ۱۵۱-۱۵۲

۳. سوالات ما، حسین تهرانی، ص ۵۴۶

در روایاتی سکونت در کربلا مستحب شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سکونت در کربلا که در جانب کوفه است خوب است زیرا در آنجا قبری است که هیچ گرفتاری به زیارتش نمی‌رود مگر آنکه خداوند مشکلش را بر طرف می‌کند»

از سوی دیگر در روایاتی سکونت در کربلا مکروه شمرده شده است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«پس از زیارت حسین باز گرد و آنجا را وطن خود قرار مده»^۲

وجه جمع بین این دو دسته روایت به این است که چون کربلا دارای شرافت و رفعت معنوی است، گناه کردن در آن سرزمین شایسته و پسندیده نیست و عقاب گناه را دو برابر می‌کند، کسانی که قدرت کنترل نفس خود را ندارند بهتر است کربلا را وطن قرار ندهند، اما اگر انسان بتواند نفس را از گرایش به گناهان و هوای نفس باز دارد، سکونت کربلا برای او بی‌اشکال و بلکه مستحب است.

چنان که همین سخن در مورد مکه مکرمه نیز می‌باشد. در روایاتی سکونت در آن مستحب شمرده شده است؛

با این وجود خداوند می‌فرماید:^۳

«هر کس بخواهد در این سرزمین از طریق حق منحرف گردد و دست به ستم بزند ما از عذاب درد ناک به او می‌چشانیم»^۴

لذا در روایات سکونت در مکه برای کسانی که قدرت کنترل نفس خود را

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۴۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴۰

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۰

۴. حج، آیه ۲۵

ندارند و با گناه کردن احترام آن سرزمین مقدس را نگه نمی‌دارند مکروه شمرده شده است تا مبادا گرفتار عذاب خداوند شوند؛^۱

۳۵. آیا نباید در کربلا گوشت خورد؟

پرسش سی و پنج:

آیا نباید در کربلا در زمان زیارت امام حسین گوشت خورد؟؟؟

پاسخ:

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود؛

«به کربلا برو و اسباب و اثاثیه خود را در آن بگذار و به خود روغن نمال و سرمه نکش و تا زمانی که در آنجا حضور داری گوشت نخور...»^۲
موارد ذکر شده از آداب زیارت امام حسین علیه السلام می‌باشد که نشان‌دهنده حزن و اندوه زائر در روزهای زیارت و برای مصیبت ایشان می‌باشد.

۳۶. آیا مخالفین امام حسین علیه السلام با خوردن تربت کربلا ذوب می‌شوند؟

پرسش سی و شش:

لطفاً به این متن پاسخ دهید؛

امام صادق می‌گوید: هرکسی از مخالفین ما که خاک قبر حسین را بخوردد مانند دُنبه ذوب (آب) میشود.^۳

پاسخ:

در این شکی نیست که استشفاء به تربت امام حسین علیه السلام موجب شفاء و امان از امراض و بیماری‌ها می‌باشد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۱ باب ۱۶

۲. کامل الزیارات، ص ۲۲۶؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۵

۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۳۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تربت حسین را شفای هر دردی قرار داده است و آن تربت مایه امنیت از هر خوفی است»^۱

و فرمود:

«در خاک قبر حسین شفای هر دردی است و آن تربت دوائی اکبر است»^۲

و فرمود:

«خداوند در برابر شهادت حسین علیه السلام امامت را در فرزندان او قرار داد و تربتش را مایه شفای بیماری‌ها و دعا نزد قبرش را مستجاب قرار داد»^۳

اما باید توجه داشت که این شفاء و امان تنها برای مومنین و شیعیان است و مخالفان مکتب اهل بیت هر چقدر از تربت امام حسین علیه السلام برای امان و شفاء استفاده کنند، برایشان سودی نخواهد داشت.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خداوند تربت قبر جدم حسین بن علی علیه السلام را شفاء برای شیعیان و دوستان ما قرار داده است»^۴

و فرمود:

«تربت امام حسین برای کسی (یعنی مومنین) مایه شفاء است که معتقد باشد خداوند شفایش را در آن قرار داده است و بوسیله آن تربت به انسان نفع می‌رساند»^۵

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۲۶

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲۴

۳. امالی طوسی، ص ۳۱۷

۴. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۰۴

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۸

براین اساس امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر شیعیان ما از تربت حسین استفاده کنند، آن تربت برای آنها شفای تمام بیماری‌ها است و اگر دشمنان ما از آن استفاده کنند، ذوب و آب می‌شوند چنان که چربی (روی آتش) آب می‌شود»^۱

این سخن اشاره به آن است که از آنجایی که استشفاء به تربت امام حسین علیه السلام برای دشمنان و مخالفین اثری ندارد، طبیعتاً وقتی آنها از آن تربت استفاده کنند، نتیجه‌ای نمی‌گیرند و بر کفر و نفاق و دشمنی آنها افزوده می‌شود و گویی در کفر و نفاق و دشمنی ذوب می‌شوند، و چیزی از فطرت پاک الهی برای آنها باقی نمی‌ماند چنان که چربی بر روی آتش ذوب و آب می‌شود و چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

روایت فوق شبیه آیه قرآن است که می‌فرماید:

«قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید»^۲

۳۷. چرا شب جمعه شب زیارتی امام حسین علیه السلام است؟

پرسش سی و هفت:

این که شب جمعه شب زیارتی امام حسین علیه السلام است آیا دلیل روایی دارد آیا راست است که خداوند و پیامبران به زیارت قبر امام حسین می‌روند؟؟!

پاسخ:

شکی نیست که زیارت امام حسین علیه السلام در هر وقت و زمانی استحباب دارد، اما از این میان شب جمعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و روایات متعددی

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۳۲

۲. اسراء، آیه ۸۲

در ارتباط با آن وارد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند حسین را در هر شب جمعه زیارت می‌کند و فرشتگان و (ارواح) انبیاء و اوصیاء خود را به زیارت حسین می‌فرستد»^۱

علامه مجلسی می‌نویسد:

«این که خدا در شب جمعه به زیارت حسین می‌رود به این معنا است که در آن شب رحمت خاصه خود را بر حسین علیه السلام و زائرین او جاری می‌کند»^۲
در نقل دیگری فرمود:

«هر کس در هر جمعه (و شب آن) قبر حسین را زیارت کند، به یقین آمرزیده می‌شود و با حسرت از دنیا نمی‌رود و با حسین علیه السلام در بهشت همسایه می‌شود»^۳
از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که امام زمان علیه السلام خبر سیمان اعمش را که می‌گوید:

«در خواب دیدم که برگ‌هایی از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان از آتش دوزخ برای هر کس که در شب جمعه امام حسین را زیارت کند نوشته بود» تایید فرموده است.^۴

چنان که گذشت، پیامبران و ارواح آنان نیز با کسب اجازه از خداوند به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند، در نقلی امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ پیامبری در آسمان و زمین نمی‌باشد، مگر آنکه از خداوند می‌خواهند که به آنان در زیارت قبر حسین اجازه دهد، پس از آن فوج فوج به زیارت او آمده و

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۳

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۶۰

۳. کامل الزیارات، ص ۱۸۳

۴. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰۱

باز می‌گردند»^۱

۳۸. آیا هرکس در کربلا دفن شود بدون حساب وارد بهشت می‌شود؟

پرسش سی و هشت:

پارتی‌بازی به سبک الله!!! هرکس در قم و کربلا و نجف دفن شود بدون حساب کتاب شدن وارد بهشت می‌شود؟!

پاسخ:

ما معتقدیم انتقال اموات مومنین، به مشاهد مشرفه و دفن آنها در جوار اولیاء الهی، مستحب است، چرا که با این عملکرد، میت مومن می‌تواند از همجواری با ولی خداوند بهره‌بردار و به برکت تربت او، از عذاب الهی نجات پیدا کند؛

«يجوز نقل الموتي من بلد موتهم إلى أحد المشاهد المشرفة ليدفنوا فيها، بل يستحب؛ و ذلك رجاء لشفاعة صاحب المشهد و تبركاً بتبريته و تباعداً من عذاب الله تعالى»^۲

بر همین اساس می‌بینیم که شیخ مفید، پس از آنکه در منزلش دفن شد، جنازه‌اش به جوار مرقد امامین کاظمین علیهما السلام، منتقل شد، سید مرتضی پس از دفن در منزل، به جوار امام حسین علیه السلام منتقل شد، شیخ بهایی پس از دفن در اصفهان به جوار امام رضا علیه السلام در مشهد منتقل شد؛^۳

خداوند، مومنین را به خاطر ایمانشان، مورد لطف و کرمش قرار می‌دهد و ناخالصی‌های پرونده اعمال آنها را به بهانه‌های مختلف مورد آمرزش قرار می‌دهد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود؛

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۱۱

۲. موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۱۹۴

۳. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۴۸

«چون روز قیامت به پا شود، خداوند تبارک و تعالی رحمتش را می گستراند، تا آن جا که ابلیس هم به رحمت او طمع می بندد.»^۱
و فرمود:

«زمانی که روز قیامت شود خداوند حساب شیعیان ما را بر عهده ما میگذارد آنچه از حقوق پروردگار بر ذمه آنان است محمد شفیع می شود و خداوند آنان را می بخشد و آنچه از حقوق مردم بر ذمه آنان است محمد شفیع می شود و بجای آنان ادا می کند و آنچه از حقوق ما اهل بیت بر ذمه آنان است ما نیز به آنان می بخشیم تا آنان بدون حساب وارد بهشت شوند»^۲

یکی از اسباب بخشش خداوند نسبت به مومنین، بخشش آنها به برکت مدفن و تربت پاک اولیاء خودش است، به این که مدفونین در جوار اولیاء خودش را به برکت آن تربت پاکی که ولی الهی را در خودش جای داده است، مورد لطف و رحمت و آمرزش قرار می دهد، چنان که در نقل دیگری فرمود:

«هر کس در حرم دفن شود، از فزع اکبر (سختی روز قیامت)، نجات پیدا می کند». راوی سوال کرد که نیکوکار و بدکار، همین حکم را دارند؟ امام علیه السلام فرمود: «بله، نیکوکار و بدکار (از مومنین)، از فزع اکبر ایمنی می یابند»^۳

بر همین اساس، موسی علیه السلام، مامور شد که استخوانهای یوسف نبی علیه السلام را به سرزمین مقدس شام منتقل کند؛

«فحملة الى الشام» «الى الارض المقدسه بالشام»^۴

و امام حسن علیه السلام، به امام حسین علیه السلام، وصیت کرد که جنازه ایشان را به مدفن

۱. امالی صدوق، ص ۲۷۴

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۷۴؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۶۲

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۸؛ الفقیه، ج ۱، ص ۸۴

۴. الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۵۵

پاک پیامبر گرامی منتقل کند تا با ایشان تجدید عهد کند؛ «وجهنی الی رسول الله، لاحدث به عهدا»^۱

و یوسف علیه السلام، یعقوب علیه السلام را به بیت المقدس منتقل کرد و در آنجا دفن کرد؛ «فدفنه فی بیت المقدس»^۲

و نوح علیه السلام، جنازه آدم علیه السلام، را به نجف منتقل کرد و آنجا دفن کرد، «فاخذ نوح التابوت فدفنه بالغری»^۳

و شیخ مفید تصریح می کند که در روایت، رخصت داده شده است در نقل جنازه میت به برخی از مشاهد آل رسول صلی الله علیه و آله؛^۴

و علامه مجلسی تصریح می کند که اخبار صحیحی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که تربت مرقد علی علیه السلام، سبب اسقاط عذاب قبر و ترک محاسبه نکیر و منکر است، برای کسی که در جوار مرقد علی علیه السلام دفن شود؛^۵

اهل سنت نیز استحباب نقل میت به سوی مشاهد مشرفه را ذکر کرده اند چنان که در ذیل توضیح داده ایم؛^۶

علامه امینی از حدود دویست تن از بزرگان آنان نقل می کند که جنازه شان به سوی مکان های مقدس نقل مکان شد؛^۷

و در روایات و نقل های آنان آمده است که حضرت آدم که در مکه وفات یافته و در غار ابو قبیس دفن شده بود، بوسیله حضرت نوح تابوتش به کشتی

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۰

۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۶۶

۳. کامل الزیارات، ص ۳۹

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶۳

۵. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۲

6. https://t.me/Rahnameye_Behesht/4220

۷. الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۱ به بعد

حمل گردید و پس از پایان غائله طوفان، آن را در بیت المقدس دفن کرد (اگر چه در نقل شیعه آمده است که در نجف دفن کرد). «دفته فی بیت المقدس»^۱ یا نقل می‌کنند که یعقوب علیه السلام در مصر فوت کرد و به شام برده شد؛ «مات یعقوب بمصر و نقل الی الشام»^۲

و موسی علیه السلام بدن یوسف را که در مصر وفات یافته و در آنجا دفن شده بود، به مقبره خانوادگیش در فلسطین حمل نمود؛ «الی فلسطین مدفن آبائه»^۳ و یوسف علیه السلام، جسد پدرش یعقوب را از مصر به «حبرون» مقبره خانوادگیشان برده و در آنجا دفن کرد؛^۴

حال اگر مومنی در مشاهد مشرفه یا جوار اولیاء الهی دفن شود، و مشمول فیض و رحمت الهی شود، و سایر مومنین این فرصت برایشان مهیا نشود، به تعبیر معاند پارتی بازی رخ داده است

پاسخ می‌دهیم خیر، زیرا مومنینی که دوست داشتند در جوار اولیاء الهی دفن شوند، اما شرایط و فرصت‌ها، این زمینه را مهیا نکرد، چیزی از آنها که در جوار اولیاء دفن شدند، ندارند، زیرا قصد و نیت و انگیزه آنها، دفن شدن در جوار اولیاء بوده است و خداوند به خاطر این نیت مبارک، همان ثواب مدفونین در جوار اولیاء را به مومنینی که در جوارشان دفن نشدند، می‌دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود؛

«بنده مؤمن فقیر می‌گوید، ای پروردگار من! به من [مال و ثروت] روزی کن تا فلان احسان و بهمان کار خیر را انجام دهم. پس، اگر خداوند عزوجل بداند که

۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۶۱

۲. حاشیه ابی الاخلاص الحنفی، طبع شده در حاشیه درر الحکام، ج ۱، ص ۱۶۸

۳. شرح الشمائل، ج ۲، ص ۲۰۸

۴. البدایه و النهایه، ج ۱، ص ۲۲۶؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۱۲ (به نقل از الغدیر)

این سخن را از صدق نیت می‌گویند، همان اجری را برای او می‌نویسد که اگر آن کارهای خیر را انجام می‌داد برایش می‌نوشت. خداوند گشاینده بخشنده است»^۱ پیامبر گرامی در مورد برخی افراد که توفیق نیافتند در جنگ‌ها در رکاب ایشان باشند می‌فرمود؛

«افرادی را در مدینه باقی گذاشتیم که هیچ وادی ای را نپیمودیم و بر هیچ تپه‌ای بالا نرفتیم و در هیچ سرایشی قدم نگذاشتیم، مگر اینکه آنان نیز با ما بودند. عرض کردند: چگونه با ما هستند، در حالی که حضور پیدا نکردند؟ فرمود: نیت هایشان [با ماست]»^۲ و فرمود؛

«هر کس به بستر خود رود و نیتش این باشد که نماز شب بخواند، اما خوابش ببرد تا صبح شود، آنچه در نیتش بوده برای او نوشته شود و خوابش صدقه‌ای از جانب پروردگارش برای او باشد.»^۳

امام علی علیه السلام به مردی که دوست داشت برادرش نیز می‌بود تا پیروزی خدا بر دشمنانش را در جنگ جمل ببیند فرمود؛

«آیا دل برادرت با ماست؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود، پس، او با ما بوده است. هر آینه در این سپاه ما افرادی حضور داشته‌اند که هنوز در پشت پدران و زهدان مادرانند. به زودی روزگار آنان را به جهان هستی آورد و با وجود آنها [جبهه] ایمان نیرو گیرد»^۴

در ذیل بیشتر در این زمینه سخن گفته‌ایم؛^۵

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۵

۲. میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۵۱۹

۳. الترغیب والترهیب، ج ۱، ص ۶۰

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲

۳۹. نقل جنازه به سوی کربلا چه حکمی دارد؟

پرسش سی و نهم:

سوالی داشتم چند وقت پیش یکی از آشنایان ما مرد او را جهت تبرک به حرم حضرت معصومه بردیم بعد دفن کردیم اما عده‌ای از اقوامش که سنی بودند بر این کار اشکال کردند و گفتند نقل جنازه به اماکن متبرکه مشروع و جایز نیست و بینشون دعوا و کشمکش شد خواستم در این مورد توضیح بدید؟

پاسخ:

نقل جنازه از نقطه ای به نقطه دیگر دو حالت دارد:

۱. نقل جنازه پیش از دفن آن در مکان خاص

۲. نقل جنازه پس از دفن برای دفن در مکان دیگر

در اینجا ما آراء ائمه چهارگانه اهل سنت را ذکر میکنیم تا روشن شود نقل جنازه پیش از دفن به اتفاق آراء، جایز است، و در این مورد، فتاوی را از کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» نقل می کنیم:

مالکی‌ها می گویند:

نقل جنازه پیش از دفن و پس از آن از مکانی به مکان دیگر با سه شرط جایز

است:

الف. به هنگام نقل متلاشی نشود.

ب. به آن بی احترامی نشود.

ج. انتقال آن به مکان دیگر به انگیزه تبرک یا نزدیکی به خانواده اش باشد.

حنابله می گویند:

نقل جنازه از نقطه ای به نقطه دیگر جایز است، مشروط بر این که این نقل

انگیزه صحیحی داشته باشد، مثل این که بخواهند آن را در مکان شریفی دفن

کنند، یا در کنار مرد صالحی به خاک بسپارند، مشروط بر این که بوی آن تغییر

نکند، و در این قسمت، فرقی بین پیش از دفن و پس از دفن نیست. شافعیان معتقدند:

نقل جنازه به مکان دیگر جایز نیست، و برخی می گویند مکروه است مگر این که هدف از آن دفن در مکه یا مدینه منوره یا بیت المقدس یا در جوار قبر صالحی باشد، اگر در حال حیات وصیت کرده باشد، که جنازه اش را به جایی ببرند، اجرای آن لازم است. حنفیان فتوا می دهند:

مستحب است انسان در هر نقطه ای که درگذشت، در همانجا به خاک سپرده شود. نقل جنازه به جای دیگر پیش از دفن جایز است، اما پس از دفن اخراج آن از قبر حرام است مگر آن که در زمین غصبی به خاک سپرده شده باشد.^۱

چنان که ملاحظه فرمودید نقل جنازه پیش از دفن مورد اتفاق همه مذاهب چهارگانه است.

اتفاقاً در تاریخ حیات صحابه و تابعان، نقل جنازه از نقطه ای به نقطه دیگر پیش از دفن فراوان است مثلاً مقداد بن عمرو در نقطه ای به نام «جرف» در شش کیلومتری مدینه درگذشت، جنازه او را به دوش گرفتند و به مدینه آوردند و در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

عبدالرحمن بن ابی بکر در حبشی در ۶ کیلومتری مکه درگذشت. او را به مکه آوردند و در آنجا به خاک سپردند.

بالتر از همه، شهدای احد، برخی در سرزمین احد دفن شدند و برخی را به مدینه آوردند و در بقیع به خاک سپردند، و هم اکنون در بقیع جایگاه شهدای احد مشخص است.

۱. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۴۲۱

علامه امینی از هشتاد نفر افراد شناخته شده در تاریخ اسلام نام می برد که آنان را قبل از دفن از مکانی به مکان متبرک منتقل دادند سپس دفن کردند^۱ در منابع روایی ما نیز روایات متعددی در مشروعیت نقل جنازه جهت تبرک و بهره مندی به مشاهد مشرفه وارد شده است^۲ اما نقل جنازه پس از دفن:

هرگاه میت، در حال حیات خود، وصیت کند که او را پس از دفن به یکی از اماکن متبرکه منتقل کنند، وصیت او تنفیذ می شود، زیرا به یک امر پسندیده وصیت کرده که باید تنفیذ شود، ولی هرگاه، وصیتی در کار نباشد. نبش قبر برای انتقال بدن به مکان مقدس خالی از اشکال نیست.^۳

۴۰. اگر تربت کربلا شفا می دهد چرا بیمارستان می سازیم؟

پرسش چهل:

کانال های ضد دین و وهابی اشکال می کنند که اگر به عقیده شیعیان خاک کربلا دواء هر دردی است چرا بیمارستان می سازید و به پزشک مراجعه می کنید هر موقع بیمار شدید تربت کربلا دوا است؟

پاسخ:

در این که تربت کربلا دواء هر دردی است شکی نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تربت حسین را شفاء هر دردی قرار داده است و آن تربت مایه

۱. الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۴ به بعد

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶۲ باب ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۴ باب ۱۲

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۳ (نقل از کتاب راهنمای حقیقت، آیت الله سبحانی)

امنیت از هر خوفی است»^۱

و فرمود:

«در خاک قبر حسین شفای هر دردی است و آن تربت دوائیء اکبر است»^۲

اما باید توجه کرد؛

خداوند اسباب شفای خود را در اسباب مختلف قرار داده است. اعم از آن که آن اسباب مادی باشند و یا معنوی و همگان را دستور به بهره مندی از آن اسباب داده است.

امام صادق فرمود:

«اراده خداوند بر این قرار گرفته است که همه چیز مطابق اسباب جریان یابد به همین جهت برای هر چیزی سببی قرار داده است»^۳

خداوند برای درمان بیماری ها نیز اسبابی مادی قرار داده است تا بندگان با تمسک به آن اسباب مادی و داروها شفا حاصل کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند در دواء های مادی و داروها برکت و شفاء و خیر کثیر قرار داده است و انسان باید از آن دواءها و داروها استفاده کند و اشکالی بر او نیست»^۴

و فرمود:

«خودتان را مداوا کنید زیرا هیچ بیماری نیست مگر آنکه خداوند دوائی آن را ایجاد کرده است»^۵

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۲۶

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲۴

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳

۴. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۶۴

۵. همان مدرک، ص ۶۵

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند بیماری و شفاء از آن بیماری را با هم نازل کرده است و هیچ مرضی نیست مگر آنکه دواء آن نیز وجود دارد بر تو است که از دواء و دارو استفاده کنی»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«پیامبری از انبیا بیمار شد و گفت خودم را درمان نمی‌کنم تا خداوند مرا شفا دهد. خداوند به او وحی کرد تو را شفا نمی‌دهم تا از دارو استفاده کنی زیرا من شفایم را در دارو قرار داده‌ام»^۲

به مقتضای روایات یکی از اسباب شفاء از بیماری تربت امام حسین علیه السلام است.

استفاده از اسباب مادی و داروهای متداول نیز یکی دیگر از اسباب شفاء می‌باشد و اهل بیت همانطور که ما را امر به بهره‌گیری از تربت امام حسین کرده‌اند به بهره‌گیری از اسباب مادی و داروهای متداول نیز توصیه کرده‌اند و فرموده‌اند وظیفه شما این است که از این اسباب استفاده کنید و شفا را از خدا بخواهید. مصلحت او باشد شفا می‌دهد چنان که امام باقر فرمود:

«تنها شفا به دست و مصلحت خداوند است (و وظیفه شما استفاده از اسباب است)»^۳

علامه گرانقدر مجلسی ابواب گوناگونی در بحار الانوار برای بیان درمان بیماری‌های مختلف توسط اسباب مادی گشوده است و روایات اهل بیت را مفصلاً در این زمینه نقل می‌کند.

۱. طب الاثمه، ص ۵۵

۲. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۶۶

۳. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۷۳

به عنوان نمونه در جلد ۵۹ ص ۹۳ باب ۵۳ اسباب مادی علاج از تب و یرقان را بیان می‌کند.

همینطور از باب ۵۴ تا باب ۷۶ راه‌های درمان بیماری‌های مختلف را از طریق بیانات اهل بیت بیان می‌کند^۱:

همینطور آیت الله ری شهری در کتاب دانشنامه احادیث پزشکی راه‌های درمان و علاج بیماری‌های مختلف را از طریق بیانات اهل بیت بیان می‌کند^۲. بنابراین می‌بینیم که اهل بیت ما را به استفاده از اسباب مختلف برای درمان بیماری‌ها توصیه کرده‌اند و فرموده‌اند که وظیفه شما استفاده از اسباب است اما شفا را از خداوند بخواهید.

روشن میشود که ساختن بیمارستان و مراجعه به اطباء تعارضی با شفا بودن تربت کربلا ندارد زیرا همگی از جمله اسباب شفا است و اهل بیت ما را به استفاده از همه آنها توصیه کرده‌اند.

۴۱. چگونه تربت کربلا را بخوریم با این که خاک پر از باکتری است؟

پرسش چهل و یک:

امام صادق و دستور به خوردن خاک کربلا برای درمان بیماری!

سخنان این آخوند، دقیقاً برگرفته از سخنان همان پیامبر و ائمه است اما گویا

متوجه نبودند خاک پر از باکتری و سایر عوامل بیماری‌زاست

امام صادق: در تربت قبر حسین درمان هر دردی است و آن بزرگترین

داروهاست!^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۹۳ تا ۲۱۱

۲. دانش‌نامه احادیث پزشکی، ج ۱ و ۲

۳. ترجمه من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۲۵

بعبارتی ایشان معتقد است در خاک کربلا میکروب و عوامل بیماری زا وجود ندارد؟! **ندارد؟!؟**

پاسخ:

ما معتقدیم که خوردن خاک و گل به خاطر مفاسد و ضررهایی که دارد، ممنوع و حرام است، چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«خوردن خاک کرداری ناهنجار بوده و بیشترین مورد دام شیطان محسوب می شود، خوردن خاک باعث پیدایش بیماری در جسد بوده و مهیج مرض می باشد، کسی که خاک بخورد نیروی قبل از خاک خوردنش ضعیف و از عملی که انجام می دهد ناتوان می گردد و بر آنچه از او در بین ضعف و قوتش صادر شده محاسبه شده و عذاب می گردد.»^۱

اما از این حکم، خوردن تربت پاک امام حسین علیه السلام، آن هم تنها به اندازه یک نخود استثناء شده است، چنان که در نقلی فرمود:

«خدای متعال، آدم علیه السلام را از گل آفرید و گل را بر فرزندان او حرام کرد»

راوی می گوید: «پس در باره گل قبر حسین، چه می گویی؟»

فرمود: «بر مردم، خوردن گوشت یکدیگر، حرام است؛ ولی خوردن گوشت ما (خاک قبر ما) بر ایشان حلال است؟! اما اندکی از آن، به اندازه یک نخود، اشکالی ندارد.»^۲

در نقل دیگر، امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خوردن گل، مانند مُرده و خون و گوشت خوک، حرام است، مگر گل قبر حسین که شفای هر دردی و ایمنی از هر ترسی در آن است»^۳

۱. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۸۹؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳۳

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۴

۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۶۶

و در نقل دیگر فرمود؛

«بیشتر از یک نخود آن را استفاده نمی‌کنی، که هر کس بیشتر از این، از آن استفاده کند، گویی از گوشت‌ها و خون‌های ما خورده است»^۱

ما به حسب این روایات که از مخبرین صادق به ما رسیده است، معتقدیم که خوردن تنها به اندازه یک نخود از تربت پاک امام حسین علیه السلام، نه تنها ضرری ندارد، بلکه شفاء دهنده هم است، و افراد بسیاری هم بوده‌اند که در طول تاریخ از این طریق شفاء گرفته‌اند؛^۲

که دو نمونه از مواردی که در دوره معاصر ما اتفاق افتاده است و افراد با استشفاء به تربت امام حسین شفاء گرفته‌اند را می‌توانید در ذیل بخوانید؛^۳

این که علوم تجربی، از مجرای طبیعی خود، هنوز نتوانسته است که چگونگی شفاء دهنده بودن تربت کربلا را تشخیص دهد و کشف کند، اشکالی به اعتقاد ما وارد نمی‌کند، زیرا بسیاری از مسائل است که هنوز آنان به آن نرسیده‌اند و خودشان تصریح می‌کنند که علم و آگاهی و دانستنی‌های ما در برابر آنچه نمی‌دانیم، بسیار بسیار زیاد است، حتی آنان از شناخت دقیق بدن خودشان عاجزند، تا چه برسد به شناخت دقیق و تفصیلی اشیاء پیرامون.

الکسیس کارل - دانشمند بزرگ فرانسوی - در کتاب انسان موجود ناشناخته می‌گوید؛

«انسان در واقع یک مجموعه سرا پا راز و ابهام است که نمی‌توان او را به سادگی درک کرد.» و در جای دیگر می‌گوید: «در واقع جهل ما از خود، زیاد و هنوز نواحی وسیعی از دنیای درونی ما ناشناخته مانده است و بیشتر پرسش‌هایی که

۱. المزار، مفید، ص ۱۴۷

۲. دانش نامه امام حسین، ج ۱۲، ص ۴۵۹

3. <https://b2n.ir/251434>

3. <https://b2n.ir/323842>

محققین و مطالعه کنندگان زندگی انسان، طرح می‌کنند بدون پاسخ می‌ماند^۱ ممکن است برخی از مومنین بگویند که ما تربت کربلا را استعمال کردیم، اما شفاء نگرفتیم، در حالی که روایات فوق می‌گویند که در تربت کربلا شفاء است پاسخ روشن است. شفاء دهنده اصلی خداوند است و تربت کربلا تنها اقتضای شفاء دهندگی را به اذن الهی دارد، لذا در روایات متعددی تصریح شده است که شفاء تنها به دست خداست و این موارد که به عنوان شفاء دهنده بودن از آنها یاد شده است، تنها اقتضای شفاء را دارد، نه آنکه علت تامه در شفاء باشد؛

«انما الشفاء بيد الله» - «فاشرب و سم الله تعالى» - «فان الشفاء مني»^۲

و در مواردی فرد در مسیر درمان قدم بر می‌داشت، اما نتیجه نمی‌گرفت و می‌مرد، امامان علیهم السلام می‌فرمود زیرا تقدیر او در مرگ بوده است و خداوند مصلحت ندانست که او را شفاء دهد؛ «کان اجله فیما فعلت»^۳

خداوند در مواردی، مرض و بلا را از مومنین دفع نمی‌کند و آنان را شفاء نمی‌دهد تا از این طریق و سختی که آنان می‌کشند، بر درجات و مقامات آنان افزوده شود، چنان که علی علیه السلام فرمود؛

«بلاها برای ظالم تادیب است، و برای مؤمنان امتحان، و برای پیامبران درجه، و برای اولیاء کرامت و مقام است»^۴

۱. خدا را چگونه بشناسیم، ص ۲۱۸

۲. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۶۵-۶۶

۳. الکافی، ج ۶، ص ۵۳

۴. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۹۸

۴۲. آیا سجده بر تربت کربلا بت پرستی است؟

پرسش چهل و دو:

چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند یا بر تربت امام حسین سجده می کنند؟ آیا سجده بر مهر همان بت پرستی و مهر پرستی نمی باشد؟

پاسخ:

۱. از نظر شریعت اسلامی تنها سجده برای خداوند شایسته و جایز است و بر غیر او نمی توان پیشانی بر زمین سایید.

پیامبر گرامی فرمود:

«تنها برای خداوند باید سجده کنید»^۱

امام صادق علیه السلام در پاسخ یک زندیق عرضه داشت:

«تنها سجده برای خداوند جایز است»^۲

۲. شیعیان برای خداوند سجده کرده و این سجده را بر روی مهر بجا می آورند. در تمام احوال، سجده برای خداست و او «مسجود له» است و مهر «مسجود علیه» است و بر آن سجده می شود. بنابراین فرق است بین مسجود له و مسجود علیه

هیچ کس برای مهر سجده نمی کند. آیا می توان گفت که اهل سنت اگر بر فرش و لباس و مانند آن سجده می کنند یعنی برای فرش و لباس سجده می کنند

۳. در روایات ما آمده است که بر غیر زمین نمی توان سجده کرد و تنها بر

زمین و هر آنچه از زمین بروید و خوردنی و پوشیدنی نباشد می توان سجده کرد.

هشام ابن حکم از امام صادق سوال کرد بر چه چیز می توان سجده کرد و بر

چه چیز نمی توان سجده کرد؟

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۸۵

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۳۹

امام فرمود:

«سجود جایز نیست مگر بر زمین یا چیزی که از زمین می‌روید، مگر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها»
هشام می‌گوید: گفتم فدایت شوم حکمت آن چیست؟
فرمود:

«زیرا سجود و خضوع برای خداوند است و سزاوار نیست برای خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها سجده کرد، زیرا دنیاپرستان بنده‌ی خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها هستند و کسی که سجده می‌کند در سجود مشغول عبادت خداست. بنابراین سزاوار نیست پیشانی را در سجده اش بر چیزی بگذارد که معبود دنیاپرستی است فریفته زرق و برق دنیا هستند»

پس امام افزود: «سجده بر زمین افضل است چرا که تواضع و خشوع در برابر خدا را بهتر نشان می‌دهد»^۱

همین مضمون در روایات متعدد دیگری نیز آمده است؛^۲

۴. از روایات اهل سنت نیز استفاده می‌شود که تنها سجده بر زمین و آنچه از زمین می‌روید و خوردنی و پوشیدنی نباشد می‌توان سجده کرد.

بخاری روایت می‌کند که پیامبر گرامی فرمود:

«زمین برای من سجده گاه و مایه پاکیزگی قرار داده شده است»^۳

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

«من با پیامبر نماز ظهر می‌خواندم مشتی از سنگریزه بر می‌داختم و آنها را به

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۱

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۴۳ باب ۱

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱؛ سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۳۳

دست می‌کشیدم تا خنک شود سپس زیر پیشانی نهاده بر آنها سجده می‌کردم^۱
انس بن مالک می‌گوید:

«ما با پیامبر در سخت‌ترین گرما نماز می‌خواندیم هر یک از ما سنگریزه‌هایی
به دست می‌گرفت آنگاه که خنک می‌شد به زمین می‌گذاشت و بر آن سجده
می‌کرد»^۲

خباب بن ارت می‌گوید:
«از زیادی گرمی سجده گاه و زیر دست‌ها به پیامبر شکایت بردیم او به
شکایت ما ترتیب اثر نداد»^۳

بی‌شک هر گاه سجده بر پوشیدنی‌ها مانند دستمال و سجاده و... جایز بود
باید صحابه از آنها برای سجده استفاده می‌کردند و پیامبر به آنها اجازه سجده بر
آن‌ها را می‌داد و با این مشقت بر زمین سجده نمی‌کردند.
عایشه می‌گوید:

«من هرگز ندیدم که رسول خدا به هنگام سجده پیشانی خود را بپوشاند و به
زمین نرساند»^۴

ابن سعد می‌نویسد:
«پیامبر به هنگام سجده عمامه از پیشانی برطرف می‌کرد و بر عمامه سجده
نمی‌کرد»^۵

ابوعبیده می‌گوید:

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۷؛ سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۳۹

۲. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۶

۳. همان مدرک، ص ۱۰۵

۴. مصنف ابن ابی شیبه، ج ۱، ص ۳۹۷

۵. طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۵۱

«عبدالله بن مسعود سجده نمی کرد مگر بر زمین»^۱

۵. در روایات ما توصیه شده است که برای سجده کردن بهتر از هر چیز سجده بر تربت امام حسین علیه السلام است.
امام صادق علیه السلام فرمود:

«سجده بر تربت حسین سبب نورانی شدن زمین های هفتگانه می شود»^۲
و فرمود:

«سجده بر تربت حسین حجاب های هفتگانه را برطرف می کند»^۳
نقل شده است:

«امام صادق علیه السلام تنها بر تربت حسین سجده می کرد»^۴
فلسفه آن نیز روشن است؛

وقتی نماز گزار پیشانی خود را بر خاک مقدس کربلا می گذارد فداکاری های بی نظیر بزرگ مرد تاریخ که همه چیزش را به خاطر اعتلای اسلام فدا کرد و زیر بار ظلم و ستم نرفت را به یاد می آورد و از او درس آزادگی و فداکاری ها را فرا می گیرد.^۵
۶. حال ممکن است سوال پیش آید که به مقتضای ادله بالا می توان بر زمین و خاک و تربت امام حسین سجده کرد اما چرا شیعیان بر مهر سجده می کنند
پاسخ روشن است؛

۱. در این شکی نیست که مهر همان خاک است که به شکل «گل» در آمده است و مشروعیت سجده بر خاک و زمین نیز ثابت شد.

۱. همان مدرک، ج ۱، ص ۳۹۷

۲. الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۸

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۶

۴. همان مدرک

۵. راهنمای حقیقت، ص ۵۲۸

۲. باید جای سجده نماز گزار پاک و پاکیزه باشد و انسان نمی تواند بر شیئی نجس سجده کند^۱

۳. چون در همه شرایط ممکن است سجده بر زمین و خاک پاک میسر نشود شیعیان بخشی از خاک پاک را به صورت قطعه و مهر در آورده تا در همه جا سجده بر خاک پاک امکان داشته باشد.

۴. بی شک جابجایی مهر نیز بسیار راحت تر است از این که انسان مشتی خاک را در جیب گذاشته باشد تا در وقت نماز بر آن سجده کند.

۵. در حالات مسروق بن اجدع از یاران ابن مسعود آمده است:
«او اجازه نمی داد بر غیر زمین سجده کنند حتی هنگامی که بر کشتی سوار می شد چیزی با خود به کشتی می برد و بر آن سجده می کرد»^۲

۴۳. آیا بیماری مسری در حرم امام حسین علیه السلام شیوع پیدا می کند؟
پرسش چهل و سوم:

برخی می گویند اگر بیماری مسری مانند کرونا در حرم امام حسین علیه السلام هم شیوع داشته باشه، پس فرق حرم امام حسین علیه السلام با مکانهای دیگر چیست؟
پاسخ:

در این که امامان گرامی ما دارای قدرت خارق العاده در عالم هستند و می توانند چه در حال حیات و چه بعد از ممات، در عالم تکوین تصرفاتی بکنند، شکی در آن نیست.

قرآن از آصف بن برخیا رضی الله عنه وزیر حضرت سلیمان نبی علیه السلام یاد می کند که تنها دارای بخشی از علم الکتاب و اسم اعظم الهی بود، اما چنان قدرتی داشت که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵ باب ۱ «یشترط طهارته»

۲. طبقات الکبری، ج ۶، ص ۵۳

توانست تخت ملکه سباء را از فاصله دور، در یک چشم برهم زدن نزد سلیمان نبی علیه السلام حاضر کند؛ «قال الذی عنده علم من الكتاب انا اتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک، فلما راه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربی»^۱
امام باقر علیه السلام، فرمود:

«اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است در نزد آصف یک حرف از آنها بود به همان یک حرف زبان گشود فاصله بین او و تخت بلقیس فرو رفت بعد با دست خود تخت بلقیس را گرفت، بعد زمین به حال اول برگشت به سرعت یک چشم به هم زدن، ولی در نزد ما هفتاد و دو حرف است و یک حرف اختصاص به خدا دارد که در نزد خود او است جزء اسرار غیبی است و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم»^۲
امام صادق علیه السلام فرمود:

«نسبت کسی که تنها اندکی از علم الكتاب را دارا بود (یعنی آصف بن برخیا)، با کسی که تمام علم الكتاب را دارا است (یعنی ائمه علیهم السلام) همانند آن مقدار آبی است که یک پشه با بالهای خود از دریا بر می دارد» «... ما یاخذ بعوضه من ماء البحر»^۳

راوی از امام سجاد علیه السلام سوال کرد؛

«آیا ائمه علیهم السلام مرده زنده میکنند و آیا کور و پیس را شفا میدهند و بر روی آب راه میروند؟

امام علیه السلام فرمود:

«بله هر چه خدا به هر پیغمبری داده به حضرت محمّد نیز داده ولی به

۱. نمل، آیه ۴۰

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۲۹

پیامبر اکرم چیزهایی داده که به آنها نداده است. راوی سوال کرد هر چه به پیامبر اکرم داده به امیر المؤمنین علیه السلام نیز داده فرمود آری بعد امام حسن و امام حسین علیه السلام سپس به هر امامی پس از دیگری، تا روز قیامت»

«قُلْتُ الْأَمَّةُ يُحْيُونَ الْمَوْتَى وَيُبْرِئُونَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَيَمْسُحُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالَ مَا أَعْطَى اللَّهُ نَبِيًّا شَيْئًا قَطُّ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَاهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَعْطَاهُ مَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمْ قُلْتُ وَكُلُّ مَا كَانَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ أَعْطَاهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ نَعَمْ ثُمَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ علیه السلام ثُمَّ مِنْ بَعْدُ كُلِّ إِمَامٍ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَعَ الزِّيَادَةِ الَّتِي تَحْدُثُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَفِي كُلِّ شَهْرٍ ثُمَّ قَالَ إِي وَاللَّهِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ»^۱

اما آیا می توان گفت که چون ائمه علیهم السلام قدرت تکوینی دارند و می توانند بیماری ها را شفاء دهند، پس شیعیان مجاز هستند که خودشان را در ورطه بیماری و هلاکت بیندازند به این امید که ائمه علیهم السلام پشتیبان آنها هستند این تصور اشتباه است، بهره گیری ائمه علیهم السلام از قدرت غیبی، منوط و مشروط به اذن الهی است و مطلق نیست، چنان که امام کاظم علیه السلام فرمود؛

«خداوند قلوب امامان را محل اراده و خواست خودش قرار داده است. هر زمان خداوند چیزی را بخواهد آنان هم می خواهند و بدون اذن خداوند کاری نمی کنند» «ان الله جعل قلوب الائمة، موردا لارادته، فاذا شاء الله شيئا، شاءوه
...»^۲

اراده خداوند نیز بر این تعلق گرفته است که اسباب طبیعی در عالم کارایی خود را داشته باشند و ائمه علیهم السلام، اجازه نداشتند که به صورت مطلق، با قدرت غیبی خود، خرق عادت کنند و اسباب طبیعی را بی اثر کنند، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود؛

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۶۹

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۴

«خدا خواسته است که همه کارها از طریق اسباب آن جاری باشد» **«أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا»**^۱

بر این اساس، خداوند دستور می دهد که همگان موظفند بر اساس اسباب طبیعی، جان خود را حفظ کنند، و ائمه علیهم السلام نیز به این دستور، هم خود عمل می کردند و هم شیعیان را به آن امر می کردند که عمل کنند و چنین نبود که بگویند شما بروید مریض بشوید، اما خیالتان راحت باشد، ما شما را شفاء می دهیم و در جوار و حرم ما گرفتار بیماری نمی شوید یا خودشان بگویند ما چون قدرت غیبی داریم، نیازی به مواظبت نداریم و با قدرت غیبی مشکل خود را برطرف می کنیم.

خداوند می فرماید؛

«خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید» **«لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»**^۲

امام رضا علیه السلام فرمود؛

«هر آنچه در آن فساد نهفته شده و مایه ضرر برای جسم و نفس است حرام شمرده شده است» **«كُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا قَدْ مَهِيَ عَنْهُ ... فَحَرَامٌ صَافً لِلْجِسْمِ وَفَسَادٌ لِلنَّفْسِ»**^۳

پیامبر گرامی فرمود؛

«ای علی، خداوند برای امت من، این را خوش ندارد ... که کسی با جذامیان (که بیماری مسری دارند) سخن گوید، مگر این که میانشان به اندازه یک ذراع، فاصله باشد». همچنین فرمود: «از جذامی بگریز، چنان که از شیری می گریزی»^۴

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳

۲. بقره، آیه ۱۹۵

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۵۱

۴. الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۷

و در نقل دیگر فرمود؛

«در حالی با جذامی سخن بگو که میان تو و او، به اندازه یک یا دو نيزه، فاصله است»^۱

و فرمود؛

«پنج دسته اند که باید از آنان پرهیز شود که یکی از آنان مجذومین و جذامیان اند» «خَمْسَةٌ يُجْتَنَّبُونَ عَلَى كُلِّ حَالٍ الْمَجْذُومُ...»^۲

در نقل دیگری آمده است؛

«مجذومی به نزد پیامبر آمد تا با ایشان بیعت کند، پیامبر دستش را به سوی او دراز نکرد، و گفت دستت را دراز نکن (بدون دست دادن) با تو بیعت کردم» «أَنَّهُ ﷺ أَتَاهُ مَجْذُومٌ لِيُبَايِعَهُ فَلَمْ يَمُدَّ يَدَهُ إِلَيْهِ بَلْ قَالَ أَمْسِكْ يَدَكَ فَقَدْ بَايَعْتَكُ»^۳

بنابراین، ماسک نزدن و خود را در معرض بیماری کرونا قرار دادن، عملکردی

است که مطابق آیات و روایات فوق و فرامین خداوند و اهلبیت (علیهم السلام) نمی باشد

خداوند تصریح کرده است که توسل به ائمه (علیهم السلام) در رفع گرفتاری و بیماریها بسیار راهگشا است، چنان که در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید؛

«بندگانم بدانید که محبوبترین افراد نزد من محمد و اهل بیتش هستند و هر یک از شما که حاجت و درخواستی دارند به آنان توسل کنند زیرا هر کس در دعا به آنان توسل کند من دعای او را رد نمی کنم»

«فَن كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَيَّ فَلْيَتَوَسَّلْ إِلَيَّ بِهِمَا فَإِنِّي لَا أَرُدُّ سُؤَالَ سَائِلٍ يَسْأَلُنِي

۱. فیض القدير، ج ۵، ص ۵۲؛ بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۸۳

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۸۷

۳. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۸۳

بِهِمَا وَ بِالطَّيِّبِينَ مِنْ عَثْرَتِهِمَا فَمَنْ سَأَلَنِي بِهِمْ فَإِنِّي لَا أُزِدُّ دُعَاءَهُ»^۱

اما تصریح کرده‌اند که زمانی عنایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام شامل حال ما می‌شود تا مثلاً گرفتاری بیماری کرونا نشویم، که ما نیز نهایت سعی و تلاش خود را در مراقبت و عدم مبتلا شدن به بیماری انجام دهیم و آنجایی را که قدرت نداریم، واگذار به خداوند و اهل بیت علیهم السلام کنیم، نه آنکه به امید خدا و اهل بیت علیهم السلام، خود مراقبتی و توجه به پروتکل‌های بهداشتی را نادیده بگیریم و ترک سعی و تلاش کنیم.

علی علیه السلام فرمود؛

«دعاکننده بدون عمل و تلاش مانند تیر انداز بدون «زه» است» «الدَّاعِي بِلَا

عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ»^۲

از آنجایی که زه عامل حرکت و وسیله پیش راندن تیر به سوی هدف است روشن می‌شود که تلاش و کوشش نیز جزو شرایط اساسی برای استجاب دعا است.

امام صادق علیه السلام فرمود؛

«چهار دسته هستند که دعای آنان مستجاب نمی‌شود که یکی از آنان کسی است که در خانه‌اش نشسته است و دنبال تلاش و کوشش نمی‌رود و دعا می‌کند خدایا به من روزی بده» «أَرْبَعٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاءٌ رَجُلٌ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي»^۳

در روایت دیگر آمده است که عمر بن یزید می‌گوید به امام صادق گفتم: «مردی می‌گوید در منزل می‌نشینم و نماز و روزه و عبادت خداوند را انجام

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۲

۲. نهج البلاغه: حکمت ۳۳۷

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲

داده و رزقم به من می رسد؟»

امام علیه السلام فرمود: «این فرد از جمله کسانی است که دعایش مستجاب نمیشود»
«قُلْتُ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلٌ قَالَ لَأَفْعُدَنَّ فِي بَيْتِي وَ لَأَصَلِّيَنَّ وَ لَأُصُومَنَّ وَ لَأَعْبُدَنَّ
رَبِّي فَأَمَّا رَزْقِي فَسَيَأْتِينِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَذَا أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ
لَهُمْ»^۱

علامه بزرگوار مجلسی و محدث بزرگوار شیخ حر عاملی روایات متعدد دیگری نیز در همین مضمون نقل می کنند که شرط لازم و حتمی در استجابت دعا و توسل، سعی و تلاش و کوشش می باشد و بدون آن دعا و درخواست فرد مستجاب نمیشود:^۲

بنابراین روشن می شود که مفهوم دعا و توسل این است که ما حد اکثر تلاش خود را برای رسیدن به مقاصد صحیح انجام دهیم و آنجا که توانایی نداریم دعا و توسل کنیم که خدایا و یا اهل بیت، حل بقیه مشکل با شما باشد و شما سعی مرا موثر واقع کنید.

در موضوع کرونا و بیماری های مسری هم ما موظفیم، نهایت تلاش خود را جهت مقابله با آن انجام دهیم و حتی در حرم ائمه و امام حسین علیه السلام ماسک بزنیم و خود مراقبتی کنیم و آنجایی را که توانایی نداریم به خود ائمه علیه السلام واگذار کنیم.

خلاصه آنکه مفهوم دعا و توسل این است که ما حد اکثر تلاش خود را برای رسیدن به مقاصد صحیح انجام دهیم و آنجا که توانایی نداریم دعا و توسل کنیم که خدایا و یا اهل بیت، حل بقیه مشکل با شما باشد و شما سعی مرا موثر واقع کنید.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۷۷

۲. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۵۴ باب ۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۳ باب ۵۰

در موضوع کرونا و بیماری‌های مسری هم ما موظفیم، نهایت تلاش خود را جهت مقابله با آن انجام دهیم و حتی اگر نیاز باشد، زیارت اماکن مقدسه را محدود کنیم تا بیماری شیوع پیدا نکند و آنجا که قدرت کنترل نداریم، به درگاه خداوند و با توسل به اهل بیت و امام حسین علیه السلام، دعا و تضرع کنیم تا یاری خداوند نصیب ما شود.

اراده خداوند در دنیا بر این تعلق گرفته است که در این عالم همه چیز به طور طبیعی خود پیش برود و وقتی علت‌های مادی یک پدیده حاصل شد معلول آن نیز محقق شود تا اسباب رشد و ترقی و امتحان و ابتلاء در دنیا مختل نشود.

این که مثلاً ازدحام جمعیت در حرم امامان علیهم السلام موجب شیوع بیشتر بیماری کرونا شود، منافاتی با تقدس و توسل به ایشان ندارد چرا که این نوع شیوع بیماری مثلاً، طبق قوانین حاکم بر جهان است که یکی از این قوانین تاثیر گذاری علت‌ها و محقق شدن معلول هاست، و گفتیم اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که در دنیا امور از طریق اسباب طبیعی خود جریان یابد.

وقتی اراده خداوندی چنین بوده است، امامان نمی‌توانند اراده‌ای بر خلاف اراده خداوندی داشته باشند

بنابراین، این که ما قصد داشته باشیم، زیارت اماکن مقدسه را محدود کنیم تا شیوع بیماری مسری را کنترل کنیم، امری است که خود خداوند و اهل بیت علیهم السلام بر طبق آن توصیه کرده‌اند، یعنی عمل کردن به حسب اسباب طبیعی، و تلاش و کوشش کردن برای رسیدن به خواسته و هدف، آنجایی هم که از توانایی ما خارج است، دعا و توسل می‌کنیم تا خدا و اهل بیت علیهم السلام ناتوانی‌های ما را جبران کنند و در رسیدن به هدف موفق شویم.

عمل کردن به حسب اسباب طبیعی به قدری مهم است که به ما اجازه داده‌اند برای آنکه گرفتاری بیماری مسری نشویم، از مکان شیوع آن بیماری،

هجرت کنیم، مگر آنکه ضرورتی برای ماندن باشد چنان که در نقلی آمده است که راوی می گوید؛

«برخی از دوستان ما درباره حکم فرار از طاعون از امام کاظم علیه السلام پرسیدند که آیا اگر در شهر یا روستا یا خانه ای طاعون بیاید، می توان از آنجا به جای دیگر رفت؟ فرمود: آری. گفتم: از رسول خدا حدیث داریم که فرمود: «فرار از طاعون مانند فرار از [میدان] جنگ است.» امام علیه السلام پاسخ داد؛

«پیامبر خدا این را درباره گروهی فرمود که در مرزها، در برابر دشمن بودند و طاعون در میانشان افتاد و مواضع و سنگرهایشان را خالی گذاشتند و فرار کردند. پس ایشان این را در باره آنان فرمود.»^۱

لذا می گوییم محدود سازی زیارت اماکن مقدسه به خاطر بیماری مسری، هیچ منافاتی با توسل به آن بزرگواران ندارد، زیرا هم محدود سازی به حسب توصیه خودشان است و هم توسل و تضرع به درگاهشان برای جبران ناتوانی ها.